

آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۰۵

۲۰۵

دوماهنامه
آینه پژوهش

سال سی و پنجم، شماره اول
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

Ayeneh-ye- Pazhoohesh

Vol.35, No.1 Apr - May 2024

A bi-monthly journal exclusively
review & information dissemination

205

dedicated to book critique, book
in the field of Islamic culture

- تحریر و تبدیل در نسخه‌های کهن | چاپ نوشت (۱۲) | نسخه‌شناسی
مصاحف قرآنی (۱۹) | قم در آینه شعر شیخ عبدالرزاق مسئله‌گو: «خائف
قمی» | نوشتگان (۶) | کیش غنوصی فاطمه در اسلام شیعی | سدید الدین
اعور یا خیام؟ | چند جای نام دیگر شاهنامه | ادیان عربستان در دوران پایانی
باستان | مرور انتقادی بر کتاب ولنتینا گراسو | درنگی بر چند واژه از آداب
الحرب و الشجاعة (۱) | طومار (۴): اندیشه و نقد | آینه‌های شکسته (۲) |
تعلیقاتی بر نزهة المجالس | جهانگشای خاقان، کتاب داستان نه منبع
دست اول | عهد کتاب (۴) | **نکته، حاشیه، یادداشت**
- **دستنویسی کهن از مثنوی معنوی متعلق به کتابخانه علامه محمد قزوینی**
● **اپوست آینه پژوهش | جهم بن صفوان (م ۱۲۸هـ) و تلاش نافرجام برای فهم توحید خالص**
- محمود عالی‌زاد | مجید حبیبی
مرتضی کریمی | رسول جعفریان
میرالایوب کمالی | الهامه توفیق | فرزاد
شاهین حبیب‌آبادی | آرمین شمس‌آبادی
احمد رضا قائم‌قلی | آید صوری | محمدعلی
خواجه‌نورانی | حسین میرافشاری
حیدر عیوضی | سیدعلی میرافشاری
حسین شایخ | سید محمدحسین
محمد جویبار | سید محمدحسین
سید محمدحسین

پرتال
دوماهنامه
آینه پژوهش



Jap.isca.ac.ir

دستنویسی کهن از مثنوی معنوی متعلق به کتابخانه

علامه محمد قزوینی

سرگذشت، تاریخ کتابت، تزئینات، ارزیابی

سید محمد حسین حکیم

| ۴۸۱ - ۵۶۲ |

به یاد شهرام آزادیان
که شیفته قزوینی بود.

چکیده: محمد قزوینی دستنویسی کهن از مثنوی معنوی مورخ ۷۱۵-۷۱۶ ق در تملک داشت که کمی پیش از مرگش در ۱۳۲۸ ش آن را به کتابخانه ملی ایران فروخت (شماره ۱۲۳۲۶، شماره ۲۳۲۶/ ف قدیم). در این مقاله از چهار منظر این نسخه بررسی شده است:

۱. سرگذشت. به دلیل افتادگی برگهای آغاز و انجام تنها نقل و انتقالات نسخه در یک قرن اخیر مشخص است. این نسخه در سال ۱۳۰۱ ش توسط میرزا محمود کتابفروش خوانساری از ایران خارج شد و در ۱۳۲۴ ش توسط قزوینی دوباره به ایران بازگشت. در این بخش بر اساس اسناد موجود رابطه قزوینی با میرزا محمود و کتابخانه ملی ایران بررسی شده است. در ادامه گزارشی مفصل از فرآیند خروج کتابهای خطی و اشیاء گرانبها از ایران بعد از سرقت کتابخانه سلطنتی قاجار ارائه شده و نمونه‌های متعددی از نسخه‌هایی که به این صورت از ایران خارج شده‌اند، نشان داده شده است.

۲. تاریخ کتابت. نسخه قزوینی کهن‌ترین نسخه تاریخدار و کامل مثنوی در کتابخانه‌های ایران است. به این مناسبت تاریخ کتابت سایر نسخه‌های باقیمانده از مثنوی متعلق به نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم هجری در کتابخانه‌های ایران و همچنین سابقه ظهور و حضور مثنوی در ایران بررسی شده است.

۳. تزئینات که در سه زمان مختلف و به فاصله سه قرن صورت پذیرفته است: همزمان با کتابت نسخه، نیمه دوم قرن نهم یا شاید اواخر آن در هرات یا شاید شیراز، قرن یازدهم.

۴. ارزیابی. بین نسخه‌های مثنوی ضبط‌های این نسخه به دو نسخه دیگر یعنی موزه قونیه، ش ۱۱۹۳، مورخ ۶۸۷ ق و مرکز احیاء میراث اسلامی قم، ش ۲۹۴۲، مورخ ۷۰۱ ق نزدیکتر است. این نسخه شامل سه گروه تفاوت و اختلاف در ضبط است که برای هر کدام نمونه‌هایی برشمرده شده است: الف. تجدیدنظرها و اصلاحات خود مولانا، ب. اصلاحات کاتبان به قصد هموارکردن مثنوی، ج. خطاهای کتابتی. همچنین در این بخش با توجه به این نسخه و سایر نسخه‌های کتابت شده تا نیم قرن بعد از سرایش مثنوی، مشخص می‌شود که مقدمه دفتر پنجم مثنوی الحاقی است و اصیل نیست.

در پایان مقاله خصوصیات نسخه‌شناختی نسخه مانند تصحیحات، علامتها، افتادگیها، رسم الخط، کراسه‌ها، صحافی و اندازه‌ها ذکر شده است. این نسخه به عنوان یکی از نسخه‌های خطی پرونده آثار مولانا در سال ۲۰۲۳ م در برنامه حافظه جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

کلیدواژه‌ها: مثنوی معنوی، محمد قزوینی، کتابخانه ملی ایران، نسخه‌های خطی فارسی، نسخه‌های خطی مثنوی، جابه‌جایی نسخه‌های خطی، خروج نسخه‌های خطی از ایران.

سرگذشت

همه کتابخانه علامه محمد قزوینی آن بخشی نیست که بعد از مرگ او با وساطت علی اکبر دهخدا برای دانشگاه تهران خریداری شد و اکنون بخشی در کتابخانه دانشکده ادبیات (کتابهای چاپی) و بخشی در کتابخانه مرکزی (کتب خطی) آن جا نگهداری می شود؛ بلکه قزوینی در ایام حیات خود نیز به دلیل احتیاج مادی و برای گذران روزگار مجبور شد بخشی از کتابهایش را بفروشد. مهمترین و احتمالاً مورد عمده آن کتابهایی است که به تفاریق در فاصله سالهای ۱۹۱۰-۱۹۱۴ و ۱۹۲۲-۱۹۲۳م در چند نوبت به کتابخانه ملی فرانسه فروخت. تعداد این نسخه‌ها بالغ بر ۸۴ نسخه خطی (۵۰ نسخه خطی فارسی و ۳۱ نسخه عربی و ۳ نسخه ترکی) است که شماری از آنها بسیار ارزشمندند.^۲

به جز اینها، یکی دیگر از نسخه‌هایی که قزوینی در زمان زندگی خود فروخت، دستنویسی قدیمی از مثنوی مولوی بود. این مثنوی بنا بر روایت اسماعیل مرآت (۱۲۷۱-۲۷ آذر ۱۳۲۸ ش)^۳، در آخرین روزهای حیات قزوینی (د. جمعه ۶ خرداد

۴۸۲

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. تعداد کتابهای قزوینی در زمان مرگش ۲۲۴۲ مجلد بود که در سال ۱۳۲۹ ش دانشکده ادبیات دانشگاه تهران آنها را خرید. این مجموعه شامل ۸۴ جلد نسخه خطی است که به دلیل کمبود فضا و نیز برای حفاظت بهتر همراه با سایر نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده ادبیات در سال ۱۳۴۹ ش به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران منتقل شد. رک: «کتابخانه دانشکده»، ص ۴۳۶، ۴۳۹. فهرست این نسخه‌ها به همراه سایر نسخه‌های دانشکده ادبیات در جلد اول فهرست نسخه‌های خطی دانشکده ادبیات (تهران)، تألیف محمدتقی دانش پژوه، ۱۳۳۹ منتشر شده است. همچنین درباره خرید کتابخانه قزوینی توسط دانشکده ادبیات رک: یادداشت‌های دکتر قاسم غنی، ج ۶، ص ۵۱۷-۵۱۸.

۲. فهرست کامل این نسخه‌ها به کوشش نگارنده تهیه شده است و به زودی منتشر می شود. همچنین برای بعضی از این نسخه‌ها رک: کتاب ایرانی: چهار مقاله در مباحث متن پژوهی نسخه‌شناسی و کتاب آرایی، ص ۲۷-۲۸؛ جلوه‌های هنر پارسی: نسخه‌های نفیس ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ هجری قمری موجود در کتابخانه ملی فرانسه، ص ۴۸، ۵۰، ۶۵، ۱۰۱ (شماره‌های ۱۷، ۲۲، ۲۳، ۵۶)؛ «در حاشیه: جلوه‌های هنر پارسی»، ص ۳۸۴.

۳. اسماعیل مرآت، وزیر فرهنگ ایران طی سالهای ۱۳۱۷-۱۳۲۰ ش، در زمان نوشتن این نامه احتمالاً سرپرست محصلان ایران در آمریکا بود. زیرا حسین علازمانی که سفیر ایران در آمریکا بود

۱۳۲۸ش) به کتابخانه ملی ایران فروخته شد تا گرهی از مشکلات معیشتی زندگی او را باز کند.

اسماعیل مرآت در نامه خود به قاسم غنی^۱ در سوم شهریور ۱۳۲۸ش بعد از مرگ قزوینی داستان انتقال این نسخه به کتابخانه ملی را این گونه روایت کرده است:

بیست روز یا شاید یک ماه قبل از فوت آن مرحوم به زیارت ایشان رفتم. از بی پولی شکایت داشته، فرمودند که یک نسخه خطی مثنوی دارم که می خواهم با همه علاقه‌ای که به آن دارم، ولی از روی احتیاج آن را به کتابخانه ملی به پنج هزار تومان بفروشم؛ ولی از بابت بدجنسی که متصدی کتابخانه در این کار به خرج می دهد از فروش آن منصرف شده‌ام. بعد از مرخص شدن از خدمت ایشان تحقیق کردم، معلوم شد که وضع معاش ایشان خیلی بد است و این مبلغ برای پرداخت مخارج ضروری ایشان نهایت لزوم را دارد. مقامات برتر را متوجه این امر کردم و مخصوصاً فرج بخش را نزد ایشان فرستادم و واداشتم که حواله پنج هزار تومان را قبول فرمایند. بالاخره بر اثر اصرار این جوان آن مرحوم راضی شدند که وجه را قبول نمایند. خلاصه مطلب زیاد است و جا کم.^۲

از این نقل قول مشخص نمی شود که آن متصدی بدجنس کتابخانه که بود که در راه خرید این نسخه مثنوی سنگ اندازی کرده بود. اما در این زمان مهدی بیانی رییس کتابخانه ملی بود (ریاست: ۱۳۱۶-۱۳۱۹ و ۱۳۲۱-۱۳۴۰ش) و به دلیل تبخرش خود متصدی خرید نسخه های خطی برای کتابخانه بود. بین یادداشتها و مدارک قزوینی و نیز سایر منابع اشارات مختصری به مهدی بیانی شده است و از این

از آزردها و ناراحتیهای مرآت آگاه شد و او را برای قبول مسئولیت سرپرستی محصلان ایران در آمریکا دعوت کرد و این آخرین مأموریت مرآت بود. رک: وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، ص ۳۴۰.

۱. غنی در این زمان سفیر کبیر ایران در ترکیه بود.

۲. یادداشتهای دکتر قاسم غنی، ج ۶، ص ۵۳۹.

اشارات بیش از آن که کدورت یا اختلافی به نظر برسد، احترام فوق‌العاده بیانی در حق قزوینی دیده می‌شود.

ظاهراً قزوینی، پیش از مراجعت به ایران بیانی را به درستی نمی‌شناخت. خانابا بیانی در مقدمه کتاب ذیل جامع التواریخ حافظ ابرو (انتشار سال ۱۳۱۷ش) می‌نویسد که اطلاع او از نسخه جغرافیای حافظ ابرو محفوظ در کاخ گلستان توسط آقای مهدی بیانی رئیس کتابخانه ملی ایران حاصل شده است.^۱ قزوینی در حاشیه این مطلب در نسخه شخصی خودش با مداد نوشته است: «آقای مهدی بیانی غیر طابع ندادن این کتاب خانابا بیانی است (و من تاکنون هر دو را یکی فرض می‌کردم)».^۲ اما بعد از مراجعت قزوینی به ایران ارتباط او با بیانی به بهانه‌های مختلف گسترده شد. به شرحی که مهدی بیانی نوشته است:

علامه قزوینی پس از بازگشت از اروپا و اقامت در تهران، با استدعای این جانب عضویت شورای کتابخانه ملی تهران را پذیرفته و از دی ماه ۱۳۲۲ با سمت ریاست در جلسات شوری که ماهی یک بار تشکیل می‌شد، در کتابخانه ملی حضور می‌یافتند. شاید این تنها دعوتی بود که برای شرکت در مجامع فرهنگی و غیره پذیرفته بودند و این امر را برای خود وظیفه‌ای می‌دانستند که با رغبت در جلسات حاضر شده و برای بهبود وضع فنی کتابخانه و مخصوصاً کوشش در امر تسهیل خریداری کتابهای مفید و بالاخص نسخه‌های خطی دقیقه‌ای فرو نمی‌گذاشتند و مقدار نسخه‌های خطی که به استصواب ایشان فراهم گردیده، از نفایس کتابخانه است.^۳

۱. مقدمه ذیل جامع التواریخ، حاشیه صفحه ز (نسخه شخصی محمد قزوینی محفوظ در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران). رک: تصویر ش ۳.
۲. خانابا بیانی (۱۲۸۸-۱۳۷۵ش) برادر مهدی بیانی بود.
۳. «نسخه انیس الناس»، ص ۴۳۳.

همان طور که بیانی نوشته است قزوینی برای تقویم نسخه‌های خطی عرضه شده به کتابخانه ملی مکرر به آن جا می‌رفت و امضای او در موارد متعدد در کنار امضای عباس اقبال آشتیانی، بدیع‌الزمان فروزانفر، حسین گل‌گلاب، دکتر صبا و ابراهیم صفا زیر صورت جلسه‌های خرید نسخه‌ها دیده می‌شود.^۱ به این جلسات در خاطرات محمدعلی فروغی ذکاءالملک هم اشاره شده است. از جمله او در یادداشت مربوط به روز ۲۱ اردیبهشت ۱۳۱۹ نوشته است: «بعد از ظهر رفتم کتابخانه ملی. مقداری از کتابهای مرحوم نصیرالدوله را به اتفاق میرزا محمد خان و اقبال ارزیابی کردیم».^۲ حتی در مواردی او مسبب انتقال بعضی از کتب خطی به کتابخانه ملی بود.^۳

در یادداشتهای قزوینی مشخصات بعضی از نسخه‌هایی که در این جلسات بررسی می‌شد، ثبت شده است. طبق نوشته او در ۲۹ دی ۱۳۲۰ ش علی‌اصغر شمیم مدیر وقت کتابخانه ملی نسخه کتاب انیس الناس را که برای فروش به کتابخانه ملی عرضه شده بود، برای شناسایی و اظهار نظر به قزوینی داد. قزوینی هم گزارش مفصلی از نسخه شامل ویژگیهای متنی و خصوصیات نسخه‌شناختی نوشت که متن آن بعداً در یادداشتهایش منتشر شد.^۴ او در همان زمان خلاصه‌ای از نظر خود را طی نامه‌ای به کتابخانه ملی داد که مهدی بیانی یازده سال بعد از مرگ قزوینی ضمن تجلیلی شایسته از او، آن را منتشر کرد.^۵

۴۸۵

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. یادنامه دکتر خسرو بهرون، ص ۲۵۵-۲۶۵. نیز رک: «جمع‌آوری نسخه‌های خطی»، عباس اقبال، ص ۲-۳.
۲. خاطرات محمدعلی فروغی به همراه یادداشت‌های روزانه از سال‌های ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰، ص ۵۶۴. نیز رک: ۵۴۸، ۵۵۱، ۵۶۳، ۵۶۵، ۵۷۳-۵۷۵، ۵۸۸، ۶۰۶-۶۰۷، ۶۱۸، ۶۲۱-۶۲۲.
۳. یادنامه دکتر خسرو بهرون، ص ۲۴۰.
۴. یادداشتهای قزوینی، ج ۹، ص ۲۰-۳۹.
۵. «نسخه انیس الناس»، مهدی بیانی، راهنمای کتاب، شهریور ۱۳۳۹، س ۳، ش ۳، ص ۴۳۳-۴۳۴. قاسم غنی هم به این قضیه اشاره کرده است رک: بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، ج ۱، ص مه، ۳۹۳. این نسخه انیس الناس برای خزانه ابراهیم سلطان تیموری (حکومت فارس: ۸۱۷-۸۳۸ ق) کتابت شده بود که بعداً وارد خزانه پدرش شاهرخ تیموری (حک. ۸۰۷-۸۵۰ ق) شد. اگرچه نظر قزوینی برای خرید این نسخه مثبت بود و تأکید کرده بود «حتماً کتابخانه در صورت امکان باید آن را بخرد و

به جز این قزوینی برای انجام تحقیقات خود از کتابهای کتابخانه ملی استفاده می‌کرد. ظاهراً او به جای آن که برای مطالعه در کتابخانه حاضر شود، ترجیح می‌داد که کتابها را به امانت بگیرد. چند رسید عودت کتابهای امانی به کتابخانه ملی به خط قزوینی یادگار همین ایام است (مورخ ۴ آذر ۱۳۲۰ و ۱۳ مهر ۱۳۲۲ ش).^۱

ضمن اسناد و مدارک قزوینی، نامه محترمانه‌ای از بیانی خطاب به قزوینی مورخ ۲ اردیبهشت ۱۳۲۴ ش در دست است که از او درخواست کرده تا مقدمه خود بر نسخه عکسی مونس الاحرار موجود در کتابخانه ملی را مراجعه و اصلاح کند.^۲

همچنین در زمان تجدید فعالیت انجمن آثار ملی در آذر ۱۳۲۳ ش قزوینی به عنوان یکی از اعضای هیئت مؤسس و بیانی به عنوان منشی انجمن انتخاب شدند. مقرر این انجمن هم در کتابخانه ملی قرار داده شد.^۳

با همه این احوال مشخص نیست که قزوینی چرا آن عبارت را در حق متصدی کتابخانه به کار برده است. شاید هم این تلخی قزوینی به خُلق زودرنج او ارتباط داشته باشد که به اندک چیزی از دیگران دل‌آزرده می‌شد. همان طور که در پایان عمر روابطش را با ذکاءالملک فروغی به دلایلی عجیب قطع کرد.^۴

به هر حال و برخلاف سخن مرآت، مهدی بیانی در یادداشتش روی نسخه از قزوینی با تجلیل یاد کرده و در صفحه عنوان چنین نوشته است: «خریداری کتابخانه ملی از

نگذارد از دستش دررود»؛ اما کتابخانه ملی به دلایلی نامشخص آن را نخرید تا آن که سالها بعد در اردیبهشت ۱۳۴۵ هادی حائری، مالک نسخه، آن را به کتابخانه مجلس فروخت و اکنون به شماره ۹۵۱۸ در آن جا نگهداری می‌شود.

۱. آرشیو ملی ایران، سند ش ۲۳۲/۳۵۰۹. برای تصویر آنها رک: تصویر ش ۱.
۲. این نامه لای نسخه شخصی قزوینی از کتاب خودش، بیست مقاله قزوینی، گذاشته شده بود. این کتاب در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. برای تصویر نامه رک: تصویر ش ۲.
۳. یادگار عمر، ج ۳، ص ۱۰۹-۱۱۰.
۴. نامه‌های محمد قزوینی به محمد علی فروغی و عباس اقبال آشتیانی، ص ۱۸-۲۱.

علامه معظم آقای میرزا محمد خان قزوینی ۱۳۲ م. بیانی، «همچنین یادداشت دیگری در همین موضوع بالای صفحه الحاقی آغاز نسخه با مداد نوشته شده است: «نمره ۱۶۸۸ دفتر خرید. از علامه قزوینی خریداری شده».

متأسفانه این دفتر اکنون در کتابخانه ملی موجود نیست؛ اما طبق یکی از گزارشات کتابخانه به سازمان بازرسی شاهنشاهی، نسخه مثنوی در ۱۹ اسفند ۱۳۲۷ ش در «دفتر کتب خریداری و اهدایی» کتابخانه ثبت شده بوده است.^۲ در صورت جلسه‌های تحویل کتب خطی کتابخانه ملی مربوط به سالهای ۱۳۳۵ و ۱۳۳۷ ش نیز به این نسخه و خرید آن از مرحوم قزوینی اشاره شده است.^۳ این مثنوی اکنون به شماره ۱۲۳۲۶ (شماره ۲۳۲۶ ف قدیم) در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود.

سرنوشت نسخه قزوینی از زمان کتابت تا سده سیزدهم هجری نامشخص است. قدیم‌ترین اثر تملک روی آن مهر مدوری است که احتمالاً در قرن نهم یا دهم در برگ آغازین دفترهای دوم و سوم و پنجم و ششم کوفته شده؛ ولی بعدتر اثر آن را به دقت سترده‌اند و معلوم نیست به چه کسی تعلق داشته است. از معدود حروف باقیمانده از این مهر تعلق آن به دوره تیموری مشخص می‌شود (گ ۴۳، ۸۶، ۱۸۵، ۲۳۶ ر). مالکان کتابها، یادداشت تملک و خریداری و مهر خود را معمولاً در صفحه عنوان و در موارد کمتری در صفحه خاتمه نسخه‌ها قید می‌کردند. نسخه ما اگر هم مهر یا تملکی داشته است، به خاطر از دست رفتن این صفحات برای همیشه از آنها بی‌خبر خواهیم بود. مهر دیگر نسخه تاریخ ندارد؛ ولی جدید است (مهر بیضوی به نقش: «یا امام محمد باقر»، گ ۸۵ پ). یک مهر بیضوی سترده شده هم در برگ ۱۸۸ ر دیده می‌شود.

بنا بر دو یادداشت برافزوده می‌دانیم که نسخه در سالهای ۱۲۸۲ و ۱۳۱۰ ق در مشهد رضوی و شمیران بوده است. یادداشت اول احتمالاً نشان می‌دهد که صاحب نسخه

۱. بدون عدد چهارم.

۲. یادنامه دکتر خسرو بهرون، ص ۲۰۹.

۳. همان، ص ۲۰۳، ۲۱۲-۲۱۳.

آن را برای مطالعه همراه خود به سفر برده باشد. این دو یادداشت در ابتدای دفتر ششم نوشته شده‌اند (گ ۲۳۶ر):

- تاریخ ورود به ارض اقدس و شرفیابی آستان ملایک پاسبان رضوی صلوٰة الله و سلامه علیه و علی آباءه و اولاده سلخ شهر صفر المظفر سنه ۱۲۸۲ق هزار دو بیست هشتاد دو هجری مطابق اودئیل ترکی.

- هو الله تعالی شأنه. در شب بیست هشتم محرم الحرام فی سنه ۱۳۱۰ در شمیران در کنده؟ در خانه‌ای که اعلی بام (؟) که اجاره شده بود، این چند کلمه را برای یادگاری تحریر نمودم.

هر که خواند دعا طعم دارم زانکه من بنده گنه کارم
اسدالله

پایین صفحه آخر نسخه هم تاریخ تولد غلام رضا در روز سه شنبه ۲۳ شوال ۱۲۱۰ ق ثبت شده است.

این دستنویس تا سال ۱۳۴۰ ق (مطابق ۱۳۰۱ ش) در ایران نگهداری می شد. در این سال مالک نسخه برای خروج آن از ایران اقدام کرد. در پی سرقت تعداد معتنا بهی از کتابهای کتابخانه سلطنتی قاجار توسط کتابدار آن کتابخانه، لسان الدوله، و همدستانش در سالهای ۱۳۱۳-۱۳۲۷ ق و به منظور کشف این مسروقات، مالکان کتابها موظف بودند برای خروج کتابهای خطی و اشیاء گرانبها از ایران که بیش از ۵۰ سال قدمت دارند، از اداره مرکزی معارف مجوز بگیرند. این اداره هم با هماهنگی اداره بیوتات سلطنتی، پس از تطبیق مشخصات نسخه‌ها با مندرجات فهرستها و دستکهای کتابخانه سلطنتی و اطمینان حاصل کردن در مورد مسروقه نبودن کتابها اجازه خروج آنها از کشور را صادر می کرد^۱. نتیجه این بررسی با کوفته شدن مهری روی

۱. بنا بر ماده ۶ «نظام نامه جدید عتیقات» مصوب هیئت وزرا در خرداد ۱۳۰۳ ش مقرر شد که کتب خطی و نقاشی و قطعات خط برای خروج از ایران باید به اداره بیوتات ارائه شوند و از آنجا اجازه بگیرند تا اشیای مسروقه موزه و کتابخانه دولتی کشف شود («جایگاه قانون عتیقات و حفریات تجاری در باستان شناسی ایران»، ص ۱۸). در آبان ۱۳۰۴ ش دستورالعمل نحوه انجام این کار با امضای

نسخه‌ها اعلام می‌شد؛ مبنی بر آن که این نسخه مراجعه و تفتیش شد و چون نسخه از کتابهای سرقتی کتابخانه سلطنتی ایران نیست، خروجش از کشور ایران آزاد است. لذا اکنون روی نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های داخل و خارج ایران این مهر دیده می‌شود.^۱

۱. س. میلیسپو Arthur Chester Millspaugh (رئیس کل مالیه) و محمدعلی فروغی (وزیر مالیه) ابلاغ شد. در این دستورالعمل ویژگیهای نسخه‌های کتابخانه سلطنتی قاجار به تفصیل ذکر شده است تا مأموران دست‌اندرکار به راحتی بتوانند این کتابها را شناسایی کنند (اصل سند موجود در سازمان اسناد ایران، سند شماره ۲۴۰۰۲۱۰۲۰).

همچنین رک: «خروج نسخه‌های خطی از ایران»، ص ۴۷۷-۴۷۸؛ اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی، ص ۲۹۲-۲۹۴؛ نقد حال، ص ۱۳ (که بنا بر گزارش مجتبی مینوی، سعید نفیسی در خرداد ۱۳۰۶ ش دو نسخه خطی از کتاب حدائق السحر ملکی خودش را برای دریافت جواز خروج به اداره بیوتات فرستاده بود. او می‌خواست این نسخه‌ها را برای عباس اقبال به پاریس بفرستد).

۱. معمولاً بیشتر این یادداشتها را مهدی بیانی به عنوان نماینده وزارت معارف امضا کرده است و او خود در کتاب احوال و آثار خوشنویسان به بعضی از آنها اشاره کرده است (مانند ج ۲، ص ۱۰۲۰). در میان نسخه‌های متعددی که این مهر را دارند هم نسخه‌هایی هستند که اکنون در ایران نگهداری می‌شوند و هم در کتابخانه‌های خارج از ایران و هم نمونه‌ای مانند مثنوی قزوینی که از ایران خارج شده و دوباره به آن جا بازگشته است. این نسخه‌ها تنها نمونه‌ای از نسخه‌های دارای این مهر است که در کتابخانه‌های داخل و خارج ایران پراکنده شده‌اند:

مجموعه سه رساله از جمله نیل المرام فی مذهب الائمة علیهم السلام (کتابخانه مجلس، ش ۱۰۱۶۸، بررسی شده در ۱۳۱۴)؛ مجمع الفرس سروری (دانشگاه اصفهان، ش ۱۳۸)؛ مرصاد العباد مورخ ۷۵۴ ق (کتابخانه مجلس سنا، ش ۲۹۲)؛ الکشاف زمخشری (کتابخانه ملی ایران، ش ۲۲۵۸۷ به همراه مهر خروج آزاد است)؛ شاهنامه فردوسی، نسخه نفیس مورخ ۹۵۹ ق همراه با ۴۸ مجلس تصویر (کتابخانه ملی، ش ۱۷۵۰۹، بررسی شده در ۱۳۴۲ ق)؛ دیوان حافظ به خط سلطان علی مشهدی مورخ ۸۷۸ ق (کتابخانه ملی، ش ۳۸۸۸۱، بررسی شده در ۱۳۰۶)؛ حاشیه الکشاف مسعود بن عمر تفتازانی مورخ ۸۳۶ ق (کتابخانه مرعشی قم، ش ۱۱۰۲۴، بررسی شده در ۱۳۰۷)؛ دو رساله از فیض کاشانی (کتابخانه مرعشی قم، ش ۱۳۴۰۹، بررسی شده در ۱۳۱۰ ش. در فهرست آن کتابخانه، ج ۳۴، ص ۳۰-۳۱ به نادرست نوشته شده که این مهر مربوط به مأموران عصر رضا خان است که کتاب و اشیاء و البسه مردم را در جاهای مختلف بازرسی می‌کردند)؛ خمه امیر خسرو دهلوی با ۱۳ مجلس مینیاتور (کتابخانه مجلس، ش ۱۳۱۴۵)؛ صحاح اللغة مورخ ۱۰۹۳ ق (کتابخانه مجلس سنا، ش ۴۲۷، بررسی شده در

۱۳۲۵؛ ابومسلم نامه از قرن ۱۱ (کتابخانه مجلس سنا، ش ۴۲۸، بررسی شده در ۱۳۲۵)؛ الاصلی فی علم الانساب از ابن طقطقی مورخ ۱۰۳۰ق (کتابخانه مجلس، ش ۴۴۵۹، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ شرح نهج البلاغة تألیف محمد صالح بن محمد باقر روغنی قزوینی (کتابخانه دانشگاه کلمبیا، Ms Or 123، بررسی شده در ۱۳۱۲)؛ منتقى الجمان فی الاحادیث الصحاح و الحسان تألیف حسن بن زین الدین عاملی (دانشگاه تهران، ش ۶۹۷، بررسی شده در ۱۳۱۱ش)؛ تحفة المؤمنین مورخ ۱۲۲۳ق که برادر محمد قزوینی آن را در ۲۹ اوت ۱۹۲۲م از تهران برای او فرستاده بود (دانشکده ادبیات تهران، ش ۱۲۴ب، بررسی شده در سال ۱۳۴۰ق)؛ روضة الصفاء مورخ ۱۰۰۱ق، نسخه مذهب (دانشکده ادبیات تهران، ش ۱۳۷ب، بررسی شده در سال ۱۳۴۰ق)؛ شرح القانون قطب الدین شیرازی متعلق به قرن هشتم (کتابخانه ملی ایران، ش ۱۷۵۶۵، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ تحصیل النجاة فی اصول الدین تألیف فخرالمحققین با اجازه‌ای به خط او (دانشگاه تهران، ش ۱۷۷۱)؛ خمسه نظامی مورخ ۷۱۸ق (دانشگاه تهران، ش ۵۱۲۹، بررسی شده در ۱۲ خرداد ۱۳۱۸)؛ دیوان محتشم کاشانی از قرن یازدهم (کتابخانه ملی ایران، ش ۲۳۳۳۳)؛ جامع الاخبار مورخ ۹۷۷ق (دانشکده الهیات مشهد، ش ۱۲۲، بررسی شده در ۱۳۰۸)؛ الرسالة السلیمانیة تألیف محمد قاری بن شمس الدین محمد کاظمی قاری، مورخ ۱۰۸۸ق (دانشکده الهیات مشهد، ش ۲۹۵، بررسی شده در ۱۳۰۸)؛ مجموعه رسائل از قرن هفتم (مدرسه سپهسالار، ش ۳۸۷۵، بررسی شده در ۱۳۱۳)؛ التبیان فی تفسیر القرآن شیخ طوسی، مورخ ۵۶۶ق (کتابخانه ملک، ش ۱۷۴، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ طهارة القلوب لخضوع عالم الغیوب تألیف عبدالعزیز بن احمد دمیری دیرینی، قرن هشتم (کتابخانه ملک، ش ۲۴۰۶، بررسی شده در ۱۳۱۴ق)؛ النجاة فی القیامة ابن میثم بحرانی، مورخ ۸۵۲ق (کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۸۰۴۱)؛ روضة المتقین فی شرح اخبار الائمة المعصومین تألیف محمد تقی مجلسی، به خط مؤلف (کتابخانه آیت الله خوئی نجف، ش ۴۲۳، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ بحار الانوار تألیف محمد باقر مجلسی، به خط مؤلف (کتابخانه آیت الله خوئی نجف، ش ۴۷۸، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ تاریخ و صاف، نسخه مزین و نفیس کتابت شده به رسم خزانه کتب بایسنغر میرزا در سال ۸۳۵ق (موزه هنر دالاس آمریکا، مجموعه کی یر، ش 62 VII، بررسی شده در ۱۳۳۹ق)؛ قانون ابن سینا مورخ ۱۰۰۶ق (دانشگاه ییل آمریکا، Ms. or. oct. 3749، بررسی شده در سال ۱۳۰۷ش)؛ حدیقة السعداء فضولی، مورخ ۱۰۱۱ق در بغداد (موزه بروکلین، ش 70.143، بررسی شده در ۱۳۲۶ق)؛ خمسه نظامی از قرن دهم با یک مینیاتور (کتابخانه ایالتی برلین، ش Ms. or. oct. 3749، بررسی شده در سال ۱۳۴۳ق)؛ کلیات سعدی از قرن دهم هجری با ده مینیاتور (کتابخانه ایالتی برلین، ش Ms. Or. Quart. 2022، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ شرح حکمة الاشراق قطب الدین شیرازی، مورخ ۷۳۳ق (دانشگاه پرینستون، ش Am 15861)؛ قرآن قاجاری مزین (موزه های هنر هاروارد، ش 1959.149.2، بررسی شده در ۱۳۱۲)؛ شرح زیچ سلطانی تألیف عبدالعلی بیرجندی، مورخ ۱۰۹۷ق (دانشگاه کلمبیا، Ms Or 3، بررسی شده در سال ۱۳۱۲)؛ مثنوی، به خط

در ابتدا و انتهای این نسخه نیز مهر مدور «مراجعه و تفتیش شد سنه ۱۳۴۰» و روی

عبد اللطیف قلندر بن عبدالله بن خضر سبزواری در شعبان ۹۰۰ ق در مشهد و مرقد امام علی بن موسی الرضا (دانشگاه کلمبیا، ش. MS Or 69، بررسی شده در سال ۱۳۱۲)؛ تعلیقه علی الهیات شرح تجرید العقائد از خفری (کتابخانه ملی فرانسه، ش. Arabe. 6835، بررسی شده در ۱۳۱۴ ق)؛ حاشیه علی تحریر اقلیدس از ملازاده رومی، قرن دهم (کتابخانه چستریتی ایرلند، ش. ۴۳۵۷)؛ حاشیه علی شرح حکمة العین میر سید شریف گرگانی (کتابخانه چستریتی، ش. ۴۳۷۳، بررسی شده در ۱۳۱۳)؛ مجموعه شامل المسائل الطبریه از محقق حلی و مختصر التواریخ الشرعیة من الائمة المهدیه از شیخ مفید، قرن هفتم (کتابخانه چستریتی، ش. ۴۳۵۸)؛ تفسیر سوراآبادی، مورخ ۶۸۴ ق (کتابخانه بادلیان آکسفورد، ش. Ms. Pers. C. 34)؛ بوستان سعدی (کتابخانه بادلیان، ش. MS. Pers. c. 39، بررسی شده در سال ۱۳۴۲ ق)؛ مبادی الوصول الی علم الاصول علامه حلی، مورخ ۷۱۵ ق، با اجازه فخرالمحققین فرزند علامه حلی (موزه بریتانیا، ش. OR.10963، بررسی شده در ۱۳۱۷)؛ تذکره الفقهاء علامه حلی، قرن یازدهم، مذهب (موزه بریتانیا، ش. Or 13890، بررسی شده در ۱۳۰۹ ق. کنار مهر نوشته شده: «جواز داده شده است»)؛ دیوان حافظ، به خط منعم الدین محمد اوحدی حسینی در ۹۲۳ ق (کتابخانه کنگره آمریکا، ش. Persian mss. M. 26، بررسی شده در ۱۳۰۶ ش)؛ دیوان کمال خجندی، دارای شمسه تقدیمیه به رسم خزانه سلطان محمد فاتح، جلد لاکه کار آقا لطفعلی در ۱۲۸۹ ق به سفارش محمد قاسم خان (حراج ساتبیز، هنر اسلام و هند، ۲۷ اکتبر ۲۰۲۰ م، کالای ش. ۴۰۸، بررسی شده در ۱۳۱۵)؛ برگهایی از قرآن به خط کوفی (کتابخانه ملی اسرائیل، ش. Yah.Ar.970، با مهر خروج آزاد است که در ۱۳۱۸/۷/۱۴ نماینده وزارت معارف آن را تأیید کرده بود).

گفتنی است این مهر با دستخط بیانی مبنی بر بررسی نسخه در شهریور ۱۳۳۱ روی نسخه مجعول دیوان امیر معزی با تاریخ ۵۵۱ هـ (کتابخانه دانشگاه هاروارد، ش. Ms typ 1016) نیز دیده می شود. بی توجهی به دلیل اصلی الصاق این مهر روی نسخه ها سبب شده است که به خط تصور شود دلیل اجازه خروج این نسخه از سوی مرحوم بیانی جعلی بودن نسخه است و «او هرگز اجازه خروج نسخه مورخ ۵۵۱ از ایران] را که اصلی باشد، نمی داد» («پیرامون نسخه مجعول و مصور دیوان امیرمعزی در دانشگاه هاروارد»، ص ۸۹). در حالی که همان طور که گذشت این مهر اصولاً برای خروج قانونی نسخه ها از ایران روی نسخه ها الصاق می شد و هیچ ارتباطی به اصیل یا مجعول بودن نسخه ها نداشت.

همچنین برای یک نمونه از این بررسیها به خط بیانی رک: پنجاه سال با دکتر مهدی بیانی، ص ۳۶. برگهایی از قرآن به خط کوفی (کتابخانه مجلس سنا، ش. ۴۰۰) احتمالاً یکی از آخرین نسخه هایی است که این مهر را دارد. روی این نسخه علاوه بر مهر مراجعه و تفتیش، مهر دیگری از «وزارت فرهنگ اداره کتابخانه ملی» کوفته شده است. روی این مهر را ابراهیم صفا رییس وقت کتابخانه ملی در تاریخ ۴۱/۱۱/۲۱ امضا کرده و با خط خود بالای آن نوشته است: «خروج آزاد است».

آن امضای «ملاحظه شد» دیده می‌شود. ذیل این مهر در برگ ۱ پ نمره ۳۴۸۳ نوشته شده است.

از یادداشت محمد قزوینی مشخص می‌شود کسی که برای خروج نسخه از ایران اقدام کرد، میرزا محمود کتابفروش خوانساری بود. او این کار را برای فروش نسخه به قزوینی انجام داد. نسخه در ربیع الثانی ۱۳۴۱ ق مطابق نوامبر ۱۹۲۲ م در پاریس به دست قزوینی رسید و او یادداشت مالکیت خودش را در این تاریخ در برگ الحاقی آغاز نسخه به این صورت ثبت کرد:

الحمد لله وحده.

در ربیع الثانی ۱۳۴۱^۱ مطابق نوامبر ۱۹۲۲ از آقا میرزا محمود خان کتابفروش خوانساری خریدم. محمد قزوینی پاریس ربیع الثانی ۱۳۴۱ هجری.

میرزا محمود کتابفروش خوانساری از کتابفروشان معتبر روزگار خود در تهران بود؛ تا جایی که در دوره نخست مجلس شورای ملی، سال ۱۲۸۵ ش، به عنوان وکیل صنف صحاف و مذهب و کاغذفروش و کتابفروش انتخاب شد. او در کار نشر جدی و خوش سلیقه بود و چاپ کتابهای مهمی مانند شاهنامه امیر بهادری به خط عمادالکتاب، بستان السیاحه زین العابدین شیروانی به خط زین العابدین قزوینی، ریاض العارفین رضا قلی خان هدایت و تاریخ بیهقی به تصحیح میرزا محمد حسین ادیب فروغی و عالم آرای عباسی از جمله آثار کارنامه اوست. او همچنین در شناخت نسخه‌های خطی ماهر بود و به کار خرید و فروش نسخه‌های خطی می‌پرداخت.^۲

۴۹۲

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. قزوینی در این جا تاریخی دیگر را نوشته بود؛ اما بعداً آن را تراشیده و به این تاریخ تبدیل کرده است.
۲. درباره او رک: نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، زهرا شجعی، تهران، ۱۳۴۴، ص ۳۲۲؛ «چهار داستان شاهنامه از سید محمد بقاء»، احمد سهیلی خوانساری، آینده، س ۱۰، ش ۱، فروردین ۱۳۶۳، ص ۲۵-۲۷؛ «حدیث کتاب و کتابفروشی از بازار بین الحرمین تارویه روی دانشگاه»، سید ابوالقاسم انجوی شیرازی، آدینه، ش ۱۷، آبان ۱۳۶۶، ص ۵۳؛ به روایت سعید نفیسی: خاطرات ادبی، سیاسی، و جوانی، به کوشش علیرضا اعتصام، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴، ص ۵۵۹-۵۶۰

میرزا محمود کتابفروش خوانساری با قزوینی در اروپا مکاتبه داشت و از این طریق کتابهای متعددی را به او می فروخت و قزوینی سالها مشتری او بود^۱. نام او چند بار در نامه های قزوینی آمده است. از جمله در نامه ای به تقی زاده نوشته است (در ۲۳ ژوئن ۱۹۲۴م):

میرزا محمود خوانساری کتابفروش در طهران... از کتابفروشیهای معتبر طهران بلکه معتبرترین کتابفروشان ایران است و من مدتهاست با او معامله دارم و دست غریبی دارد در پیدا کردن کتب نادره بلکه نایاب و معدوم، و اغلب کتب چاپ ایران و هندوستان را من بتوسط او می خرم که اگر به قول عربها در سوراخ سوسماری هم باشد فوراً به دست می آورد و به قیمت‌های بسیار مناسب برای من می فرستد.^۲

- (که در آن جا یک بار به اشتباه نام او محمد ضبط شده است) و ۷۰۹؛ کتابفروشی: یادنامی بابک افشار، به خواستاری ایرج افشار، تهران، انتشارات شهاب ثاقب، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۱۱؛ تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب، ج ۳، ص ۱۵۴۹-۱۵۵۰.
۱. از جمله کتابهایی که قزوینی از میرزا محمود کتابفروش خوانساری خریده بود و اکنون در مجموعه کتابهای او در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران موجود است، این نمونه ها را می توان برشمرد (قزوینی معمولاً بالای نخستین صفحه کتابهایش تاریخ و قیمت و نحوه خرید آنها را می نوشت):
- در ۲۱ دسامبر ۱۹۲۲م خمسه نظامی، چاپ ۱۳۰۱ق در تهران به قیمت ۲۵ قران (۵۰ فرانک).
 - در ۳ آوریل ۱۹۲۴م چندین کتاب بدین تفصیل: الارشاد شیخ مفید، چاپ ۱۳۱۷ق به سعی میرزا حسین قلی خان مستوفی به مبلغ ۵ قران (ده فرانک)؛ الکافی کلینی، چاپ ۱۳۱۰ق به مبلغ چهار تومان (۸۰ فرانک)؛ منتهی المقال فی احوال الرجال تألیف میرزا محمد استرآبادی، مورخ ۱۳۰۲ق در طهران، به مبلغ ۳۰ قران (۶۰ فرانک)؛ الکافی چاپ ۱۳۱۵ق، به مبلغ ۶ تومان (۱۲۰ فرانک)؛ نقد الرجال، چاپ ۱۳۱۸ق در طهران، به مبلغ ۱۰ قران (۲۰ فرانک).
 - در ۵ دسامبر ۱۹۲۵م سه دستنویس شامل روضة الصفاء و تحفة الاحرار جامی و خمسه نظامی به مبلغ چهار لیره انگلیسی (دانشکده ادبیات تهران، ش ۱۳۷ب).
 - در ۳ ژوئیه ۱۹۲۶م کتاب المآثر و الآثار چاپ ۱۳۰۶ق، به مبلغ ۱۲ + ۴ قران اجرت پست (۶۰ فرانک تقریباً به نرخ امروز).
 - در ۱۳ اکتوبر ۱۹۲۷م آتشکده آذر، مورخ ۱۲۲۷ق (نسخه خطی، دانشکده ادبیات تهران، ش ۱۳۳ب) به مبلغ ۸۵ قران (قریب ۲۱۰ فرانک).
۲. نامه های قزوینی به تقی زاده ۱۹۱۲-۱۹۳۹، ص ۱۵۴. همچنین رک: ص ۱۵۴-۱۵۷ و ۱۶۲.

او همچنین در نامه‌ای به عباس اقبال آشتیانی در ۲۵ دسامبر ۱۹۲۳ م می‌نویسد اگر نسخه‌ای از تاریخ طبرستان ابن اسفندیار یا تجارب السلف هندوشاه نخبجوانی به دست آورد و خود نتوانست قیمت آن را پردازد، به میرزا محمود خان خوانساری تاجر خبر بدهد که کتاب را برای او بخرد، زیرا با او معامله و حساب دارد.^۱

قزوینی جز خرید، از میرزا محمود کتاب امانت نیز می‌گرفت. از جمله در یکی از دفترچه‌های یادداشتش بعد از نقل ۵ بیت از سروده‌های امیر خسرو دهلوی نوشته است: «نقل از کشکول شیخ بهایی از اواسط مجلد دوم از نسخه سقیمی از جناب میرزا محمود کتابفروش که نزد من امانت است. ۱۷ اکتوبر ۱۹۲۲».^۲

علاوه بر قزوینی دیگر بزرگان آن روزگار هم با او داد و ستد داشتند. مثلاً کتابهای محمد حسن خان اعتمادالسلطنه در کتابفروشی خوانساری به فروش رسید و مخبرالسلطنه در ۱۳۱۸ ق سی مجلد از آنها را به وساطت او خرید.^۳ کسانی چون حاج حسین ملک (۱۲۵۰-۱۳۵۱ ش)^۴، میرزا طاهر تنکابنی (۱۲۸۰-۱۳۶۰ ق / ۱۳۲۰ ش)^۵، علی اکبر بن حسین مستوفی^۶، ملک الشعرا بهار (۱۳۰۴ ق-۱۳۳۰ ش)^۷، حیدرقلی خان

۱. نامه‌های محمد قزوینی به محمد علی فروغی و عباس اقبال آشتیانی، ص ۱۳۵-۱۳۶.
۲. مسائل پاریسیه، ج ۱، ص ۳۶۴.
۳. یکی از این کتابها نسخه‌ای از خلاصه دستور الوزراء است که اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود (دانشکده حقوق تهران، ش ۱۹۶ ج). برای مشخصات آن رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، ص ۱۰۱.
۴. آداب الحرب والشجاعة، ص ۱۲ مقدمه.
۵. او نسخه‌ای از مجالس علاءالدوله سمنانی را از آقای میرزا محمود خوانساری کتابفروش در ربیع‌الاول ۱۳۳۹ ق خریده بود (کتابخانه مجلس، ش ۴۰۰۰، صفحه عنوان).
۶. او نسخه‌ای از کتاب من لا یحضره الفقیه را در محرم ۱۳۰۷ ق اودئیل از آقا شیخ محمود کتابفروش خریده بود (کتابخانه ملی فرانسه، ش 6615 Arabe).
۷. او پشت نسخه‌ای از روضة الصفا که از میرزا محمود کتابفروش خریده بود، آن را نسخه‌ای خوب و صحیح معرفی کرد که از حیث شعر و شواهد هم بر سایر نسخ ترجیح دارد (کتابخانه مجلس، ش ۳۰۱۱).

سردار کابلی (۱۲۹۳-۱۳۷۲ق)^۱ و محمد بن کاظم بروجردی^۲ هم از مشتریان او بودند. دوست محمد خان معیرالممالک (د. ۱۳۳۱ق)، همسر عصمة الدوله دختر ناصرالدین شاه، عجائب المخلوقات و شاهنامه‌ای را که شاه به عنوان جهیزیه به دخترش بخشیده بود، در سال ۱۳۲۶ق به عنوان رهن نزد آقا میرزا محمود کتابفروش گذاشت.^۳

یک بار هم میرزا نصرالله تقوی (۱۲۸۸-۱۳۶۷ق)، نماینده دوره اول و دوم مجلس شورای ملی و رئیس کل دیوان عالی تمیز (دیوان عالی کشور)، نسخه نفیسی از جامع سلیمانی تألیف علی بن محمد موسوی رضوی از او خرید که به گمان بسیار همان نسخه اصلی‌ای است که مؤلف به شاه سلیمان صفوی تقدیم کرده است. از یادداشتی که میرزا محمود کتابفروش خوانساری در برگ آخر این کتاب نوشته، میزان علاقه و دقت و حافظه او در امر فروش کتاب مشخص می‌شود:

هو. این کتاب مستطاب جامع سلیمانی را این حقیر تقریباً بیست سال متجاوز است که به جناب مستطاب ملاذ الانام مروج الاحکام آقائی آقای

۴۹۵

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. او در ۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۱ق نسخه‌ای از کتاب تهذیب الاحکام شیخ طوسی را از «جناب عمدةالتجار آقا میرزا محمود کتابفروش خوانساری» در طهران خریده بود (کتابخانه امیرالمؤمنین نجف، ش ۹۹۸). روی این نسخه اجازه‌ای به خط علامه مجلسی نوشته شده است. همچنین نسخه‌ای شامل دو کتاب ملاصدرا، الواردات القلبية و رساله سه اصل، را در ربیع‌الثانی ۱۳۱۷ق از همو خریده بود. این نسخه در تملک علم‌الهدی فرزند فیض کاشانی بوده است (کتابخانه مجلس، ش ۱۰۳).

۲. کتابدوست و مجموعه‌داری که تملکش را روی نسخه‌های متعددی دیده‌ام، اما هنوز به شرح حالی از او دست نیافته‌ام. چند نسخه می‌شناسیم که او از میرزا محمود خوانساری خریده بود: دیوان کمال اسماعیل در طهران در ۱۳۱۳ق (کتابخانه مجلس، ش ۳۸۰)؛ غریب القرآن سجستانی در ۱۳۱۴ق (کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۳۷۳۳)؛ کتاب الصغیر نصر بن مزاحم منقوری در ۱۳۱۵ق حین مراجعت از سفر اهواز (کتابخانه آستان قدس رضوی، ش ۴۲۱۴).

۳. از نسخه شاهنامه عجاله اطلاعی ندارم؛ اما نسخه عجائب المخلوقات در موزه ملی ایران، ش ۲۰۳۴۲ نگهداری می‌شود. متأسفانه نام شخصی که این اطلاعات را در آغاز نسخه مذکور نوشته، به عمد سیاه و مخدوش شده است و خواننده نمی‌شود. او در یادداشتش نام دوست محمدخان را هم به اشتباه دوست علی خان نوشته است.

حاجی سید نصرالله مد ظلّه العالی فروخته‌ام؛ لکن به خوبی در خاطر دارم که در آن تاریخی که این کتاب را به جناب ایشان فروخته‌ام با جلد ساغری مشکی ترنج‌دار بود. حرره العبد محمود کتابفروش خوانساری فی ۲۷ شهر ربیع الاولی ۱۳۳۴. با مهر بیضوی او به نقش: «محمود»^۱.

گفتنی است میرزا محمود خود یک بار مثنوی را به اسلوب مرغوبی در ۱۳۰۷ق در طهران به صورت سنگی چاپ کرده است. اساس این چاپ نسخه مصحح میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی بود که ناشر آن را برای ایتقان بیشتر با چند نسخه دیگر مقابله کرده است؛ آن گونه که در دیباچه آقا میرزا حیدرعلی مجدالادباء متخلص به ثریا آمده است:

درین اوان سعادت اقتران که شمار سال هجری به یکهزار و سیصد و هفت رسیده، متاع فضل و هنر را رواجی تازه و بازار حرف و صنایع را رونقی بی‌اندازه حاصل گردیده، بخاصه عمل نشر و طبع کتب که در ممالک محروسه کاملاً شایع است... آقا میرزا ابوالحسن جلوه اصفهانی... به استنساخ و انطباع این نسخه شریفه که منتخب و مصحح آن جناب بود و در صحت و اعتبار ترجیحش بر نسخ دیگر رجحان فرقان مبین بر اساطیر الاولین می‌نمود، آقا میرزا محمود تاجر کتابفروش خوانساری را که بالطبع میل به طبع این کتاب داشت، رخصت و اجازت فرموده و مشارالیه این معنی را فیضی عظیم و فوز کریم انگاشته، طبع و انطباع این کتاب مستطاب را همت گماشت و در تصحیح و تنقیه (کذا؛ تنقیح) این نسخه شریفه که سرتاپا تفسیر قرآن است و پای تا سر علم و عرفان، چندان بذل جهد نموده و بر جدّ و جهد افزود که اگر شطری از آن نوشته

۱. جامع سلیمانی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ش ۴۶۷۹، ص ۴۸۱. جلد نسخه در تجدید صحافی به میشن قهوه‌ای مجدول بدل شده است.

عبدالحسین شیبانی وحیدالملک (۱۲۹۲ق / ۱۲۵۲ش - ۱۳۴۲ش) نیز با او آشنا بوده است. رک: خاطرات مهاجرت: از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن، ص ۸۹.
در بعضی از منابع میرزا محمود خوانساری جزء متهمین پرونده دزدی از کتابخانه سلطنتی قاجار معرفی شده است؛ اما خود اسناد منتشرشده در این منابع دلالت بر چنین امری نمی‌کند. رک: اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی، ص ۷، ۱۰۷-۱۰۹؛ کارتن ۲۰ دوسیه ۵: بخشی از اسناد سرقت از کتابخانه سلطنتی و علی‌کتابدارباشی (لسان‌الدوله)، ص ۴۸، ۱۰۱-۱۰۲، ۱۱۳، ۲۲۹-۲۳۰، ۲۳۷-۲۳۸.

گردد مثنوی هفتاد من کاغذ شود؛ علاوه بر کتاب آن جناب مجلدات چند هم از کتب خطیه جدید و عتیق که بعضی از آن قریب به عهد مولوی قدس سره تنمیق یافته بود، به دست آورد و مثنوی چاپ مرحوم مغفور علاءالدوله که به کشف الایات مؤشخ و از مثنویهای مطبوعه بمبئی و طهران اشتهارش در صحت و اعتبار بیشتر است موجود نموده، انجمنی آراست از وجوه فضلاء عالی مقدار و رؤس ادباء فضیلت شعار که زمانی دراز و روزگاری دیرباز کل اجزاء مستنسخه را جزءاً فجزءاً با کمال مداقه مقابله و تصحیح می نمودند تا به حلیه طبع درآمد.

آن گاه ده امتیاز صوری و معنوی این چاپ را بر چاپهای دیگر برشمرده است.^۱ جلال الدین همائی را عقیده بر آن بود که این طبع بهترین طبع کتاب مثنوی است.^۲

قزوینی در وفيات معاصرین خود تاریخ فوت میرزا محمود را ۲۸ رمضان ۱۳۴۶ ق مطابق ۲۱ مارس ۱۹۲۸ و غره فروردین ۱۳۰۷ ش در طهران ثبت کرده است.^۳

۴۹۷

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

قزوینی همراه مثنوی، دست کم سه نسخه خطی دیگر نیز از میرزا محمود کتابفروش خریده بود. تاریخ یکسان تفتیش این نسخه‌ها در وزارت معارف ایران و شماره بررسی این نسخه‌ها در آن جا نشان می دهد هر چهار نسخه در یک زمان و توسط یک شخص از ایران خارج شده‌اند.

قزوینی یک ماه بعد از وصول این سه نسخه، آنها را به کتابخانه ملی فرانسه فروخت (دسامبر ۱۹۲۲ م). فاصله کم بین زمان وصول کتابها به پاریس و فروش آنها به کتابخانه ملی فرانسه، شاید نشانه آن باشد که قزوینی در اصل این نسخه‌ها را به نیت فروش به

۱. رک: دیباجه آغاز نسخه که بدون برگ شمار است. متن این مثنوی به خط محمدحسن بن محمدعلی جرفادقانی و کشف الایات آن به خط طاهر بن احمد کاشانی است. منتشرشده در کارخانه آقا میرزا حبیب‌الله در طهران در دهه آخر شعبان ۱۳۰۷ ق.

۲. مثنوی معنوی، با حواشی و تعلیقات و توضیحات همائی، یادداشت صفحه عنوان (بدون صفحه شمار). همائی یادداشتهای متعددی در حاشیه نسخه شخصی خود از این چاپ نوشته بود که آن نسخه با این یادداشتهای به صورت عکسی منتشر شده است.

۳. یادداشتهای قزوینی، ج ۸، ص ۲۴۴.

آن کتابخانه یا به سفارش آنجا از ایران تهیه کرده بود. او این نسخه‌ها را در مجموع با قیمت ۵۴۰ فرانک (هر کدام ۱۸۰ فرانک) به کتابخانه ملی فرانسه فروخت. مشخصات این نسخه‌ها چنین است:

شرح دیوان امیرالمؤمنین (ع) از حسین بن معین‌الدین میبیدی، مورخ ۹۳۵ق، نمره بررسی ۳۴۸۵ (ش ۱۹۷۸. suppl.persan.); کشکول شیخ بهایی، مورخ ۱۰۵۲-۱۰۵۳ق، نمره بررسی ۳۴۸۵ (ش ۱۹۷۹. suppl.persan.); حیاة الحیوان دمیری، مورخ ۸۹۴ق، نمره بررسی ۳۴۸۳ (ش ۱۹۷۹. Arabe 6749).

قزوینی حدود ده سال بعد از خرید نسخه (تیر ۱۳۰۸ - خرداد ۱۳۱۰ش برابر ۱۳۴۸- محرم ۱۳۵۰ق)، وقتی که برای کتابخانه شخصی خود فهرست تهیه می‌کرد، این کتاب را نیز در آن جا معرفی کرد. البته این معرفی در فهرست منتشرشده از کتابخانه او ضمن جلد هشتم یادداشتهای قزوینی نیامده است. چون بنای مرحوم ایرج افشار هنگام انتشار آن فهرست بر آن بود که فقط کتابهایی را که حاوی مطالب تحقیقی است و از لحاظ کتابشناسی متضمن بر فوایدی است بیاورد^۱ و به همین دلیل تنها معرفیهای مفصل حاوی مطالب کتاب‌شناسی یا رجال‌شناسی در آن جا منتشر شد و مشخصات کتابهایی مانند مثنوی که به اختصار معرفی شده‌اند، به صورت مخطوط باقی ماند. در هر صورت مشخصات نسخه مثنوی بنا بر نوشته خود قزوینی در فهرست کتابخانه‌اش چنین است:

مثنوی مولانا جلال‌الدین رومی. مشتمل بر شش دفتر، نسخه خطی قدیمی بسیار اعلی، مورّخه ۷۱۵ (در آخر دفتر اول) و ۷۱۶ (در آخر دفتر چهارم)، ورق اخیر به خط الحاقی جدید است. IV.C.25.^۲

۱. همان، ج ۸، ص ۱۱، پاورقی.

۲. فهرست کتابخانه قزوینی، دانشگاه تهران، ش ۵۴۷۴، گ ۸۴۷. به جز این نسخه، قزوینی دو مثنوی چاپی نیز در کتابخانه خود داشت که مشخصات آنها را بدین صورت درج کرده بود:
۱. مثنوی از مولانا جلال‌الدین رومی، چاپ معروف علاءالدوله، طهران، ۱۲۹۹، VI.F.28.
۲. مثنوی طبع اوقاف گیب در شش مجلد با مجلدات ترجمه آن به قلم رینولد نیکولسون (همان، گ ۸۴۸-۸۵۰).

شماره لاتینی که قزوینی به آن اشاره کرده، همان شماره‌ای است که او به کتاب داده بوده است. او این شماره را در برگ الحاقی آغاز و همچنین برچسب کاغذی پشت جلد نوشته است: IV.C.25. همچنین تمام اوراق نسخه را با اعداد لاتین شماره‌گذاری کرده است.

قزوینی در مهر ۱۳۱۸ش از اروپا به ایران بازگشت. اما تا چند سال بعد کتابهایش کماکان در پاریس و دور از دسترسش بود؛ تا این که پس از خاتمه جنگ جهانی دوم (۱۳۲۴ش / ۱۹۴۵م) کتابهایش به تهران منتقل شد.^۱ علی القاعده نسخه مثنوی نیز در همین زمان همراه با سایر کتابهای قزوینی دوباره به ایران بازگشت.

تاریخ کتابت

همان طور که زرین کوب و پورجوادی و صمد موحد نوشته‌اند، مثنوی با تأخیر به ایران رسید. بعضی از آنها دلایلی برای این اتفاق برشمرده‌اند که در جایی دیگر باید آنها را بررسی کرد.^۲ آنچه که به بحث ما ارتباط پیدا می‌کند، تأیید همین امر از لحاظ نسخه‌شناسی است. به این معنا که کهنترین نسخه‌های کتابت شده از مثنوی در ایران به حدود یک قرن بعد از فوت مولوی باز می‌گردد.

تا جایی که من جستجو کردم نسخه شماره ۱۴۱۵ مجموعه یازما باغشیر (کتابخانه سلیمانیه استانبول) کهنترین نسخه‌ای است که به کتابتش در ایران تصریح شده است. این نسخه شامل دفتر چهارم و ششم مثنوی است که برگهایی هم از انجامش افتاده است. در پایان دفتر چهارم کاتب بدون آن که از خود نام ببرد، اشاره کرده است که کتابت این دفتر مثنوی در ۱۹ شوال ۷۷۳ق در شهر سلطانیه به پایان رسیده است (گ ۱۰۸پ).^۳ کتابت این نسخه در سلطانیه از این لحاظ حائز اهمیت است که اولو عارف چلبی (۶۷۰-۷۱۹ق) - نوه مولانا

۱. «وفیات معاصرین: علامه مرحوم محمد قزوینی»، ص ۵۱.

۲. رک: سرنی، ج ۲، ص ۷۶۶-۷۶۷؛ اشراق و عرفان، ص ۲۲۱؛ کوی طریقت: حالات و کلمات و تحقیقات شیخ صفی‌الدین اردبیلی، ص ۱۹۴-۱۹۵.

۳. «تمت المجلد الرابع فی تاسع عشرة من شهر الشوال لسنة ثلث و سبعین و سبعماية فی بلدة السلطانية الدانیه عمرها الله تعالی». کاتب کلمه «الدانیه» را در این جا به معنای پایین یا سُفلی به کار برده است.

و شیخ وقت سلسله مولویه - در ۷۱۶ ق به سلطانیه - مرکز اداره ایلخانان - سفر کرده، و به سبب نزدیکی با اهل فتوت و براقیه مورد استقبال آنان قرار گرفته بود. در این زمان در سلطانیه زاویه‌ای منسوب به مولویان موسوم به زاویه شیخ سهراب مولوی دایر بود که عارف چلبی روز عرفه سال ۷۱۷ ق را در آن جا گذرانده بود.^۱

به هر حال نسخه‌های باقیمانده از مثنوی نشان می‌دهد که کم و بیش از حوالی سال ۸۰۰ ق کتابت این کتاب در ایران و به دست کاتبان ایرانی رونق می‌گیرد و نمونه‌های قبل از آن نادر است. اما شگفت است که در ادامه همین سیر اکنون نیز دستنویسهای کهن مثنوی در کتابخانه‌های ایران محدود است؛ به طوری که تعداد نسخه‌های مورخ این کتاب مربوط به نیمه دوم قرن هفتم و نیمه اول قرن هشتم در مجموع کتابخانه‌های ایران از شمار انگشتان یک دست تجاوز نمی‌کند. و البته اکثر آنها نیز در آسیای صغیر کتابت و بعداً به ایران منتقل شده‌اند.

متأسفانه تاریخ کتابت همین نسخه‌های باقیمانده نیز یا با خطا گزارش شده یا خالی از ابهام نیست یا انجامه آنها دستکاری شده است. این نسخه‌ها عبارتند از:

۱. نسخه مرحوم مجتبی مینوی که چند بار با تاریخ کتابت اواخر شوال ۶۳۶ ق به خط احمد بن حسن الوباری معرفی شده است؛ اما با رؤیت نسخه مشخص شد بی‌تردید کتابت آن به ۷۳۶ ق باز می‌گردد و نقل تاریخ ۶۳۶ ق در منابع مختلف تنها نتیجه تکرار یک خطای مطبعی است.^۲ افزون بر این سال ۶۳۶ ق با زمان سرایش مثنوی نیز آشکارا ناسازگار است.

۱. مناقب العارفین، ج ۲، ص ۸۶۰-۸۶۲، ۸۹۶.

احتمالاً همین سابقه بود که سبب شد بعدها مزار براق بابا (۷۰۷ ق)، درویش اهل آناتولی و نزدیک به دربار ایلخانان، در سلطانیه به اشتباه به عنوان خانقاه عارف اوغلو نوه مولانا معرفی شود. درباره این آرامگاه و خانقاه کنار آن رک: خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو، محمدرضا نیکبخت و همکاران (گروه مهندسان مشاور زندیگان)، تهران، گنج هنر، ۱۳۸۸ ش، ص ۱۱-۱۴؛ «مجموعه خانقاه چلبی اوغلو در سلطانیه»، عباس احمدوند، مطالعات اسناد میراث فرهنگی، ش ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶ ش، ص ۲۱-۲۱.
۲. مانند «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آقای مجتبی مینوی»، ص ۶۵۸؛ فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲، ص ۱۴۸؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ج ۴، ص ۳۱۴۴؛ فهرستواره کتابخانه مینوی، ص ۳۶-۳۷.

۲. نسخه شماره ۳۹۱۶۲ کتابخانه ملی ایران به خط غیاث کاتب تبریزی. کاتب در پایان دفترهای سوم و چهارم و پنجم نام خود را بدون ذکر تاریخ کتابت نوشته است. اما در سالیان اخیر در حاشیه انجامه او در پایان دفتر چهارم عبارت «مستعجلاً علی حسب الامر الاعلی و المرجوان ينظر بعین الرضا فی شهر الله الاصم من شهر سنة ثنین؟ و ستین و ستمایه» افزوده شده است (گ ۸۹ ر). این تاریخ با زمان سرایش مثنوی سازگار نیست. همچنین بعضی از تزیینات نسخه از جمله دو شمشه مذهب بزرگ آغاز دفترهای دوم و ششم نیز اخیراً به نسخه افزوده شده و اصالت ندارد. با این همه نسخه کهن است و گمان می‌رود در نیمه دوم قرن هشتم در ایران کتابت شده باشد.

۳. نسخه مرکز احیاء میراث اسلامی قم (ش ۲۹۴۲) که بخشی از انجامه اش آسیب دیده و برای تعیین تاریخ اتمام کتابت و نام کاتب باید به حدس و گمان روی آورد.^۱ در مقدمه چاپ عکسی این تاریخ با یاری مطالعات گاهشماری و ملاحظه طول مسطر انجامه به احتمال قوی ۷۰۱ ق و کاتب: «... ابن المولوی المواجدی (؟)» دانسته شده است.^۲ اگرچه محمد علی موحد این تاریخ را صحیح نمی‌داند و معتقد است که نسخه در سال ۷۴۱ ق در زمان چلبی واجد که در سالهای ۷۳۹-۷۴۲ ریاست مولویان را بر عهده داشت، نوشته شده است.^۳ ولی به احتمال زیاد تاریخ درست

در فهرست مختصری که اصغر مهدوی و ایرج افشار از نسخه‌های کتابخانه مینوی تهیه کرده‌اند، نسخه با تاریخ درست ۷۳۶ معرفی شده است. رک: حدیث عشق، ج ۶، ص ۳۲۴؛ «فهرست ردیفی نسخه‌های خطی کتابخانه مجتبی مینوی»، ص ۶۵۲. همچنین در فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۷، ص ۲۷۲ نسخه با تاریخ درست معرفی شده است.

۱. این مثنوی دو بار به صورت عکسی منتشر شده است. با این مشخصات: با مقدمه و به کوشش توفیق سبجانی، تهران، سفیر اردهال، ۱۳۹۲؛ به کوشش محمد افشین وفایی و پژمان فیروزبخش، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.

۲. مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ص بیست و دو - بیست و سه؛ «یادداشتی درباره مقدمه بر تصحیح جدید مثنوی»، ص ۱۴۷-۱۵۰.

۳. مقدمه مثنوی معنوی، موحد، صد و یک - صد و دو.

همان ۷۰۱ ق است. این نسخه کامل نیست و تنها دفتر چهارم مثنوی را شامل می‌شود. ظاهراً کاتب هر دفتر مثنوی را در مجلدی جداگانه کتابت کرده بود.

۴. نسخه شماره ۱۶۹۵۳ کتابخانه ملی ایران که تنها شامل ۶۴ برگ از دفتر دوم مثنوی است. اگرچه این نسخه افتادگی زیادی دارد و برگ‌های نامنظم صحافی شده است؛ اما از لحاظ قدمت قابل توجه است. نسخه انجامه ندارد؛ اما به احتمال فراوان در اواخر قرن هفتم یا اوائل قرن هشتم در آسیای صغیر کتابت شده است. با توجه به ابعاد اوراق و تعداد سطرها و دانگ جلی خط، کاتب ظاهراً هر دفتر یا هر دو دفتر را در یک جلد کتابت کرده بود. در برگ‌های ۱ و ۲۷ مهر مدوری از دوره تیموری به نقش: «الواثق بالله الملك الجنان ابن محمود، حاجی سلطان» دیده می‌شود.

لا به لای اوراق این نسخه، ۲۲ ورق از دفتر اول مثنوی متعلق به نسخه‌ای دیگر به اشتباه صحافی شده است که تاریخ کتابت آنها به حدود نیم قرن بعد از بخش‌های اصلی نسخه باز می‌گردد (گ ۴۰، ۵۵-۶۳، ۶۵-۶۸، ۷۰-۷۴، ۷۶-۷۸). این نسخه پیشتر متعلق به کتابخانه پهلوی بود که در سال ۱۳۵۹ ش همراه با مجموعه کتابهای آن جا به کتابخانه ملی ایران منتقل شد.

۵. نسخه شماره ۹۹۲۳ کتابخانه دانشگاه تهران که در فهرست آن کتابخانه تاریخ کتابت ۷۰۵ ق قید شده است.^۱ اما این تاریخ اشتباه مطبعی است و تاریخ کتابت در انجامه پایان نسخه به وضوح روز یکشنبه اواخر ربیع‌الاول ۷۵۰ ق ثبت شده است. گذشته از این مطلب صفحه خاتمه نسخه نیز الحاقی است؛ ولی این الحاق به معنای جعلی یا مزور بودن نسخه نیست و این نکته را باید بیشتر شکافت. نسخه دانشگاه تهران نسخه‌ای قدیمی است و در تعلق آن به قرن هشتم جای شبهه نیست. ولی خط صفحه خاتمه آن متفاوت از متن است و دست کم یک سده جدیدتر است. در این صفحه رقم کاتب، خلیل بن عبدالله مولوی، نوشته شده است. دو مثنوی دیگر به خط همین کاتب می‌شناسیم که یکی در ۱۱ ذی‌قعدة ۷۳۵ ق (کتابخانه نافذ پاشا استانبول،

۱. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۷، ص ۵۰۵-۵۰۶.

ش (۶۵۱) و دیگری در روز دوشنبه ۸ ذی‌قعدة ۷۵۰ ق کتابت شده است (کتابخانه خصوصی محمود فرهاد معتمد - تهران، ش ۹۹).^۱ مقایسه خط این دو نسخه با نسخه دانشگاه شکی باقی نمی‌گذارد که هر سه نسخه به یک خط هستند. عبارات و ساختار انجامه هر سه نسخه نیز مشابه هم است و پیدا است که همه آنها تراوش قلم یک نفر است. تنها توضیح منطقی که بتواند این گره را بگشاید این است که صفحه خاتمه نسخه دانشگاه فرسوده شده بود و کاتبی این صفحه را با نقل انجامه کاتب اصل، یک یا دو قرن بعد بازنویسی و به آن الحاق کرده است. ۱۴ برگ آغاز این نسخه هم نونویس است که نشانه دیگری بر فرسودگی برگهای آغاز و انجام آن است.^۲

۶. نسخه شماره ۴۹۷ کتابخانه دکتر اصغر مهدوی که در پایان دفتر چهارم و ششم دو انجامه کوتاه دارد: «تمت دفتر چهارم فیسنه ۷۵۵» (دفتر چهارم) و «تم فیسنه ۷۵۶» (دفتر ششم). دانش‌پژوه در این تاریخ تشکیک کرده و نسخه را از سده‌های هشتم و نهم دانسته است.^۳ تا جایی که از تصویر نسخه می‌توان فهمید به نظر می‌رسد

۵۰۳

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. «فهرست کتابخانه محمود فرهاد معتمد»، ص ۲۱۳ و ۲۱۵. تصویر صفحات آغاز و انجام این نسخه در دانشگاه تهران، عکس شماره ۱۵۳۰، موجود است. برای کتابخانه محمود فرهاد معتمد و سرنوشت آن رک: این دفتر بی معنی، ص ۱۸۵-۱۸۶، ۶۰۸.

نسخه‌های این مجموعه در تقسیم بین ورثه دوپاره شد. بخش عمده سهم الارث یکی از وراثت در سال ۱۳۹۲ به مرکز احیاء میراث اسلامی قم منتقل شد و شماری دیگر از آنها پراکنده شد. در این بین مثنوی جزء نسخه‌های انتقالی به مرکز احیاء میراث قم نبود و سرنوشت آن عجالتاً مشخص نیست.

۲. همین کاتب در سال ۷۵۶ ق هم نسخه‌ای از مثنوی کتابت کرده بود؛ اما به جای اصل نسخه، رونوشتی از آن در سال ۱۰۷۰ ق در دست است که انجامه نسخه اساس خود به خط خلیل بن عبدالله مولوی را هم نقل کرده است (دانشگاه تهران، ش ۱۱۳۳۶. رک: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲۱، ص ۴۳۵-۴۳۶). او همچنین در ۷۵۶ ق نسخه‌ای از غزلیات شمس را به خط خود فراهم کرد که نسخه آن باقی مانده است. با این توضیح که مزوران در انجامه او دست برده و تاریخ آن را به ۶۵۴ ق تبدیل کرده‌اند. برای توضیحات بیشتر درباره مخدوش بودن انجامه این نسخه رک: «کلیات غزلیات شمس تبریزی (مورخ ۶۵۴ ق)»، ص ۳۷۴-۳۷۶.

۳. «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی»، ص ۹۴. دانش‌پژوه در معرفی خود نوشته است که نسخه از انجام افتادگی دارد. از آقای سید ابراهیم اشک شیرین سپاسگزارم که با بررسی نسخه به من اطلاع دادند نسخه کامل است و افتادگی ندارد (شامل ۴۳۵ برگ).

تشکیک او بجاست و خط انجامه‌ها با خط متن تفاوت دارد؛ اما همان طور که او نوشته نسخه قدیمی است.

۷. نسخه مرحوم جلال‌الدین همائی که اکنون در کتابخانه ملی ایران نگهداری می‌شود (شماره ۲۰۱۱۰). این نسخه به خط نستعلیق و احتمالاً در قرن دهم کتابت شده است؛ اما در پایان رقمی الحاقی از حسین بن یعقوب چلبی مورخ ۱۶ رمضان ۷۵۶ ق دارد. این رقم به هیچ وجه قابل استناد نیست و به وضوح مشخص است که با نهایت بدسلیفگی و در کمال رسوایی به انجام نسخه الحاق شده است. اما شگفتی اصلی نه نوع الحاق این انجامه، که سخن مرحوم همائی درباره این نسخه است. او در نهایت تعجب این رقم را اصیل پنداشته و نسخه را، نسخه‌ای صحیح و بسیار معتبر و قابل اطمینان توصیف کرده است که با نسخه طبع نیکلسون هیچ اختلاف ندارد و اگر احیاناً مورد اختلافی دیده می‌شود در اثر دستخوردگی خوانندگان است. در این جا داوری درباره صحت و اعتبار این نسخه مدّ نظر نیست؛ اما درباره تاریخ نسخه سهو بزرگی اتفاق افتاده است و چنین اشتباهی از مرحوم همایی که در شناخت نسخ و کتب قدیمی استادی ممتاز بود، دور از انتظار است.

۸. نسخه شماره ۷۸۹۵ کتابخانه آستان قدس رضوی با تاریخ ۷۶۷ ق که همان طور که گلچین معانی نوشته این تاریخ مزور است و نسخه در قرن یازدهم در هند کتابت شده است.^۱

۹. برگ آخر نسخه شماره ۲۰۵۰۲ کتابخانه ملی ایران حاوی انجامه‌ای الحاقی است که بر اساس آن نسخه به خط شمس‌الدین علی بن محمد بن حسین فخرالدین... در رمضان ۷۷۲ ق کتابت شده است. اما جاعل این انجامه به خود زحمت نداده است که پایان بقیه دفترهای مثنوی را ببیند و تاریخ درست کتابت را از آنها بزدايد. در پایان دفتر اول و پنجم انجامه کاتب اصلی نسخه نوشته شده است که بر اساس آنها کتابت این دفترها به ترتیب در ۸۹۰ و ۸۹۲ ق انجام شده است. این نسخه پیشتر

۱. فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۷، ص ۷۱۹.

به مجموعه جلال‌الدین همایی تعلق داشت و در دی ۱۳۹۰ ش به کتابخانه ملی منتقل شد.

۱۰. نسخه شماره ۲۲۵ کتابخانه مدرسه سپهسالار که در فهرست آن کتابخانه مورخ ۷۷۶-۷۷۷ ق معرفی شده است.^۱ ذکر این دو سال به عنوان تاریخ کتابت این نسخه ناشی از یک خطا در تشخیص انجامه جعلی پایان نسخه است و نیز یک اشتباه تایپی. بنا بر انجامه‌های پایان دفتر اول و دوم این نسخه در سال ۸۷۶ ق کتابت شده است (دفتر اول در ۱۰ رجب ۸۷۶ ق و دفتر دوم بدون ذکر روز و ماه در همان سال، گ ۵۸ ر، ۱۰۸ ر). انجامه پایان نسخه که به نام محمد بن عبدالرزاق معروف به زکوب در صفر ۷۷۷ ق رقم خورده، الحاقی است و قابل اعتماد نیست. هم خط آن جدیدتر از نسخه است و هم تزئینات و خط خود نسخه به این زمان تعلق ندارد. این نسخه در ۹ ربیع الثانی ۱۲۸۷ ق به تملک اعتضادالسلطنه درآمد و چندی بعد در ۱۵ ذیحجه ۱۲۹۷ ق همراه با سایر کتابهای او بر مدرسه سپهسالار وقف شد. بنابراین جعل تاریخ نسخه پیش از این زمان انجام شده است.

۱۱. نسخه شماره ۱۳۲۵۱ کتابخانه آیت‌الله مرعشی قم. اگرچه نسخه در سالهای آخر قرن هشتم یا آغاز قرن نهم کتابت شده، اما انجامه مورخ ۷۹۸ ق در پایان دفتر چهارم آن الحاقی است:

تمت الدفتر الرابع من المثنوی [م] المولوی الجلالی قدس الله سره بعون الله و حسن توفیقه فی الیوم العاشر من شهر ربیع الاول سنه ثمان و تسعین و سبعمائه بید عبد الصّعیف المذنب الراجی الی رحمہ ربہ ابراهیم الملقب بشیخ جه بن اسحاق بن ابراهیم السرابی؟^۲ اللهم اغفر لمن قراء و لمن نظر و لمن دعا لکاتبه امین رب العالمین بحق محمد و اله. م (برگ ۱۷۸ پ).^۳

۱. فهرست کتابخانه مدرسه سپهسالار، ج ۵، ص ۵۰۱-۵۰۲.

۲. این کلمه با احتمال خوانده شد. کاتب روی حرف «س» دو نقطه گذاشته است.

۳. در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ج ۳۳، ص ۴۶۹ در معرفی این نسخه نام کاتب نیامده و تنها به ذکر تاریخ مذکور در این انجامه اکتفا شده است. تصویر انجامه در پایان همین جلد فهرست آن کتابخانه، ص ۸۹۵ منتشر شده است.

به وضوح مشخص است که کاتب اصلی نام خود یا تاریخ کتابت را ننوخته و به نوشتن حرف «م» به نشانه اتمام دفتر چهارم در پایان اشعار اکتفا کرده است. اما بعداً این انجامه به فضای خالی پایین این صفحه افزوده شده و «م» مذکور در وسط انجامه جدید قرار گرفته است. این انجامه با دو رنگ قرمز متفاوت نوشته شده است. عناوین نسخه هم با رنگ سبز و دو طیف مختلف از رنگ قرمز نوشته شده است. اما یکی از این رنگهای قرمز (قرمز پررنگتر) با رنگ استفاده شده در عناوین نسخه تفاوت دارد. همچنین خط رقاع انجامه ضعیفتر از خط رقاعی است که در نوشتن عناوین به کار رفته است.

چند نسخه بدون تاریخ و رقم هم در کتابخانه‌های ایران وجود دارد که با اتکا به قرائن نسخه‌شناختی از قرن هشتم دانسته شده است. از جمله نسخه‌ای از دیوان عطار که در حاشیه آن دفتر اول و دوم مثنوی کتابت شده است. به دلیل افتادگی برگهای آغاز و انجام نسخه، هر دو دفتر ناقص هستند. این نسخه پیشتر در تملک مهدی بیانی بوده و او در صفحه عنوان نوشته است که نسخه «یقیناً قبل از سال هشتصد باید کتابت شده باشد» (کتابخانه مجلس سنا، ش ۳۰۶). نوع خط و تزئینات مختصر باقیمانده در گوشه صفحات حاکی از تعلق نسخه به شیراز است.

همچنین این نسخه‌های مثنوی که هیچ یک انجامه ندارند: کتابخانه مینوی، ش ۱۳۲، نیمه دوم قرن هشتم^۱؛ کتابخانه مرعشی قم، ش ۱۴۹۳۶، اواخر قرن هشتم^۲؛ کتابخانه حسین مفتاح تهران، ش ۹۳۵، قرن هشتم^۳؛ مجموعه مهدی بیانی، ش ۱۸، نیمه دوم قرن هشتم^۴. سرنوشت دو نسخه اخیر عجاله مشخص نیست.^۵

۱. فهرستواره کتابخانه مینوی، ص ۳۶. تصویر آن در مرکز احیاء میراث اسلامی قم، ش ۲۶۷۸ موجود است.

۲. فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی، ج ۳۷، ص ۵۸۸-۵۸۹.

۳. نشریه نسخه‌های خطی، ج ۷، ص ۲۱۸.

۴. نشریه نسخه‌های خطی، ج ۱، ص ۱۰.

۵. نسخه بدون انجامه و تاریخی که در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه کاظمینی یزد، ج ۱، ص ۱۸۷-۱۸۸، ش ۲۱۷ از قرن هشتم معرفی شده، دست‌کم مربوط به یک قرن بعد است.

با این تفصیل نسخه محمد قزوینی و تاریخ کتابت آن اهمیتی مضاعف می‌یابد. نسخه قزوینی دو انجامه تاریخدار دارد که بر اساس آنها در سالهای ۷۱۵-۷۱۶ ق کتابت شده است؛ یعنی تقریباً نیم قرن پس از فوت مولانا. برگهای آخر دو دفتر سوم و ششم نونویس است و اگر هم انجامه‌ای داشتند، دیگر در دسترس نیستند. اما انجامه کاتب در پایان چهار دفتر دیگر باقی است. این انجامه‌ها به خط رقاع زرین تحریر شده‌اند، یعنی همان خطی که سرسخنها نیز به آن خط هستند. کاتب در دو انجامه تاریخ کتابت را ذکر کرده و در دو تای دیگر به اعلام ختم کتابت آن دفتر و شکرگذاری خداوند برای به فرجام رسیدن آن اکتفا کرده است:

تم الدفتر الاول من المثنوی بعون الله تعالی سنة ۷۱۵ (گ ۴۳ پ).

تم الدفتر الثاني من المثنوی المعنوی من اسرار حضرة المولوی بعناية الملك القوی و الحمد لله وحده (گ ۸۴ پ).

تم الدفتر الرابع من المثنوی المعنوی بعون الملك الوفی والحمد لله علی نعمائه سنة ۷۱۶ (گ ۱۸۴ ر).

تم الدفتر الخامس من المثنوی المعنوی بتأيید الملك القوی و الحمد لله وحده (گ ۲۳۵ ر).

چون تاریخ کتابت در پایان نسخه نیامده، در فهرست کتابخانه ملی ایران به دو تاریخ مذکور در پایان دفتر اول و چهارم بی‌توجهی شده و نسخه بدون تاریخ معرفی شده است. البته در آن جا تاریخ کتابت نسخه را اوائل قرن هشتم هجری تخمین زده‌اند^۱.

به این ترتیب با توجه به مشخصات نسخه‌هایی که پیش از این گذشت، این نسخه کهن‌ترین نسخه تاریخدار و کامل مثنوی در کتابخانه‌های ایران است. افزون بر این با توجه به سبک کتابت و رسم الخط و تزئینات می‌توانیم چنین فرض کنیم که این نسخه در ایران کتابت شده است. اگرچه این فرض دشواریهایی هم دارد. زیرا همان طور که گفته شد نشانه‌های ظهور و حضور مثنوی در ایران با تأخیر ظاهر شد و

۱. فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۵، ص ۴۴۷.

بازتاب روشن و آگاهانه‌ای از مثنوی در آثار شاعران و نویسندگان ایرانی در زمان کتابت این نسخه نمی‌بینیم. این احتمال هم ممکن است که فرض کنیم کاتب نسخه یک ایرانی بود که در سرزمینی خارج از ایران این نسخه را کتابت کرده بود. مانند نسخه‌ای از مثنوی به خط محمد بن حاج دولت‌شاه بن یوسف شیرازی که در ۷۴۴ق کتابت شده است (کتابخانه ایالتی باواریا، مونیخ، ش 35.Cod.pers.).

در بعضی از منابع بدون در نظر گرفتن مکان زندگی کاتب در زمان کتابت مثنوی، به نادرست کتابت این نسخه به شیراز نسبت داده شده است.^۱ اما شیرازی بودن این کاتب و شباهت خط و تزئینات نسخه به نسخه‌های کتابت شده در شیراز، دلیل بر کتابت این نسخه در شیراز و حتی ایران نیست. زیرا از او دو جنگ اشعار فارسی مورخ رجب ۷۴۱ق و جمادی الاول ۷۵۱ق در دست است که هر دو در مقام سلخات - نام قدیم شهر اسکی قریم نزدیک باغچه‌سرای واقع در شبه جزیره کریمه - کتابت شده است. همچنین او در ۲ ربیع الاول ۷۵۴ق و جمادی الاول ۷۵۵ق و ربیع الاول ۷۵۷ق در «قریم» (شبه جزیره کریمه) بوده و به ترتیب نسخه‌های کیمیای سعادت، ترجمه شرف النبی خرگوشی و تذکره الاولیاء عطار را در آن جا استنساخ کرده است. شماری از اشعار او هم حضورش در آسیای صغیر و دوری اش از وطن را تأیید می‌کند. بنابراین او در زمان کتابت مثنوی در صفحات آسیای صغیر روزگار را به سر می‌برد.^۲

همچنین کتابت نسخه‌ای از قرآن با ترجمه ترکی در بین سطرها در سال ۷۳۴ق مؤید دیگری بر حضور او در آن منطقه است (موزه هنرهای اسلام و ترک استانبول، ش T73). البته نسبت شیرازی کاتب سبب شده است تا بعضی از پژوهشگران به خطا کتابت

۵۰۸

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. از جمله رک:

Nouvelles des Manuscrits du Moyen-Orient, 8/2 (1999), Fichier 281; *Die Wunder der Schöpfung*, P. 90.

۲. رک: سفینه شمس حاجی، ص ۳۸-۴۱؛ فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه نافذ پاشا، ص ۲۰۳؛ فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، ص ۳۲۱-۳۲۲؛ «درباره مقام سلخات»، ص ۲۶۱-۲۶۲؛ فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، ج ۳، ص ۴۷۳-۴۷۴، ۹۰۰؛ مقدمه تذکره الاولیاء، ج ۱، ص یکصد و هجده - یکصد و بیست.

این نسخه را نیز به شیراز نسبت بدهند و بر اساس آن نتیجه‌گیریهای غلطی درباره رواج زبان ترکی در شیراز در زمان کتابت نسخه بکنند.^۱ اما دیوید جیمز به درستی کتابت این نسخه را به آنتولی نسبت داده است.^۲

در دو جنگ مورخ ۷۴۱ و ۷۵۱ ق شمس حاجی هم غزلیات قابل توجهی از مولانا نقل شده است. در جنگ نخست تعداد آنها بالغ بر ۲۵ غزل شامل ۳۱۳ بیت می‌شود که مولانا را در ردیف پنجمین شاعر این جنگ از لحاظ تعداد ابیات قرار می‌دهد.^۳ مصحح این جنگ، میلاد عظیمی، با توجه به کثرت سروده‌های مولانا در این جنگ و مقایسه آن با سایر جنگهای هم‌روزگارش به این نتیجه رسیده است که:

در میان جنگهایی که مورد مراجعه و مقایسه ما بوده است، تنها جنگ شمس حاجی است که به چنین انتخاب گسترده‌ای از اشعار مولانا مبادرت ورزیده است؛ این نکته البته تأییدی است بر ارتباط شمس حاجی با دستگاه بازماندگان مولانا و آشنایی او با میراث معنوی حضرت خداوندگار... آیا حضور گسترده میراث مولانا را در جنگ شمس حاجی، می‌توان قرینه‌ای گرفت بر این نکته که در شیراز آن عصر و نزد ادیبان و فضیای آن روزگار، شعر مولانا و مقام عرفانی او مورد احترام بوده است؟^۴

این هر دو نتیجه نه تنها محل تأمل، بلکه قابل‌خداشه است. تنوع موضوعی کتابهای کتابت شده به دست شمس حاجی نشان از آن دارد که او کاتبی حرفه‌ای بود و از راه کتابت روزگار را می‌گذراند. بنابراین صرف کتابت یک نسخه از مثنوی یا گنجاندن غزلیات متعدد از مولوی در یک جنگ حکایت از ارتباط او با طریقت مولویه ندارد. مخصوصاً که او از هیچ یک از نسبتهای معمول این طریقت مانند «مولوی» و «ولدی»

۱. رک: خوشنویسی اسلامی، ص ۴۵۳؛ مقدمه فرهنگ نصیری، ص ۱۱، ۱۳.

2. *Qur'āns of the Mamlūks*, p. 242. N. 54.

۳. سفینه شمس حاجی، ص ۳۰۹-۳۳۴ با عنوان: «من مقالات سلطان المحققین قطب العارفین مولانا جلال الحق و الدین قدس سره العزیز». و یک غزل از سلطان ولد در ص ۳۳۴-۳۳۶.

۴. سفینه شمس حاجی، ص ۱۱۷-۱۱۸.

و جز آنها هم در اسمش استفاده نکرده است. دیگر آن که گمانه زنی درباره رواج شعر مولانا و مقام عرفانی او در شیراز در نیمه اول قرن هشتم تنها بر اساس این نسخه صحیح نیست. زیرا همان طور که گذشت شمس حاجی در این سالها ساکن آسیای صغیر بود و همین حضور او در آن منطقه علت دسترسی اش به نوشته ها و سروده های مولوی بود. و این نکته ای است که خود مصحح در جای دیگر کتابش به درستی به آن اشاره کرده است: «شیفتگی او به مقام معنوی حضرت مولانا و کتابت مثنوی... شاید به دلیل حضور در محیط فرهنگی آنجا [آسیای صغیر] بود»^۱.

تزئینات

نسخه قزوینی مزین است و در تزئیناتش از چند عنصر استفاده شده است: رنگین نویسی عناوین، جدول کشی صفحات، یک یا دو صفحه تمام تذهیب برای نوشتن مقدمه پیش از هر دفتر و یک سرلوح مزین در آغاز آنها. اما این تزئینات به صورت کامل در نسخه اجرا نشده و بخشهای اجرا شده هم دست کم در زمانی به طول سه قرن و توسط سه نفر کشیده شده اند.

۱. بخش اصلی تزئینات همزمان با کتابت نسخه صورت پذیرفته است. بعد از کتابت متن، خود کاتب به نوشتن عناوین اقدام کرده است. یکسانی روش ثبت تصحیحهای متن و عناوین^۲ و نیز نوشتن حرف کسره به صورت برعکس هم در متن و هم در عناوین مؤید این مدعا است. او عناوین را به خط رقاع زرین و لاجوردی رنگ نوشته است. معمولاً عناوین طولانی تر و چندسطری به دو رنگ نوشته شده اند. طبیعتاً چون عناوین دفترهای چهارم و پنجم و ششم مفصلتر است، از رنگ لاجوردی در آنها بیشتر استفاده شده است. بیشتر عناوین نوشته شده به رنگ لاجوردی به مرور زمان کمرنگ و ناخوانا شده اند. کاتب در چند صفحه محدود به جای لاجوردی از رنگ قرمز در نوشتن عناوین بهره برده است (گ ۲۰۲، ر ۲۱۸، ۲۷۵-۲۸۱).

۱. همان، ص ۳۹، ۱۰۰.

۲. از جمله رک: عناوین برگهای ۲۴۹ پ، ۲۶۰ ر.

بعد از این مرحله صفحات جدول کشی شده است. جدول کش دور تا دور متن را با رنگ طلایی تحریردار جدول کشی کرده است. او در برگهای ۱-۱۰۸ و ۱۴۸-۲۲۴ یک جدول به رنگ لاجورد نیز به جدولهای طلایی افزوده است. گاهی برخی کلمات از فضای مختص به عناوین بیرون آمده‌اند. جدول کش دقت کرده است تا روی این کلمات خط نکشد. این موارد مشخص می‌کنند که عناوین طلایی رنگ پیش از جدول کشی صفحات نوشته شده‌اند (برای نمونه گ ۳۴، ر، ۷۸، پ، ۹۲، ر، ۱۲۶، ا، ۱۵۱، پ، ۱۶۰، ا، ۱۶۱، ا، ۱۶۶، ا، ۱۸۸، ر، ۲۰۳). در تمام نسخه بین ستونهای چهارگانه هر صفحه نیز باز محرر جدول کشی شده است.

مذهب برای آغاز هر دفتر دو نوع تزئین در نظر گرفته بود: ۱. یک یا دو صفحه تمام تذهیب شامل یک لوح بزرگ که در وسطش یک شمسه بزرگ برای نوشتن مقدمه و در بالا و پایین آن دو کتیبه طراحی شده است. فضای بین شمسه و کتیبه‌ها نیز به صورت کامل تذهیب شده است. ۲. یک سرلوح در صفحه اول هر دفتر پیش از شروع اشعار. اما او موفق نشده است که طرحش را تکمیل کند و تنها این کار را برای دفتر اول انجام داده است. در بقیه دفترها خطوط اصلی این لوحها با رنگ طلایی کشیده شده؛ ولی فقط مقدمه هر دفتر در وسط شمسه نوشته شده و بقیه تزئینات به صورت ناقص به حال خود رها شده است.

یک صفحه از دو صفحه مزین آغاز نسخه افتاده است. بخشی از کناره‌ها و پایین صفحه باقیمانده هم آسیب دیده است. در کتیبه لاجوردی رنگ بالا و پایین این صفحه یک بیت در مدح مثنوی به خط زرین نوشته شده است:

جمله اقسام نظم مثنوی کی یطوف حوله من لم یطف

البته ناگفته مشخص است که هر کدام از این مصراعها، پاره‌های دوم یک بیت هستند که بیت اولشان به دلیل افتادگی برگ اول نسخه از دست رفته است. مصراع «کی یطوف...» از سروده‌های مولوی در ابتدای دفتر ششم مثنوی است (بیت چهارم)

۱. به علت کوتاه بودن مقدمه دفترهای دوم و ششم تنها یک صفحه برای آنها تعیین شده است.

که مصراع اول آن چنین است: «شش جهت را نور ده زین شش صُحُف». سراینده یا منبع مصراع «جمله اقسام نظم مثنوی» هم عجالاً مشخص نشد. تاکنون نسخه دیگری از مثنوی ندیده‌ام که این ابیات در آغاز آن نوشته شده باشد.

درون شمسه بزرگ این صفحه، نیمه دوم مقدمه دفتر اول نوشته شده است. همان طور که گفته شد نیمه اول مقدمه در صفحه متناظر و قرینه آن بوده که از نسخه افتاده است.

آغاز دفتر اول مثنوی نیز سرلوح زیبایی کشیده شده است که درون آن به خط کوفی تزئینی سفیداب رنگ عبارت بسمله نوشته شده است.

در همه تزئینات این دوره رنگ لاجوردی استفاده شده در جدول کشی صفحات و عنوان نویسی و نیز عبارات مقدمه منشور هر دفتر مثنوی رنگ باخته است و در بسیاری جاها سخت خوان شده است.

۲. در نیمه دوم قرن نهم یا شاید اواخر آن در هرات یا شاید شیراز سرلوحهای آغاز دفترهای دوم، سوم، پنجم و ششم کشیده شده است.^۱

درون هر کدام از سرلوحها عبارتی به خط کوفی تزئینی سفیداب رنگ نوشته شده است. دفتر دوم: «... الله»، دفتر سوم: «الشکر لله تعالی»، دفتر پنجم: بسمله، دفتر ششم: «الله لا سواه».

۱. این سرلوحها قابل مقایسه اند با سرلوحهای نسخه‌هایی مانند مثنوی مورخ ۸۶۵ ق به خط احمد بن حاجی ابی بکر الکاتب (موزه والترز، ش 625.W)؛ مثنویهای عطار مورخ ۸۸۸ ق در هرات (حالت افندی استانبول، ش ۲۳۴)؛ معراجنامه به خط اویغوری مورخ ۸۴۰ ق در هرات (کتابخانه ملی فرانسه، ش 190.St)؛ دیوان حافظ مورخ ۸۵۵ ق در هرات (موزه بریتانیا، ش 7759.Add)؛ کلیات عماد فقیه کرمانی مورخ ۸۶۹ ق (ایاصوفیا، ش ۴۲۱۹)؛ دیوان حافظ مورخ ۸۶۲ ق (مجموعه یحیی قریب)، دیوان حافظ مورخ ۸۹۸ ق به خط درویش محمود نیشابوری (کتابخانه ملک، ش ۵۹۳۳). برای تصویر دو نسخه اخیر رک: نسخه‌های خطی حافظ (سده نهم)، ص ۷۸، ۹۱.

۳. بی‌گمان آغاز دفتر چهارم هم تزئیناتی مشابه با دفترهای قبل و بعد از خودش داشته است، اما به علت افتادگی یک کراسه شامل برگ آخر دفتر سوم و برگهای آغازین دفتر چهارم (برگهای ۱۳۹-۱۴۷) این آرایه‌ها از بین رفته‌اند. برگهای مفقودشده این بخش نسخه در قرن ۱۱ تکمیل شدند و در همان زمان دو شمسه برای نوشتن مقدمه و یک سرلوح در آغاز اشعار کشیده شده است (گ ۱۳۹ پ - ۱۴۰ پ).

ارزیابی

ذکر نشدن تاریخ کتابت این نسخه در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملی ایران، عامل عمده کم‌توجهی به این نسخه شده است؛ به صورتی که به جز فهرست آن کتابخانه تنها در یک جای دیگر از آن یاد شده است. محمد استعلامی در تصحیح مثنوی این نسخه را به عنوان یکی از چهار نسخه اساس کار خود برگزیده است. او این نسخه را «به نسبت قابل اعتماد» خوانده و موارد اختلاف آن با دیگر نسخه‌ها را فقط در «موارد قابل تأمل» ذکر و از آوردن «اغلاط فاحش یا فاقد اصالت» آن خودداری کرده است.^۱

خود قزوینی هم «محض امتحان» بخشی از دفتر سوم این نسخه را با چاپ علاءالدوله سنجیده و اختلافات آنها را در حاشیه صفحات آن چاپ ضبط کرده بود. این مقابله نشان داد که آنها «اختلاف زیادی با هم دارند».^۲

پیداست که هر دو داوری شتابزده و کلی است. قزوینی قصد ارزیابی دقیق نسخه را نداشته و به نوشته خودش محض امتحان تنها بخش کوچکی از نسخه خود را با چاپ علاءالدوله سنجیده است. چاپی که ابیات الحاقی زیادی دارد و برای سنجش

۱. مثنوی، تصحیح محمد استعلامی، ج ۱، ص ۸۷-۸۸. نسخه مشهور قونیه، نسخه مورخ ۷۶۸ قاهره (که تاریخ آن را ۶۶۸ ق دانسته) و نسخه دیگر موزه قونیه بدون تاریخ کتابت، سه نسخه دیگر مورد استفاده استعلامی هستند.

۲. مثنوی، چاپ علاءالدوله، تهران، ۱۳۹۹ق، نسخه ملکی محمد قزوینی، موجود در کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ص ۲۹۴-۲۹۷.

اختلافات، مرجع معتبری نیست. استعلامی هم به کلی گویی بسنده کرده و منظور خود را از نسخه «به نسبت قابل اعتماد» یا ضبطهای «فاقد اصالت» مشخص نکرده است. با این تفصیل درباره این نسخه چه طور باید داوری کرد؟

بی آن که بخواهیم داوری دقیق و موشکافانه‌ای درباره اعتبار این نسخه و رابطه خویشاوندی اش با دیگر نسخه‌ها به دست بدهیم، مقایسه بخشهای متعددی از متن با تصحیح محمدعلی موحد نشان می‌دهد که در این نسخه با سه گروه مختلف از تفاوت و اختلاف در ضبط رو به رو هستیم: ۱. تجدیدنظرها و اصلاحات و تصرّفات خود مولانا ۲. اصلاحات کاتبان به قصد هموار کردن مثنوی ۳. خطاهای کتابتی.

۱. تجدیدنظرها و اصلاحات و تصرّفات خود مولانا

نیکلسون با بررسی نسخه‌های قدیم مثنوی به این نتیجه رسید که مولانا در بازخوانی مثنوی تغییراتی جزئی در سروده‌های خود اعمال کرده است. این تغییرات در جهت اصلاح خطاها و ناهمواریهای خود او مانند بی‌قیدی در قافیه‌پردازی، قافیه‌های معیوب یا بی‌دقتی در رعایت قواعد عروضی بوده است. با در نظر گرفتن این نکته او نسخه‌های قدیم مثنوی را به دو دسته تقسیم کرد: نسخه‌های درست یعنی نسخه‌هایی که صورت نهایی تغییرات و تجدیدنظرهای مولانا را دارند و نسخه‌های نادرست یعنی نسخه‌هایی که صورت اولیه و خام اشعار مولانا را روایت می‌کنند و به همین علت ضبطهایشان ناهموارتر و غیرمأنوس‌تر است.^۱

محمدعلی موحد هم در تصحیح خود این نتیجه را تأیید کرد. او اختلافات نسخه‌هایی را که تا ۱۵ سال بعد از مرگ مولانا کتابت شده‌اند، حاصل تجدیدنظرهای خود شاعر در بازخوانیهای مکرر مثنوی دانسته است. به نظر او بررسی دگرسانیهای نسخه‌ها نشان می‌دهد مولانا در تهذیب و تنقیح مثنوی کوشیده است تا سروده‌هایش را ساده‌تر و قابل فهم‌تر کند و لغات ثقیل را با معادل‌های روشن‌تر و متداول‌تر جایگزین کند. با این نگاه او نسخه‌های ده‌گانه مورد استفاده اش در تصحیح مثنوی را از نظر

۱. مقدمه مثنوی، نیکلسون، ج ۲، ص ۴۷۶-۴۸۰، ج ۳، ص ۹۱۸-۹۲۲.

فرآیند منطقی تهذیب و تنقیح مثنوی چنین مرتب کرد که نسخه «ه» در ابتدا و نسخه «قا» در انتها قرار دارد:

ه (دارالکتب قاهره، ش ۶۲۶۴ عمومی / ۲۳ خصوصی، ۶۷۴ق)، و (موزه مولانا قونیه، ش ۲۰۳۶، دفتر چهارم)^۱، لد (حضرت خالد استانبول، ش ۱۸۰، دفتر پنجم، به نظر موحد احتمالاً به خط سلطان ولد)، ولد (حضرت خالد استانبول، ش ۱۸۲، دفتر ششم به خط سلطان ولد، احتمالاً قبل از ۶۸۳ق)، الف (موزه مولانا قونیه، ش ۵۱، ۶۷۷ق)، ن (نافذ پاشا استانبول، ش ۶۷۰، ۶۸۰ق، دفتر اول)، ح (نافذ پاشا استانبول، ش ۶۵۹، ۶۸۰ق، دفتر چهارم)، قو (موزه مولانا قونیه، ش ۱۱۹۳، ۶۸۷ق)، قم (مرکز احیاء میراث اسلامی قم، ش ۲۹۴۲، ۷۰۱ق، دفتر چهارم)، قا (دارالکتب قاهره، ش ۱۷م تصوف فارسی، ۷۶۸ق). او نسخه م (مراد ملا استانبول، ش ۱۳۱۱، مورخ ۶۹۵ق) را به دلیل دخل و تصرفات گستاخانه و غیرمسئولانه خارج از این سلسله قرار داده است.^۲

۵۱۵

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

نسخه قزوینی هم حاوی شماری از این تجدیدنظرهای شاعر است و از این لحاظ ضبط‌هایش به دو نسخه «قو» و «قم» نزدیک است. اما به تمامی مشابه آنها نیست و هماهنگی‌اش با نسخه «قم» بیشتر است. البته نسخه «قم» تنها شامل دفتر چهارم می‌شود.

نیکلسون نسخه «قو» را جزء نسخه‌های گروه ناویراسته ذکر کرده و آن را معیار گروه خود دانسته است.^۳ اما موحد آن را در اواخر سیاهه خود جزء نسخه‌هایی که تغییرات و تجدیدنظرهای مولانا را دارند، آورده است. دلیل این داوری متفاوت آن است که نیکلسون تصویر کاملی از این نسخه در دست نداشت و موفق شد تنها سیصد-چهارصد بیت اوایل دفتر پنجم از این نسخه را مقابله کند. نسخه «قو» با نسخه‌ای صحیح که بر مولانا قرائت شده بود، مقابله و تصحیح شده است.

۱. گولپینارلی و موحد این نسخه را به خط سلطان ولد دانسته‌اند؛ اما این انتساب صحیح نیست (نثر و شرح مثنوی شریف، گولپینارلی، ج ۱، ص سی و پنج - سی و هشت؛ مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص هشتاد). برای اطلاعات بیشتر رک: مقدمه مثنوی معنوی، دفتر چهارم، ص بیست - بیست و یک؛ «مثنوی والد نه به خط ولد (بختی پیرامون انتساب دفتر چهارم مثنوی، محفوظ در موزه قونیه به سلطان ولد)».

۲. مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص صد و دوازده - صد و هجده.

۳. مقدمه مثنوی، نیکلسون، ج ۲، ص ۴۷۶.

افزون بر ضبطهای مشترک، بعضی اغلاط یکسان هم پیوند این نسخه را با نسخه «قو» تأیید می‌کند. مانند بیت ۴۵۰۷ دفتر سوم مصراع «بر قریظه و بر نضیر از وی چه رفت» که کلمات قریظه و نضیر به اشتباه به صورت قریضه و نظیر نوشته شده‌اند (گ ۱۸۵). در نسخه‌های «الف»، «قو» و «م» هم همین غلط تکرار شده است و موحد این اشتباه مشترک را نشانه اصل مشترک داشتن این نسخه‌ها دانسته است.^۱

نسخه قزوینی چند جا عنوانهایی اضافی دارد که این عناوین تنها در نسخه «قم» دیده می‌شود. مانند عنوانهای بعد از ابیات ۱۸۴۹، ۱۹۴۷، ۲۲۳۵، ۲۳۵۵، ۲۳۶۲ دفتر چهارم (گ ۱۶۳، ۱۶۶).

نسخه قزوینی به جز این دو نسخه با نسخه‌های دیگر هم پیوندهایی دارد. مثلاً دفتر سوم مشابهت زیادی با نسخه «م» دارد. یا ضبط بعضی از ابیات؛ و بیشتر از آن، عناوین دفتر پنجم مشابه نسخه «لد» است. آیا ممکن است که این تفاوتها ناشی از آن باشد که نسخه قزوینی چند نسخه اساس داشته است؟ یعنی کاتب نسخه کاملی در اختیار نداشته و برای کتابت بخشهای مختلف از نسخه‌های اساس متفاوتی استفاده کرده است. بدین ترتیب ضبطهای هر بخش با ضبطهای نسخه خاصی پیوند و خویشاوندی دارد. مخصوصاً که در زمان مولوی هم پس از اتمام سرایش هر بخش نسخه‌های آن به صورت جداگانه کتابت و مورد استفاده یاران مولانا قرار می‌گرفت و در ادامه بعد از مرگ او نیز کتابت شش دفتر مثنوی در مجلدات جداگانه رواج داشت و شمار قابل توجهی از نسخه‌های کهن این کتاب تنها شامل یک دفتر آن است.^۴

ضبط بعضی از ابیات این نسخه نه تنها با دو نسخه «قو» و «قم»، بلکه با سایر نسخ دهگانه مورد استفاده موحد هم متفاوت است. به دلیل فاصله نیم‌قرنی تاریخ کتابت

۱. مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص صد و چهل و دو - صد و چهل و سه.

۲. این عنوان در نسخه «و» نیز آمده است.

۳. این عنوان در نسخه «قا» نیز آمده است.

۴. رک: مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص صد و شانزده. گفتنی است این مسئله درباره نسخه‌های

شاهنامه نیز متداول بوده است. رک: شاهنامه از دستنویس تا متن، ص ۲۷۴-۲۷۵.

نسخه با زمان سرایش مثنوی و نیز وجود بعضی اغلاط در کتابت متن به سهولت نمی‌توانیم حکم کنیم این ابیات متفاوت حاصل بازنگریهای خود مولانا باشد. مثلاً ابیات ۱۱۱۷-۱۱۱۹ دفتر چهارم در نسخه‌های مورد استفاده موحد چنین ضبط شده‌اند:

خلق دیوانند و شهوت سلسله می‌گشندشان سوی دگان و غله
هست این زنجیر از خوف و وله تو مبین این خلق را بی سلسله
می‌کشاندشان سوی کسب و شکار می‌کشاندشان سوی کان و بحار

اما ضبط آنها در نسخه قزوینی چنین است:

خلق دیوانند و شهوت همچو بند می‌گشندشان سوی مکسب بی‌کمند
هست این بند و کمند آن حرفشان نیستند این خلق بی‌بند نهان
می‌گشندشان سوی کسب و سوی کار می‌گشندشان سوی کانها و بحار
(برگ ۱۵۳ پ)

۵۱۷

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۲. اصلاحات کاتبان به قصد هموار کردن مثنوی یا تصرفات عمدی کاتبان بعدی

نخستین دستکاریهای غیرمسئولانه و خودسرانه در مثنوی به روزگار خود مولانا باز می‌گردد. گزارشهای افلاکی نشان می‌دهد که نگرانی از شیوع دخل و تصرف و دستکاریهای عمدی در مثنوی در زمان تألیف مناقب العارفین (تألیف در ۷۱۸-۷۵۴ق) برای حلقه پیروان مولویه جدی بوده است.^۱ موحد این تحریفات عمدی را ناشی از سه انگیزه مختلف دانسته است. عموم نمونه‌هایی که او برای این تحریفات سه‌گانه در مقدمه تصحیح خود برشمرده، با مختصر تغییراتی در نسخه قزوینی هم دیده می‌شود.^۲

الف. احتراز از سوء تفاهم و اتهام اهانت به متولیان شرع و مقامات محترم مانند دفتر ششم، بیت ۱۵۹ (گ ۲۵۴ ر).

۱. مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص ۳۷ و هفت - ۳۸ و هشت.

۲. مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص ۳۷ و سی و شش - ۳۸ و ۳۹ و ۴۰.

ب. زدودن الفاظ مستهجن و تعدیل و تبدیل ناسزاها مانند دفتر پنجم، بیت‌های ۹۲ (گ ۱۸۶)، ۱۳۴۵ (گ ۲۰۱)، ۱۳۸۷ (گ ۲۰۱)، ۳۳۳۵ (گ ۲۲۴)، دفتر ششم، بیت‌های ۳۱۷ (گ ۲۴۰)، ۱۱۴۴ (گ ۲۴۹)، ۱۳۰۵-۱۳۰۶ (گ ۲۵۱).

ج. ساده و قابل فهم‌تر کردن متن مانند دفتر پنجم، بیت‌های ۴۴۹ (گ ۱۹۰)، ۸۰۵ (گ ۱۹۴)، دفتر ششم، بیت‌های ۳۱۲ (گ ۲۳۹)، ۱۱۵۹ (گ ۲۴۹)، ۱۱۹۷ (گ ۲۴۹)، ۱۲۹۶ (گ ۲۵۱)، ۱۳۰۸ (گ ۲۵۱).

۳. خطاهای کتابتی

مثل هر نسخه دیگری، در فرآیند استنساخ این نسخه نیز خطاهایی از کاتب سرزده و بعضی از کلمات و عبارات به صورت نادرست ضبط شده‌اند. بعضی از این خطاها حاصل بی‌دقتی کاتب است و بعضی دیگر حاصل نقل اشتباه متن از نسخه اساس. شمار دیگری از خطاها بر اثر بدخوانی نسخه اساس ایجاد شده است و بعضی از آنها هم در نتیجه اشتباهات شنیداری در فرآیند استنساخ است. فهم نادرست متن هم در مواردی باعث ضبط غلط شده است. ذکر مثال‌های متعدد برای همه این موارد، سودی ندارد و باعث تطویل کلام می‌شود. لذا به چند مثال اکتفا می‌کنیم.

فاحشترین خطای این دستنویس ضبط نادرست بیت اول مثنوی است که کلمات شکایت و حکایت بین دو مصراع آن جا به جا نوشته شده است. مینوی معتقد بود این بیت در نسخه‌های قدیم مثنوی تا صد و پنجاه سال - دویست سال پس از فوت مولانا همیشه به صورت درست ضبط شده بود.^۱ اما در نسخه‌های کهنتر هم این خطا دیده می‌شود. از جمله در نسخه مورخ ۷۴۴ ق به خط محمد بن دولت‌شاه بن یوسف شیرازی (کتابخانه ایالتی باواریا، مونیخ، ش Cod.pers.35، برگ ۲) و نسخه مورخ ۷۵۸ ق به خط محمود بن مبارک (کتابخانه جان رینلدز، دانشگاه منچستر، ش Persian MS 984).^۲

۱. «لزوم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا بطریق صحیح انتقادی»، ص ۶۸۴.

۲. شاید بررسی نسخه‌های کهن مثنوی برای مشخص کردن تاریخ دقیقتر این تحریف خود دریچه‌ای برای تاریخگذاری نسخه‌های بدون انجامه هم باشد.

شماری از خطاهای کاتب مربوط به نسخه اساس اوست مانند «هیچ هیچ» در بیت ۱۲۰ دفتر ششم که خود کاتب در حاشیه نوشته است «ظ [ظاهراً] پیچ پیچ» (۲۳۷پ). بعضی دیگر حاصل غلط خوانی نسخه اساس و نقل نادرست کلمات در ترکیبات مشابه است مانند «غیب» به جای «غبن» (بیت ۷ دفتر پنجم، گ ۱۸۵پ)، «جهان» به جای «چهار» (بیت ۶۲ دفتر ششم، گ ۲۳۷ر)، «چشم» به جای «جسم» (بیت ۷۹ دفتر ششم، گ ۲۳۷ر) و «جما» به جای «جا» (بیت ۳۹۹ دفتر سوم، گ ۹۰پ). یک نمونه دیگر ضبط بیت ۳۶۱۱ دفتر اول به این صورت غلط است:

چون سُقُوا مَاءً حَمِيمًا قُطِعَتْ جمله را استاد مما اوضعت (گ ۳۹پ)

که صورت صحیح مصراع دوم چنین است: جمله الاستار مِمَّا أُفْطِعَتْ.

یک نمونه از اشتباهات شنیداری رخ داده در استنساخ کتاب مربوط به بیت ۷۵ دفتر پنجم است که در آن کلمه دوم مصراع «جسم صَخْمی داشت، کس او را بُرد» به صورت «زخمی» ضبط شده است (گ ۱۸۶ر). بعضی از کلمات هم به دلیل خطای ذهنی کاتب غلط ضبط شده‌اند مانند کلمه «دَها» در قافیه بیت ۱۶۵ دفتر پنجم که «دهان» کتابت شده است (گ ۱۸۴ر). کاتب گاهی هم بدون توجه به معنا، کلمات را نقاشی کرده است مانند نوشتن کلمه «من» به صورت «س» (بیت ۵۶۲ دفتر دوم، گ ۵۰ر).

اشکال تکرارشونده این نسخه افتادگی بعضی از کلمات است. مانند کلمه «آن» (بیت ۴۱۹ دفتر اول، گ ۴ر)، کلمه «شه» (بیت ۴۲۵ دفتر دوم، گ ۴۹ر)، حرف «تا» (بیت ۳۰۲۴ دفتر اول، گ ۳۳ر)، «مر» (بیت ۶۱۳ دفتر دوم، گ ۵۰پ)، کلمه «است» (بیت ۶۸۵ دفتر چهارم، گ ۱۴۹ر)، کلمه «جهت» (بیت ۹۲۶ دفتر چهارم، گ ۱۵۱پ)، کلمه «نه» (بیت ۱۶۲ دفتر ششم، گ ۲۳۸ر).

در نتیجه بی‌دقتی کاتب بیت ۸۴۱ دفتر چهارم به اشتباه در کتابت تکرار شده است (گ ۱۵۰پ). بار اول به صورت درست:

روحهای مرده جمله پر زدند مردگان از گور تن سر بر زدند

و بار دیگر دو سطر بعد به این صورت:

روحهای مرده جمله زدند مردگان از گور تن سر بردند

و نیز تکرار اشتباه بیت ۲۲۲ دفتر پنجم (گ ۱۸۸) و تکرار یک مصراع به اشتباه در ابیات ۶۴۶-۶۴۷ دفتر اول (گ ۶).

ابیات الحاقی و افتاده این نسخه هم قابل توجه است. نیکلسون در فرآیند تصحیح مثنوی دریافت که در نسخه‌های قرن هفتم و قرن هشتم مثنوی نشانه‌ای از الحاقات بسیار به چشم نمی‌خورد و در نسخه‌های قرن نهم به بعد است که تعداد ابیات الحاقی فزونی می‌یابد.^۱ این نسخه در مقایسه با نسخه قونیه ابیات اضافی بسیار محدودی دارد. بیشتر این ابیات الحاقی در نسخه‌های معتبر و قدیمی دیگری هم ذکر شده‌اند. برای نمونه بعد از بیت ۲۹۴۵ دفتر اول این بیت آمده است که به جز این نسخه در نسخه «ن» هم آمده است. در نسخه «م» این بیت به جای بیت ۲۹۴۵ نوشته شده است:

گر چه جسمت نازکست و بس نزار بر نمی‌آید جهان را بی تو کار (۳۲).

بعد از بیت ۳۶۴ دفتر اول در نسخه‌های «ن» و «قا» و «م» یک بیت آمده است که در نسخه ما هم هست. موحد این بیت را در پاورقی به نقل از آن نسخه‌ها آورده است.^۲ بعد از بیت ۱۰۸۸ سه بیت در هامش نسخه «قا» و متن «م» آمده که عیناً در نسخه قزوینی نیز کتابت شده‌اند (گ ۱۱). دو بیت بعد از بیت‌های ۲۱۲۴ و ۲۱۲۵ دفتر اول نوشته شده که به ترتیب در نسخه‌های «قا» و هامش «م» هم آمده‌اند (گ ۲۳). بعد از بیت ۱۷۸ دفتر دوم نسخه «قو» یک بیت اضافه دارد که این بیت با ضبطی متفاوت در نسخه ما هم آمده است (گ ۴۵). یک بیت بعد از بیت ۱۷۹ دفتر سوم که در نسخه «قا» آمده است (پ ۸۸). یک بیت بعد از بیت ۶۶ که در نسخه «قا» و هامش

۱. مقدمه مثنوی، نیکلسون، ج ۳، ص ۹۲۳.

۲. مثنوی معنوی، ج ۱، ص ۲۵.

«لد» هم نوشته شده است (گ ۱۸۶ر). دو بیت ۱۵۰-۱۵۱ دفتر ششم در این نسخه و نسخه‌های «ولد»، «م»، «قا»، و هامش «قو» هم ذکر شده است (۲۳۸ر). یک بیت بعد از بیت ۲۳۰ دفتر ششم که در این نسخه و نسخه «قو» آمده است (گ ۲۳۹ر).

اما بیت‌های الحاقی دیگری هم در این نسخه هست که در نسخه‌های معتبر قدیمی نیست. مانند هشت بیت اضافه بعد از بیت ۶۸ دفتر سوم (گ ۸۷ر)^۱ یا یک بیت الحاقی بعد از بیت ۴۲ دفتر سوم هست که در نسخه‌های مورد استفاده موحد نیست:

حلق عقل و دل چو شد خالی ز فکر یافت او بی هضم معده رزق بکر
(گ ۸۷ر)

و نیز دو بیت بعد از بیت‌های ۱۹۴ و ۱۹۵ از دفتر سوم (گ ۸۸پ). البته شمار این ابیات بسیار کم است و این نسخه به جای آن که از ابیات الحاقی آسیب دیده باشد، بیشتر از ابیات افتاده آسیب دیده است. یک نمونه مهم افتادگی بیت‌های ۴۳۷۳ تا ۴۴۳۲ در پایان دفتر سوم است. این ابیات از قلم کاتب افتاده و بعداً در قرن ۱۱ در حاشیه برگ‌های ۱۸۴پ - ۱۸۵ر نوشته شده است. ظاهراً یک برگ از نسخه اساس مورد استفاده کاتب در این موضع افتادگی داشته که او متوجه این موضوع نشده و کتابت متن را به همان صورت ادامه داده است.

کلمات و عبارات مشابه در ابیات مجاور هم باعث شده است که چند بار ابیاتی از قلم او فروافتد. مانند بیت ۱۰۹۶ دفتر چهارم که به دلیل آغاز مشابه با بیت بعدی از

۱. بر تو هم طمع خوشی این جهان
طمع ذوق این حیات پرغرور
پس طمع کورت کند نیکو بدان
حق ترا باطل نماید از طمع
از طمع بیزار شو چون راستان
کاندر آن جا چون در آیی وارهی
چشم جانت روشن و حق بین شود
پند مردان را پذیرا شو به جان

شد حجاب آن خوشی جاودان
از حیات راستینت کرد دور
بر تو پوشاند یقین را بی‌گمان
در تو صد کوری فزاید از طمع
تا نهی پا بر سر آن آستان
از غم و شادی [به] بیرون پانهی
بی ظلام کفر نور دین شود
تارهی از خوف و مانی در امان

قلم افتاده است (گ ۱۵۳ پ). همچنین به خاطر تکرار عبارت «بانگ آب» در پایان مصراع اول ابیات ۷۵۲ و ۷۵۴، کاتب چهار مصراع بین آنها را به اشتباه کتابت نکرده است (گ ۱۴۹ پ). همچنین به دلیل شباهت کلمات قافیه چشم کاتب از روی سه بیت لغزیده و در نتیجه سه بیت ۴۷۰-۴۷۲ دفتر دوم از قلم افتاده است (گ ۴۹ ر). به دلیل تکرار قافیه در دو بیت ۲۰۴-۲۰۵ دفتر ششم، بیت ۲۰۵ از قلم افتاده است (گ ۲۳۸ پ). نیز تکرار کلمه نجوم در قافیه مصراع اول دو بیت ۳۰۱۶ و ۳۰۲۰ دفتر ششم سبب شده است که کاتب مصراع دوم را اشتباه بنویسد. در نتیجه مصراع جاافتاده بیت اول را به صورت عمودی بین سطور اضافه کرده است (گ ۲۶۹ ر). و نیز افتادگی بیت ۵۵۱ دفتر اول؛ بیت‌های ۵۴۶ و ۶۸۷ دفتر دوم؛ بیت‌های ۷۹-۸۰، ۵۱۹-۵۲۰، ۵۴۰ دفتر سوم، مصراع دوم و مصراع اول بیت ۴۵۰-۴۵۱ دفتر سوم به دلیل پایان مشابه دو مصراع؛ بیت ۱۹۹ دفتر پنجم؛ بیت ۶۸ و ۳۰۵ دفتر ششم.

به این ترتیب مشخص می‌شود که نسخه قزوینی در ردیف نسخه‌های درجه اول کتاب قرار نمی‌گیرد و گاهی اغلاط فاحشی دارد که یا از اصل به همین صورت رونویس شده یا اشتباهات کاتب سبب آنها بوده است.

مقدمه دفتر پنجم

در آغاز دفتر پنجم این نسخه هم به سیاق دیگر دفاتر مقدمه‌ای به نثر نوشته شده است. هر چند کاتب نسخه معتقد بود که این دیباجه اصالت ندارد. او در پایان مقدمه نوشته است: «این نثر از معارف مولاناست قدس سره»^۱ و در حاشیه همان صفحه سخن خود را به این صورت تکمیل کرده است که: «به دیباجه مثنوی تعلق ندارد، چه مجلد پنجم را دیباجه نیست» (گ ۱۸۴ پ - ۱۸۵ ر). البته این موضوع

۱. منظور از معارف در این جا کتابی خاص با این عنوان نیست، بلکه مراد نویسنده نشان دادن تعلق این متن به مولاناست.

معارف نام مجموعه مواعظ و سخنان سلطان العلماء - پدر مولانا - و نیز تقریر مجموعه مجالس سلطان ولد - فرزند مولانا - است. احتمالاً نویسنده یادداشت مذکور در نسخه قزوینی ناظر به همین دو کتاب، نام معارف را در این جا ذکر کرده است.

منحصر به نسخه ما نیست و در آغاز دفتر پنجم مثنوی در نسخه کتابخانه مجلس (ش ۷۸۵۲، مورخ ۸۴۵ق) نیز این دو یادداشت عیناً نوشته شده است (گ ۲۳۹ پ).^۱

اگر به نسخه‌های کهنتر مثنوی رجوع کنیم، این امر سابقه درازدامن تری پیدا می‌کند. مهمترین نسخه‌ای که مقدمه دفتر پنجم را ندارد، مهمترین نسخه مثنوی یعنی نسخه مورخ ۶۷۷ق قونیه است. در این نسخه مقدمه به خطی جدید و احتمالاً در قرن نهم یا دهم هجری در ورقی جداگانه نوشته شده و به نسخه افزوده شده است. چرا نسخه‌ای که از روی نسخه اصلی خوانده شده بر مولانا کتابت شده و تجدیدنظرهای مولانا در فرآیند تصحیح و تنقیح مثنوی را به دقت در حاشیه ضبط کرده و اشتباهاتش بسیار محدود است، این مقدمه را ندارد؟^۲ تزئینات صفحات قبل از دفتر پنجم به وضوح نشان می‌دهد که فقدان مقدمه دفتر پنجم در این نسخه به علت اشتباه کاتب نیست. مذهب نسخه برای آغاز هر دفتر، پنج صفحه در نظر گرفته بود که به صورت کامل تذهیب شده‌اند: نخستین صفحه دارای ترنجی بزرگ و مزین، دو صفحه بعد شامل دو لوح مذهب قرینه که رو به روی هم کشیده شده‌اند، و در نهایت دو صفحه مزین دیگر که در وسط آنها مقدمه هر دفتر نوشته شده است. در آغاز دفتر پنجم هم طبق همین روال ۵ صفحه تزئین شده، با این تفاوت که در هیچ یک از آنها جایی برای نوشتن مقدمه در نظر گرفته نشده است و فضای داخل همه آنها با نقوش تزئینی پر شده است. چون تزئینات همه این صفحات اصیل و متعلق به مذهب اصلی نسخه است، بنابراین این گمان جدی است که در نسخه اساس او هم دفتر پنجم مقدمه‌ای نداشته که او جایی برای نوشتن مقدمه در نظر نگرفته است. گولپینارلی هم بر این اساس درباره اصالت این مقدمه تشکیک کرده است.^۳

افزون بر این نسخه‌های کهن متعدد دیگری نیز هستند که یا اساساً این مقدمه را ندارند، یا مقدمه در قرون بعدی به آنها افزوده شده است. مانند نسخه‌های مورخ ۷۳۳ق

۱. ضبطهای مشترک این نسخه با نسخه قزوینی نشان از آن دارد که هر دو نسخه از روی اصلی یکسان کتابت شده‌اند.

۲. کاتب این نسخه را چنین وصف کرده است: «النسخة الاصلية المقرورة المصححة المهذبة المنقحة على حضرة الشيخ مؤلفه...».

۳. نثر و شرح مثنوی شریف، ج ۳، ص ۲۹.

(کتابخانه نافذ پاشا استانبول، ش ۶۵۹/۲)، ۷۳۵ ق به خط خلیل مولوی (کتابخانه نافذ پاشا، ش ۶۵۱)، ۷۳۸ ق به خط حسین بن عثمان مولوی قونوی (کتابخانه ایالتی برلین، ش 21 Minutoli، نوشته شده با خطی الحاقی)، ۷۳۸-۷۴۰ ق (کتابخانه مغنیسا، ش ۷۲۰۷)، ۷۴۴ ق (کتابخانه ایالتی باواریا مونیخ، ش Cod.pers.35، افزوده شده با خطی جدید به نسخه)، ۷۵۱-۷۵۲ ق به خط محمود بن محمد بن محمد المولوی الملطی (کتابخانه نافذ پاشا، ش ۶۴۴)، ۷۶۴ ق (کتابخانه نافذ پاشا، ش ۶۷۴)، ۷۶۸ ق به خط محمد بن عیسی حافظ مولوی قونوی (دارالکتب مصر، ش ۱۷ م تصوف فارسی)، ۷۷۴ ق به خط محمد بن حسین مولوی (کتابخانه حالت افندی، ش ۱۷۱، افزوده شده با خطی جدید به حاشیه صفحه). و چند نسخه کهن بدون تاریخ مانند نسخه‌ای از دفتر پنجم از اواخر قرن هفتم یا اوائل قرن هشتم به خط «الحافظ» (کتابخانه مغنیسا، ش ۲۶۵) و نسخه‌ای از اوایل قرن هشتم که در مزار مولانا کتابت شده است (کتابخانه سلیمیه ادرنه، ش ۱۰۵۷، افزوده شده با خطی دیگر).

تا جایی که من جستجو کردم قدیمترین نسخه‌های دارای این مقدمه به دهه دوم و سوم قرن هشتم باز می‌گردد مانند نسخه مورخ ۷۲۰ ق (آرشیو ملی جمهوری ترک قبرس شمالی، ش No. M. 1006)^۱، نسخه‌ای بدون تاریخ که در ۷۲۹ ق مقابله و تصحیح شده و کمی قبل از این تاریخ کتابت شده بود (کتابخانه لالا اسماعیل استانبول، ش ۲۰۱)، نسخه مورخ ۷۳۵ ق (کتابخانه نافذ پاشا، ش ۶۸۲)، و دو نسخه مزین و بدون تاریخ که در اوایل قرن هشتم کتابت شده‌اند: نسخه‌ای شامل دفترهای چهارم تا ششم (کتابخانه ملی آنکارا، افیون گدیک، ش ۱۷۷۶۹، گ ۴۷ ر) و نسخه‌ای شامل دفتر پنجم (کتابخانه گوتا، ش Orient P. 54). در دو نسخه اخیر مذهب فضای خاصی را برای نوشتن مقدمه فراهم کرده که مقدمه داخل آنها به خط کاتب اصلی نسخه نوشته شده است.

۱. تصویر مقدمه دفتر پنجم این نسخه در مقاله زیر منتشر شده است. از تصویر چنین بر می‌آید که مقدمه به خط کاتب اصلی نسخه نوشته شده است. رک:

“An Illuminated Mathnawi al-Ma'nawi of Jalaladdin al-Rumi Kept in the National Archive of the Turkish Republic of Northern Cyprus”, p.429, Fig. 7.

اما از سوی دیگر عموم مولوی پژوهان معتقدند که دیباچه‌های منشور هر شش دفتر مثنوی به قلم خود مولانا و جزء مثنوی است.^۱ محمدعلی موحد که دیباچه هر دفتر را کلید فهم و دریافت نگرش مولانا می‌داند، نشان داده است که عبارات نخست دیباچه دفتر پنجم مثنوی به روشنی از کلام شمس در مقالات او گرفته شده است.^۲ و این را تأییدی بر اصالت آن قلمداد کرده است. اما دیدیم که بسیاری از نسخه‌های کهن مثنوی این مقدمه را ندارند. افزون بر این نسخه‌های مورد استفاده خود او در تصحیح مثنوی هم پذیرش این مطلب را با اما و اگرهای جدی روبه‌رو می‌کند. از بین ۱۱ نسخه مورد استفاده موحد در تصحیح مثنوی ۴ نسخه کامل است و بقیه تک دفتر که یکی از آنها شامل دفتر پنجم است. به این ترتیب پنج نسخه می‌توانستند شامل مقدمه دفتر پنجم باشند؛ اما در هر ۵ نسخه این مقدمه یا به خطی مغایر نوشته شده یا سالیانی بعد به نسخه افزوده شده است. موحد در ذکر نسخه بدل‌های این مقدمه چنین نوشته است:

دیباچه دفتر پنجم در نسخه «م» [مراد ملاستانبول، ش ۱۳۱۱، مورخ ۶۹۵ق] نونویس است لذا طرف مقابله واقع نشد. دیباچه دفتر پنجم در «قا» [دارالکتب قاهره، ش ۱۷م تصوف فارسی، ۷۶۸ق] و «لد» [حضرت خالد استانبول، ش ۱۸۰، شامل دفتر پنجم]^۳ به خط غیر متن نوشته شده است.^۴

اما این گزارش وضعیت مقدمه را در نسخه‌ها به درستی نشان نمی‌دهد. مخصوصاً اشکال مهمش آن است که موحد درباره نونویس بودن مقدمه در دو نسخه مهم قونیه، یعنی نسخه‌های مورخ ۶۷۷ و ۶۸۷ق (نسخه‌های «الف» و «قو») هیچ توضیحی نداده است. همان طور که گذشت مشخص شد که در نسخه ۶۷۷ این مقدمه اصیل نیست و

۱. مانند فروزانفر و زرین کوب و موحد. رک: رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد مشهور بمولوی، ص ۱۷۵؛ سزّنی، ج ۱، ص ۳۳-۳۸؛ «تقریرات درس مثنوی معنوی»، ص ۱۱.
۲. باغ سبز، ص ۱۵۱.
۳. موحد این نسخه را به دلیل شباهت خطش به نسخه کتابخانه حضرت خالد استانبول، ش ۱۸۲ به سلطان ولد دانسته است (مقدمه مثنوی معنوی، ص شصت و هفت - شصت و هشت، هشتاد و نه).
۴. مثنوی معنوی، ج ۲، ص ۱۰۰۳.

بعداً با خطی دیگر به آن افزوده شده است. وضعیت نسخه دیگر قونیه یعنی نسخه مورخ ۶۸۷ق نیز به همین صورت است.^۱ این نسخه مدتی بعد از کتابت و توسط شخصی دیگر احتمالاً در قرن هشتم دو بار با نسخه «اصل» و «صحیحی» که بر مولوی (الشیخ قدس الله سره) خوانده شده بود، مقابله شده است. به نظر موحد نسخه «قو» از اصل مستقل دیگری غیر از «الف» نوشته شده است و بعد از تحریر آن را با نسخه «الف» مقابله کرده‌اند.^۲ در این نسخه نیز مقدمه با خطی مغایر با متن و چند دهه بعد از کتابت متن اصلی نوشته شده است. به سخن دیگر نه کاتب اصلی مقدمه‌ای بر دفتر پنجم نوشته بوده و نه مصحح این مقدمه را از روی نسخه صحیح و اصل به آن افزوده است؛ بلکه این مقدمه افزوده مالکان بعدی است. به این ترتیب مشخص می‌شود مقدمه دفتر پنجم در هیچ یک از نسخه‌های مورد استفاده موحد در تصحیح مثنوی اصیل نیست.

کیلاً جکسون معتقد است که بعضی از کاتبان به عمد این مقدمه را ننوشته‌اند و حدس زده دلیل این کار شاید موضوع این مقدمه یعنی برتر دانستن طریقت بر شریعت، تشبیه شریعت به کیمیا و مخالفت احتمالی علما با این موضوع باشد.^۳ مخالفت فقها و علما با چنین مضمونی روشن است و حتی در بعضی از متون متأخر مانند حدیقة الشیعة دقیقاً مقدمه همین دفتر به عنوان یکی از اشکالات مثنوی مطرح شده است^۴، اما حتی اگر این مقدمه را وانهیم، بخش مهمی از مثنوی در باب این موضوع است؛ به طوری که زرین کوب سه فصل جداگانه از کتاب سرّنی را به تشریح نظر مولانا درباره آنها اختصاص داده است.^۵

همچنین همان طور که گذشت شمار قابل توجهی از نسخه‌های کهن فاقد دیباچه دفتر پنجم را خود مولویه نوشته‌اند، نه کسان دیگری که بخواهند در آن دخل و تصرف کنند.

۱. تصویر این نسخه به لطف دوست گرامی آقای سعید لیان در اختیار من قرار گرفت.

۲. مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص صد و هجده.

3. "The 1373 Masnavi of Taj Al-Din Shaykh Husayn Bey." P. 8-9.

۴. «ملای رومی در خطبه‌ای از خطبه‌های مثنوی می‌گوید که چون حقیقت حاصل شود، شریعت باطل می‌شود». حدیقة الشیعة، ج ۲، ص ۷۶۷.

۵. سرّنی، ج ۲ ص ۶۵۱-۷۵۵.

مقدمه دفتر پنجم تنها مقدمه‌ای است که در آن هیچ اشاره‌ای به صورت مستقیم یا غیرمستقیم به خود کتاب مثنوی نشده است. و احتمالاً به همین دلیل است که کاتبان متأخر جمله «این مجلد پنجم است از دفترهای مثنوی و تبیان معنوی» را به آغاز آن افزوده‌اند تا این متن را با مثنوی مرتبط کنند.^۱ این عبارت در کهنترین نسخه‌های مثنوی که این مقدمه را دارند، نیست.^۲ به این ترتیب امکان آن که این مقدمه بعداً از سایر یادداشتهای مولوی (و به تعبیر کاتب از معارف او) به آغاز دفتر پنجم افزوده شده باشد، نه تنها محتمل بلکه مقرون به صواب است.

شواهد نشان می‌دهد که مولویه در دوره‌های نخست تا حد امکان می‌کوشیدند که نسخه‌های معتبری از مثنوی تکثیر شود و به طرق مختلف تلاش می‌کردند که در کتابت این کتاب قواعد مقابله و تصحیح با دقت رعایت شود. قواعدی که درباره سایر کتابهای شعر مرسوم نبود؛ ولی آنها به تقلید از متون دینی همچون کتب تفسیر و حدیث و فقه، قواعد کتابت و مقابله و قرائت را درباره این کتاب هم مرعی می‌داشتند. منظور از این قواعد علاوه بر مقابله و تصحیح رایج نسخه‌ها و ذکر نسخه بدلها در حاشیه صفحات، مواردی همچون تأکید بر مقابله نسخه با نسخه‌های صحیح^۳؛ کتابت مثنوی در مزار مولانا^۴ و تصحیح و مقابله نسخه‌ها در مزار مولانا و در

۵۲۷

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. زرین کوب هم به تفاوت دیباچه دفتر پنجم با سایر دیباچه‌های مثنوی اشاره کرده است: «در دیباچه دفتر پنجم آنچه در وصف این دفتر به فارسی آمده است، بیشتر در توصیف مضمون قسمتی از آغاز این دفتر و همچنین حاصل قسمتی از تعلیم تمام مثنوی است» (سرنی، ج ۱، ص ۳۷). اما او در ادامه با استناد به عبارت الحاقی آغاز این مقدمه که مثنوی را «تبیان معنوی» می‌داند، نتیجه می‌گیرد که مولانا در این مقدمه هم در پی تبیین اهمیت فوق‌العاده مثنوی است.

۲. یعنی همان سه نسخه‌ای که پیشتر به آنها اشاره شد.

۳. مانند دو نسخه مورخ ۶۷۷ و ۶۸۷ ق قونیه و نسخه مورخ ۶۸۰ ق نافذ پاشا، ش ۶۵۹ که از روی نسخه‌ای صحیح و قابل اعتماد نوشته شده بود (من نسخه صحیحۃ یعتمد علیه).

۴. مانند نسخه مورخ ۷۲۳ ق که عثمان بن عبدالله غلام آزاد کرده سلطان ولد آن را در تربت مطهر منور حضرت خداوندگار مولانا نوشته است (موزه مولانا، قونیه، ش ۱۱۷۷) و نسخه بدون تاریخی از اوایل قرن هشتم (سلیمیه ادرنه، ش ۱۰۵۷).

حضور یکی از اصحاب^۱ است. چه مثنوی از نظر ایشان کتاب شعر نبود. قرآن منظوم و به تعبیر خود مولانا در مقدمه دفتر اول «اصول اصول اصول الدین» بود.

بنابراین ظن غالب این است که یکی از مشایخ مولویه این مقدمه را به مثنوی افزوده باشد و کسی دیگر دست کم در آن زمان چنین جسارتی نداشته است. مخصوصاً که با توجه به گفته نیکلسون می دانیم که ابیات الحاقی در نسخه های کهن مثنوی کم است^۲ و موحد حدس زده است که بعضی از این ابیات الحاقی در آن زمان از افزوده های سلطان ولد باشد.^۳

اما این مقدمه را چه کسی و در چه زمانی به مثنوی افزوده است؟ عجلالاً بر اساس نسخه هایی که من موفق شده ام تاکنون بررسی کنم مشخص می شود که این مقدمه بعد از سالهای ۶۷۷ و ۶۸۷ و قبل از سالهای ۷۲۰ و ۷۳۵ ق به مثنوی افزوده شده است.^۴ در این سالها تصدی امور مولویه به دست دو نفر بود: سلطان ولد (۶۸۳- رجب ۷۱۲ ق) و اولو عارف چلبی (۷۱۲- ۲۴ ذیحجه ۷۱۹ ق). لذا منطقی است که فرض کنیم افزودن مقدمه دفتر پنجم کار یکی از این دو نفر یا با تأیید آنها بوده است. البته با توجه به احوالات اولو عارف چلبی دور از ذهن است که این کار از طرف او انجام شده باشد.

۱. مانند نسخه مورخ ۷۱۷ ق که در مدرسه ظاهریه قاهره کتابت و شش سال بعد به قونیه آورده و در آن جا در صفر ۷۲۳ ق در «مدرسه خداوندگار مولانا» با نسخه صحیح یکی از اصحاب مولانا، نظام الدین ارزنجانی، در حضور خداوندزاده سلطان العارفين مقابله و تصحیح شده است (نافذ پاشا، استانبول، ش ۶۵۸).

۲. مقدمه مثنوی، نیکلسون، ج ۳، ص ۹۲۳؛ مقدمه مثنوی معنوی، موحد، ص صد و دوازده - صد و چهارده.

۳. همان، ص صد و سی و پنج - صد و سی و شش.

۴. من موفق نشدم دو نسخه کامل مثنوی به تاریخهای ۷۱۴ (موزه مولانا، ش ۱۴۵۷) و ۷۱۸ (کتابخانه بریتانیا، ش 5602 Or.) را ببینم و مقدمه دفتر پنجم در آنها را بررسی کنم. اما دیدن این دو نسخه نیز با توجه به تاریخ کتابت آنها و نیز مطالب بالا در تاریخ گذاری مقدمه دفتر پنجم تغییری ایجاد نمی کند.

خصایص نسخه شناختی

متن به خط نسخی است که نشانه‌هایی از نستعلیق دارد (مانند بعضی از دورها) و سرسخنها به خط رقاع طلایی و گاه لاجوردی است.

کاتب خود نخستین مصحح نسخه بوده است. اصلاحات او شامل مواردی از قبیل افزودن کلمات افتاده، واضح نوشتن کلماتی که در متن دقیق نوشته نشده‌اند، و نوشتن نسخه بدل یا اصلاح خطاهای نوشتاری متن است. در مجموع تعداد این اصلاحات زیاد نیست و در تمام نسخه به ۴۰ مورد نمی‌رسد (گ ۶ پ، ۲۳ ر، ۳۳ ر، ۳۸ ر، ۴۲ ر، ۵۲ پ، ۵۴ پ، ۵۸ پ، ۶۲ ر، ۷۸ ر، ۸۱ پ، ۸۷ پ، ۹۲ ر، ۹۲ پ، ۹۵ پ، ۹۷ پ، ۱۱۰ ر، ۱۱۳ پ، ۱۱۴ ر، ۱۳۶ ر، ۱۳۷ ر، ۱۵۴ ر، ۱۵۷ ر، ۱۵۹ پ، ۱۶۶ پ، ۱۷۲ ر، ۱۷۷ ر، ۱۹۳ ر، ۲۰۴ ر، ۲۰۴ پ، ۲۲۷ ر، ۲۲۸ ر، ۲۳۷ پ، ۲۳۹ پ، ۲۴۹ پ، ۲۵۳ ر، ۲۶۰ پ، ۲۶۵ پ، ۲۸۱ ر). او در ۲۵۶ رسه بیت افتاده از قلمش را در فاصله کم جدول بین سطرها به صورت عمودی نوشته است.

۵۲۹

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

کاتب در چند مورد یادداشتهای کوتاهی در توضیح اشارات و تلمیحات بعضی از ابیات، ترجمه عبارات عربی یا معنای کلمات دشوار آنها هم نوشته است (گ ۹ پ، ۱۱ پ، ۱۲ ر، ۱۴ پ، ۱۵ پ، ۲۸ پ، ۳۱ پ، ۳۲ پ، ۳۳ ر در حاشیه و بین سطور، ۴۱ پ، ۴۶ پ، ۵۱ پ، ۵۵ پ، ۵۷ پ، ۵۹ پ، ۶۲ پ، ۶۵ ر، ۶۹ ر، ۷۱ ر، ۷۶ ر، ۷۸ ر، ۸۹ پ، ۹۳ ر، ۱۰۳ ر، ۱۰۴ ر، ۱۱۱ پ، ۱۲۸ ر، ۱۳۰ ر، ۱۵۲ پ، ۱۵۸ پ، ۱۶۲ پ، ۱۶۴ ر، ۲۱۹ ر، ۲۵۱ ر، ۲۶۶ پ).

او در فرآیند تصحیح نسخه از چند علامت استفاده کرده است:

— استفاده از نشانه سه نقطه شک کوچک در حاشیه ضبطهای مشکوک (گ ۶۶ ر، ۷۵ پ، ۸۹ ر). در حاشیه برگهای ۱۸۸ پ، ۱۹۱ پ، ۱۹۵ پ و ۱۹۷ پ هم این علامت

۱. در این جا کاتب برای مصراع اول بیت ۹۶۰ دفتر دوم این مصراع را به عنوان نسخه بدل در حاشیه

نوشته است: «از صفات بی خودی باز به هُش» (گ ۵۴ پ)

۲. که به یک بیت سنایی اشاره کرده است: «فی هذا المعنی:


همه چیز را تا نجویی نیابی مگر دوست را تا نیابی نجویی»


بوده که بعد از برطرف شدن شک ابطال شده و خط خورده و نقاطش به هم چسبانده شده‌اند.

— علامتی شبیه عدد «۲» در حاشیه دو مصراع از برگ ۹۷ پ.

— حروف اختصاری «م» و «خ» برای نشان دادن مقدم و مؤخر بودن کلمات (گ ۶ر، ۶۴ر، ۱۵۱پ، ۱۹۲ر، ۲۲۸پ، ۲۴۵ر) یا اییات و مصراعها (گ ۳۱پ، ۳۴پ، ۱۸۰ر، ۲۵۶ر) یا عناوین (گ ۱۱ر).

— نوشتن حرف «ز» کنار دو مصراع به نشانه زاید بودن آن (گ ۶۲ر، ۹۱ر، ۱۱۴ر، ۲۶۹ر)؛ نوشتن کلمات «مکرر» و «الی» در ابتدا و انتهای بیتی که تکراری نوشته شده بود به خط کاتب اصلی نسخه (گ ۱۸۸ر)؛ و حروف «ز» و «الی» به نشانه اشتباه در تکرار کتابت یک بیت (گ ۱۵۰پ).

— جای کلمات یا اییاتی که بعداً در حاشیه صفحات نوشته شده‌اند در متن با علامت کوچکی شبیه عدد هفت  مشخص شده است (گ ۲۸ر، ۳۰ر، ۳۰پ، ۶۴پ، ۹۵ر، ۱۷۲ر، ۱۷۷ر). این علامت توسط مصححان بعدی هم استفاده شده است.

تا جایی که دقت کردم در یک مورد هم کاتب برای پرکردن فضای خالی انتهای مصراع از شکل  استفاده کرده است (گ ۲۷۵ر).

همچنین بعضی از اغلاط متن به صورت اصلاح حروف اشتباه با خطی نازک در متن (گ ۴۹پ، بیت ۵۱۲)، خط زدن نقطه‌های اشتباه در متن (۲۳۶پ، سطر آخر، کلمه نفس؛ ۲۳۷ر، سطر دوم و سوم از آخر، ۲۳۷پ، سطر ۱۱، کلمه عام)، تراشیدن حروف یا نقاط اشتباه (گ ۱۵۰پ تراشیدن نقطه‌های کلمه چشم که به جسم تبدیل شده است، ۱۸۶پ، سطر ۱۵، مصراع سوم) اصلاح شده‌اند. به درستی مشخص نیست این اصلاحات را کاتب انجام داده است یا شخصی دیگر.

به جز این دو یا سه قرن بعد از کتابت نسخه هم اصلاحات کمی در نسخه انجام شده است. کلمه «بلغ» در حاشیه بعضی از صفحات در این مرحله نوشته شده

است (گ ۲۵۰ ر، ۲۸۰ پ). در همین زمان بعضی ابیات الحاقی به مثنوی و نیز معنای کلمات دشوار در حاشیه صفحات نوشته شده است.

نسخه به جز مختصری افتادگی از آغاز نقص دیگری ندارد. این افتادگی مربوط به بین برگ اول و دوم است. مرحوم قزوینی هم متوجه این افتادگی شده و در حاشیه پایین برگ ۱ پ جایی که معمولاً کلمه رکابه را می نویسند با مداد نوشته: «قرب ده صفحه گویا افتاده است». شماره گذاری قدیم صفحات نیز نشان می دهد که مقدار افتادگی این بخش نسخه هشت صفحه است. طبق چاپ محمدعلی موحد این افتادگی شامل ابیات ۳۹-۳۲۱ دفتر اول است.

همچنین باید در نظر داشت که برگهای ۱۳۹-۱۴۷ (یعنی یک کراسه نسخه) نونویس است. این بخش برگ آخر دفتر سوم و برگهای آغازین دفتر چهارم را شامل می شود. به دلیل همین نونویس بودن است که تزئینات آغاز دفتر چهارم با دیگر بخشهای نسخه متفاوت و مربوط به دوره صفویه است. برگ آخر نسخه نیز نونویس است و به قرن دوازدهم تعلق دارد. آبخوردگی و آسیبهای ناشی از حشرات کمی به اوراق نسخه، مخصوصاً حواشی آن، آسیب رسانده است. حاشیه برگهای ۲۸۷-۲۹۰ هم وصالی و مرمت شده است.

نقطه ها در بالا و پایین با فاصله از حروف نوشته شده اند و این کار گاه موجب دیریابی یا اشتباه خوانی متن می شود. مخصوصاً که در موارد متعددی نقطه گذاری یک حرف در حریم حرف مجاورش انجام شده است. کاتب در موارد بسیاری همزه آخر کلمات را نیز به همین صورت و بالای حرف ماقبل آخر کلمه نوشته است مانند **موریلخامان** (گ ۱۰۹ ر). حتی کتابت همزه بالای حرف الف هم معمولاً به همین صورت است و همزه به جای آن که روی حرف الف نوشته شود، کمی قبل از آن جای گرفته است مانند **مأمود** (گ ۴۰ پ). کاتب در کلمات مختوم به «ی» در حالت اضافه، به جای کسره از همزه استفاده کرده است مانند **هشادنی نو**، **ایران دانی نو** (گ ۲۴ ر). دلیل استفاده از علامت همزه در آغاز بعضی از کلمات مشخص نیست مانند: **ایستد** (۱۱ ر)، **آدراک** (۱۱ ر، ۱۶ پ)، **آیوان** (۱۶ ر)، **أفراشته** (۲۴ پ). همچنین مشخص نیست

چرا کاتب در وسط بعضی کلمات علامت همزه وصل را نوشته است مانند: **کاتبی** (گ ۸) **نیکتیا** (گ ۱۹ پ).

کلمات به صورتی محدود در مواضعی که احتمال بدخوانی می‌رفت، حرکت‌گذاری شده‌اند.^۱ کاتب به ندرت علامت کسره را به صورت متداول و مرسوم نوشته است. او این علامت را بیشتر به شکل یک الف کوچک (الف مقصوره) یا به صورت خطی مورب که کجی آن به سمت راست و برعکس حالت متداول باشد، کشیده است.^۲

ادامه حرف «را» در حالتی که به حرف قبل از خودش چسبیده باشد، همیشه بیش از حد معمول به سمت پایین کشیده شده است. معمولاً سر حرف «الف» و سایر حروفی که کشیدگی دارند مانند «ک» و «ل» و «ط» و نظایر آنها کمی به سمت چپ

۱. بعضی از حرکت‌گذاریهای کاتب که می‌تواند جالب باشد، اینهاست: کوزک (برگ ۴۸ پ، ۴۹ ر، چند بار)، سوار (۴۴ ر، ۹۰ پ)، جُسته (گ ۸۳ ر).

۲. درباره این ویژگی رسم الخطی پژوهشی انجام نشده است تا مشخص شود در چه دوره‌ها و چه مناطقی حرکت کسره به این صورت نوشته می‌شد. نسخه‌هایی که در این جا ذکر می‌کنم، نه به قصد استقصا بلکه مواردی است که من حسب تصادف این ویژگی را در آنها دیده‌ام:

- نسخه‌ای بدون تاریخ از ذخیره خوارزمشاهی که در قرن ۶ و ۷ کتابت شده است (دانشکده ادبیات تهران، ش ۴۴۷ امام جمعه کرمان).

- نسخه جوامع الحکایات و لوامع الروایات محمد عوفی، مورخ دهه وسط ماه شعبان ۷۱۵ ق به خط حسام الفقیر المولوی، کتابخانه مرعشی، ش ۳۰۱۴، این نسخه پیشتر در کتابخانه محمد رمضان قرار داشت و او آن را به صورت عکسی منتشر کرد (تهران، چاپخانه خاور، ۱۳۳۵ ش). درباره این نسخه یک توضیح ضروری لازم است. در صفحه آغاز نسخه شمسه مزینی حاوی تقدیم نسخه به بدرالدین لؤلؤ حاکم موصل در سالهای ۶۱۵-۶۵۷ ق کشیده شده است («برسم مطالعه حضرت آسمان شکوه خداوندگار عالمیان، پشت و پناه اسلامیان، المؤید من السماء و المظفر علی الاعضاء، مقرّب الحضرة العلیا، بدر الدولة و الدین لولو مدّ الله ظلّه علینا»). اما باید در نظر داشت که این شمسه اصیل نیست و در قرن اخیر به نسخه افزوده شده است.

- مجموعه کتابت شده برای خزانه سلطان محمد فاتح عثمانی (حک. ۸۵۵-۸۸۶ ق) (اباصوفیا، ش ۲۰۳۶).

- نظم صور الکواکب، ابن صوفی، کتابت شده احتمالاً در قرن هفتم در منطقه شام (موزه رضا عباسی تهران، ش ۵۷۰).

متماایل است. این حرکت در حرف «م» به صورت برعکس است یعنی حرکت قلم از بالا به پایین به سمت راست متمایل شده است. البته نتیجه هر دو یکسان است و به این ترتیب کل متن به صورتی تقریباً هماهنگ به سمت چپ متمایل است. حروف «چ» و «پ» گاه با یک نقطه و گاه با سه نقطه نوشته شده‌اند. حرف «ژ» همه جا با سه نقطه نوشته شده است. کلمه کژدم به دو صورت کزدم (گ پ، ۵۰ پ دو بار، ۹۱ پ) و کژدم (گ ۸۸، ۱۴۸، ۱۹۰ پ) ضبط شده است.^۱ حرف «گ» همه جا بدون سرکش دوم و مثل حرف «ک» آمده است. گاهی در فضای خالی حرف «ک» در آخر کلمات علامت همزه کوچکی کشیده شده است مانند **بگ** (گ ۴۷). در اغلب جاها زیر حرف «ح» یک ح کوچک دیگر برای تمیز آن از سایر حروف مشابه کشیده شده است. در محدود مواردی هم زیر حرف «سین» سه نقطه گذاشته‌اند. کلماتی مانند تنهائی و خدائی و سمائی و نمائی و توئی و نایب، توأمان با همزه و دو نقطه حرف «ی» نوشته شده‌اند به صورت: **سینایی** و **خدایی** و **نایب** (مانند گ ۷، ۴۴، ۱۸۴، ۱۸۵). در افعال پیشوند «می» گاه پیوسته و گاه جدا نوشته شده است. «ها»ی جمع به کلمه قبل از خود چسبیده است. کاتب التزامی به متصل یا جدانویسی کلمات و افعال نداشته و هر جا به شکلی عمل کرده است.

ظاهراً کاتب یک بار هم کلمه‌ای را در عنوان شکسته و به صورت دوپاره نوشته است. فضایی که برای نوشتن یکی از عناوین آغازین دفتر اول مشخص شده، دو کتیبه در ستون اول و چهارم صفحه است که بین آنها هم ادامه ابیات مثنوی نوشته شده است. در نتیجه کاتب بخشی از عنوان را در کتیبه ابتدای سطر و ادامه آن را در کتیبه انتهای سطر نوشته است. اما او احتمالاً برای حفظ توازن کلمات دو لنگه کتیبه کلمه «حاذقان» را دوپاره کرده است: «فهم کردن حاذقا ن مکرکردن وزیر را» (گ ۴).

۱. در نسخه مورخ ۵۳۸ کتاب التفهیم ابوریحان بیرونی (کتابخانه مجلس، ش ۲۱۳۲) هم این کلمه به هر دو صورت ضبط شده است. یک نمونه جالب مربوط به برگ ۶۰ پ است که در آن با فاصله کمی این کلمه یک بار با سه نقطه و سه بار دیگر با یک نقطه به صورت کزدم نوشته شده است. درباره ضبط این کلمه رک: «گزدم، گژدم؟»، جلال متینی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، س ۴، ش ۱-۲، پیاپی ۱۳-۱۴، بهار و تابستان ۱۳۴۷ ش، ص ۱-۱۳.

کراسه‌های نسخه ۸ برگی است و اوراق رکابه دارد. برگ وسط هر کراسه دارای نشان صحاف به صورت خط کوچک سیاه رنگی است که در دو جای آن برگ کشیده شده است: گوشه سمت راست بالا و گوشه سمت چپ پایین آن. این نشانها مربوط به تجدید صحافی نسخه است. زیرا استفاده از آنها در زمان کتابت نسخه در ایران معمول نبود و نمونه‌ای مشابه از نسخه‌های آن دوره که صحافی اصیل داشته باشد، سراغ نداریم^۱. جلد موجود نسخه در دوره صفویه از جنس چرم ساغری مشکی رنگ تهیه شده است. دور تا دور جلد با جدولهای زرین تزئین شده است. چون اندکی از لبه‌های جلد، مخصوصاً در طبله اول، آسیب دیده، بعداً سجافی دور تا دور آن کشیده‌اند. درون نسخه از چرم میشن قهوه‌ای ساخته شده است. اندازه جلد $۱۶/۸ \times ۲۵/۶$ سانتیمتر است.

ضخامت نسخه حدود ۵ سانتیمتر است. این نسخه ۲۹۱ برگ و هر صفحه آن ۲۵ سطر دارد و اندازه سطح مکتوب هر صفحه حدود $۱۷/۵ \times ۱۰/۵$ است.

این نسخه به عنوان یکی از نسخه‌های خطی پرونده آثار مولانا در سال ۲۰۲۳ م در برنامه حافظه جهانی یونسکو به ثبت رسیده است.

۵۳۴

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

۱. درباره این علامت رک: دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی، ص ۱۲۱-۱۲۳.

منابع

- آداب الحرب والشجاعة، محمد بن منصور بن سعید ملقب به مبارکشاه معروف به فخر مدبر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۴۶.
- احوال و آثار خوشنویسان، مهدی بیانی، تهران، علمی، ۱۳۶۳.
- اسنادی از تاراج کتابخانه سلطنتی ۱۲۸۸-۱۳۱۵ ش، فاطمه قاضیها، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰.
- اشراق و عرفان، نصرالله پورجوادی، تهران، سخن، ۱۳۹۲، ویرایش دوم.
- این دفتر بی معنی: یادگارنمای فرهنگی از ایرج افشار، به کوشش بهرام، کوشیار و آرش افشار، تهران، سخن، ۱۴۰۲.
- باغ سبز: گفتارهایی درباره شمس و مولانا، محمدعلی موحد، تهران، کارنامه، ۱۳۸۷.
- بحث در آثار و افکار و احوال حافظ، قاسم غنی، تهران، زوار، ۱۳۷۴.
- پنجاه سال با دکتر مهدی بیانی ۱۳۴۶-۱۳۹۶، حمیدرضا قلیچ خانی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۶.
- «پیرامون نسخه معجول و مصور دیوان امیرمعزی در دانشگاه هاروارد»، مجتبی مجرد، گزارش میراث، س ۶، ش ۵۴-۵۵، آذر- اسفند ۱۳۹۱ ش، ص ۸۷-۹۱.
- تاریخ چاپ و نشر کتاب فارسی از برآمدن تا انقلاب، فرید مرادی، تهران، خانه کتاب، ۱۳۹۴.
- تذکره الاولیاء، عطار نیشابوری، تصحیح: محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، سخن، ۱۳۹۷.
- «تقریرات درس مثنوی معنوی»، محمدعلی موحد، مطالعات آسیای صغیر (ویژه نامه فرهنگستان)، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹-۲۲.
- «جایگاه قانون عتیقات و حفریات تجاری در باستان شناسی ایران»، مهتاب غلام دوست، در مجموعه مقالات هشتاد سال باستان شناسی ایران، به کوشش یوسف حسن زاده و سیما میری، تهران، نشر پازینه، ۱۳۹۱ ش، ج ۱، ص ۱۱-۴۷.
- جلوه های هنر پارسی: نسخه های نفیس ایرانی قرن ۶ تا ۱۱ هجری قمری موجود در کتابخانه ملی فرانسه، فرانسیس ریشار، مترجم ع. روح بخشان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۳.
- «جمع آوری نسخه های خطی»، عباس اقبال، یادگار، س ۳، ش ۲، مهر ۱۳۲۵ ش، ص ۱-۸.

حدیث عشق: دکتر اصغر مهدوی از او و با او، به کوشش: نادر مطلبی کاشانی و سید محمد حسین مرعشی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.

حدیقة الشیعة، مقدس اردبیلی، تصحیح صادق حسن زاده، با همکاری علی اکبر زمانی نژاد، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۷۸ ش.

خاطرات محمد علی فروغی: به همراه یادداشت‌های روزانه از سالهای ۱۲۹۳ تا ۱۳۲۰، به خواستاری ایرج افشار، به کوشش محمد افشین وفایی و پژمان فیروزبخش، تهران، سخن، ۱۳۹۶.

خاطرات مهاجرت: از دولت موقت کرمانشاه تا کمیته ملیون برلن، عبدالحسین شیبانی وحیدالملک، به کوشش: ایرج افشار و کاوه بیات، تهران، شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۶.

«خروج نسخه‌های خطی از ایران»، ولادیمیر ایوانف، ترجمه هاشم بناءپور، نامه بهارستان، س ۸-۹، دفتر ۱۳-۱۴، پاییز ۱۳۸۷.

خوشنویسی اسلامی، شیلا بلر، مترجم: ولی الله کاووسی، تهران، فرهنگستان هنر مؤسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن، ۱۳۹۶ ش.

دستنامه نسخه‌شناسی نسخه‌های به خط عربی، فرانسوا دروش، ترجمه سید محمدحسین مرعشی، تهران، سمت، ۱۳۹۵ ش.

«در حاشیه: جلوه‌های هنر پارسی»، فرانسیس ریشار، نامه بهارستان، ش ۹-۱۰، بهار و زمستان ۱۳۸۳.

«درباره مقام سلخات»، علی نویدی ملاطی، نامه بهارستان، س ۱۱، ش ۱۷، ۱۳۸۹، ص ۲۶۱-۲۶۲.

ذیل جامع التواریخ رشیدی، شهاب‌الدین عبدالله بن لطف‌الله بن عبدالرشید الخوافی المدعو بحافظ ابرو، مقدمه و تصحیح و تعلیقات: خانبابا بیانی، تهران، نشر علمی، ۱۳۱۷ ش.

رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد مشهور بمولوی، بدیع‌الزمان فروزان‌فر، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۱۵.

سرّی: نقد و شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی، عبدالحسین زرین‌کوب، تهران، علمی، ۱۳۶۴ ش.

سفینه شمس حاجی: تدوین و کتابت ۷۴۱ هجری قمری، مقدمه تصحیح و تحقیق: میلاد عظیمی، تهران، سخن، ۱۳۹۰.

شاهنامه از دستنویس تا متن: جستارهایی در معرفی و ارزیابی دستنویسهای شاهنامه و روش تصحیح انتقادی متون، جلال خالقی مطلق، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۰.

فرهنگ نصیری: ترکی جغتایی، رومی، قزلباش، روسی و قلماتی به فارسی، محمدرضا و عبدالجلیل نصیری (منشیان دارالانشاء شاه سلیمان صفوی)، به کوشش: حسن جوادی و ویلم فلور، با همکاری: مصطفی کاجالین، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۳.

فهرست دستنویسهای فارسی کتابخانه ایاصوفیا (استانبول)، سید محمدتقی حسینی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.

فهرست دست نویس های فارسی کتابخانه نافذ پاشا، سید محمدتقی حسینی، تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۵.

«فهرست ردیفی نسخه های خطی کتابخانه مجتبی مینوی»، ایرج افشار، در میراث اسلامی ایران، ج ۶، قم، کتابخانه آیه الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۶.

فهرست کتابخانه سپهسالار، محمدتقی دانش پژوه و علینقی منزوی، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۲۵۳۶ شاهنشاهی / ۱۹۷۷ م.

فهرست کتابخانه محمد قزوینی، محمد قزوینی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، نسخه خطی ش ۵۴۷۴.

«فهرست کتابخانه محمود فرهاد معتمد»، محمدتقی دانش پژوه و غلامرضا فرزانه پور، در نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران درباره نسخه های خطی، ج ۳، ۱۳۴۲.

فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۷، احمد گلچین معانی، مشهد، انتشارات اداره کتابخانه، ۱۳۴۶.

فهرست میکروفیلم های کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲، محمدتقی دانش پژوه، تهران، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.

فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی ایران، ج ۵، سید عبدالله انوار، تهران، کتابخانه ملی ایران، ۱۳۶۵.

فهرست نسخه های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه ئی، ۱۳۵۱.

«فهرست نسخه های خطی کتابخانه آقای مجتبی مینوی»، محمدتقی دانش پژوه، در نسخه های خطی: نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۶، ۱۳۴۸.

فهرست نسخه های خطی کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، سید محمود مرعشی نجفی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ج ۳۲، ۱۳۸۳ ش، ج ۳۳، ۱۳۸۴ ش، ج ۳۷، ۱۳۸۷ ش.

- «فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه خصوصی دکتر اصغر مهدوی»، محمدتقی دانش‌پژوه، در نسخه‌های خطی، نشریه کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ج ۲، ۱۳۴۱.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۱۷، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران، ج ۲۱، پریسا کرم‌رضایی، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۴.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه میرزا محمد کاظمینی (یزد-ایران)، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۳ ش.
- فهرست نسخه‌های عکسی مرکز احیاء میراث اسلامی، ج ۷، سید جعفر حسینی اشکوری، قم، مجمع ذخائر اسلامی، ۱۳۸۷.
- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، محمدتقی دانش‌پژوه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۹ ش.
- فهرست‌واره کتابخانه مینوی و کتابخانه مرکزی پژوهشگاه (خطی، عکسی، میکروفیلم، یادداشتها)، محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۴.
- فهرست‌واره کتابهای فارسی، احمد منزوی، به کوشش: صادق سجادی، تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۹۴ ش، ج ۱۲.
- کارتن ۲۰ دوسیه ۵: بخشی از اسناد سرقت از کتابخانه سلطنتی و علی کتابدارباشی (لسان‌الدوله)، زهرا شریف‌کاظمی، تهران، ندای تاریخ، ۱۳۹۹ ش.
- کتاب ایرانی: چهار مقاله در مباحث متن‌پژوهی نسخه‌شناسی و کتاب‌آرایی، فرانسیس ریشار، ترجمه ع. روحبخشان، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۵.
- «کتابخانه دانشکده»، مریم امینی، تاریخ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، به کوشش: حسن حضرتی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۴۰۰.
- «کلیات غزلیات شمس تبریزی (مورخ ۶۵۴؟ ق)»، احمد مجاهد، نامه بهارستان، س ۶، ش ۱۱-۱۲، تابستان - زمستان ۱۳۸۴-۱۳۸۵، ص ۴۹۸-۵۰۰.
- کوی طریقت: حالات و کلمات و تحقیقات شیخ صفی‌الدین اردبیلی، صمد موحد، تهران، کارنامه، ۱۴۰۱.

«گذدم، گذدم؟»، جلال متینی، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه مشهد، س ۴، ش ۱-۲، پیاپی ۱۳-۱۴، بهار و تابستان ۱۳۴۷ ش، ص ۱-۱۳.

«لزوم اهتمام در چاپ کردن کتب مولانا بطریق صحیح انتقادی»، مجتبی مینوی، راهنمای کتاب، س ۱۷، ش ۱۰-۱۲، دی - اسفند ۱۳۵۳ ش، ص ۶۸۱-۶۹۲.

مثنوی معنوی دفتر چهارم: چاپ عکسی نسخه خطی شماره ۲۹۴۲ مرکز احیاء میراث اسلامی کتابت ۷۰۱ ق، به کوشش محمد افشین وفايي و پژمان فیروزبخش، تهران، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۲.

مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی، با حواشی و تعلیقات و توضیحات جلال الدین همائی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۶.

مثنوی معنوی، جلال الدین محمد بلخی، به تصحیح و مقدمه: محمد علی موحد، تهران، انتشارات هرمس و فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۹۶.

مثنوی معنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، تصحیح: رینولد ا. نیکلسون و مقابله مجدد با نسخه قونیه، تصحیح مجدد و ترجمه: حسن لاهوتی، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۹۳ ش.

مثنوی، مولانا جلال الدین محمد بلخی، مقدمه و تحلیل و تصحیح و توضیح و فهرستها از محمد استعلامی، تهران، سخن، ۱۳۷۹.

مسائل پارسیه: یادداشتهای علامه محمد قزوینی، به کوشش ایرج افشار و علی محمد هنر، ج ۱، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵.

مناقب العارفين، شمس الدین احمد الافلاکی العارفي، تصحیح: تحسین یازيجی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲ ش.

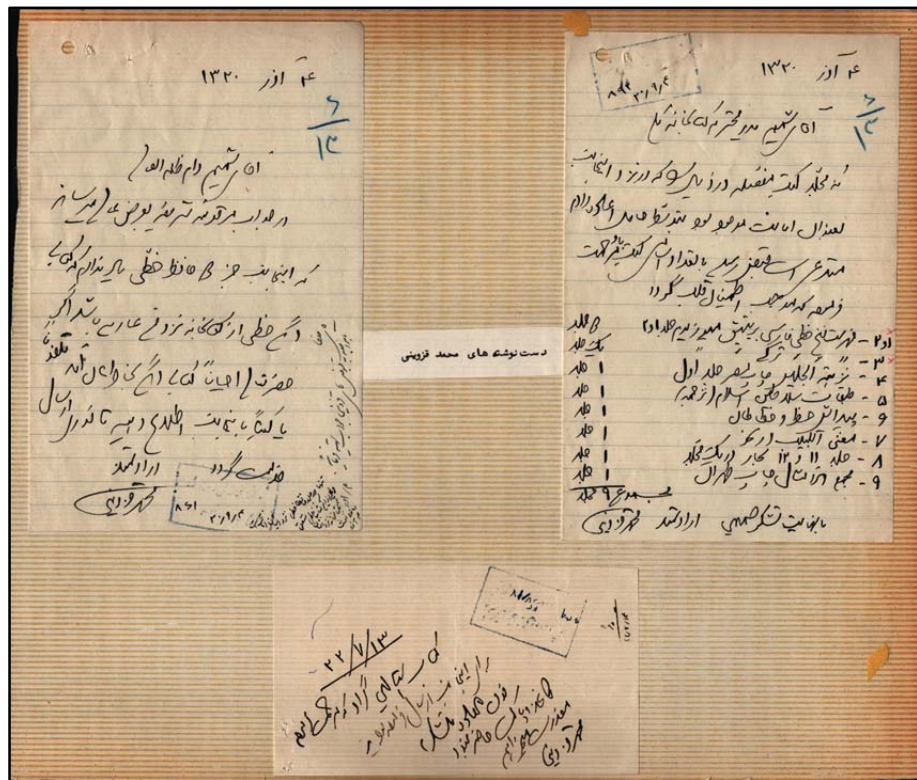
مولانا جلال الدین: زندگانی، فلسفه، آثار و گزیده‌ای از آنها، عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه و توضیحات: توفیق سبحانی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۵.

نامه‌های قزوینی به تقی زاده ۱۹۱۲-۱۹۳۹، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۳.

نامه‌های محمد قزوینی به محمد علی فروغی و عباس اقبال آشتیانی، به کوشش ایرج افشار و نادر مطلبی کاشانی، تهران، طهوری، ۱۳۹۴.

نثر و شرح مثنوی شریف، عبدالباقی گولپینارلی، ترجمه و توضیح توفیق ه سبحانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۴.

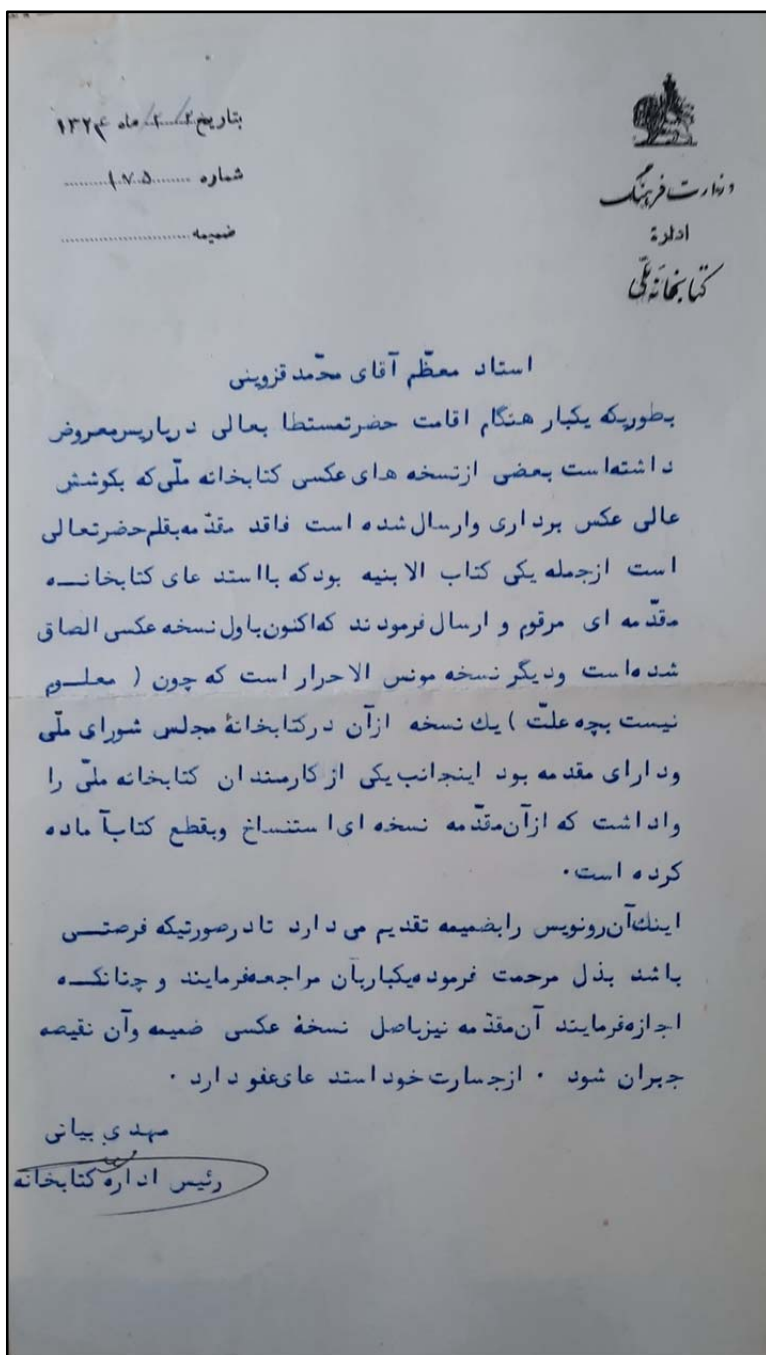
- «نسخه انیس الناس»، مهدی بیانی، راهنمای کتاب، شهریور ۱۳۳۹، س ۳، ش ۳، ص ۴۳۳-۴۳۴.
- نسخه‌های خطی حافظ (سده نهم)، سلیم نیساری، شیراز، مرکز حافظ‌شناسی، ۱۳۸۰.
- نقد حال، مجتبی مینوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۷.
- وزیران علوم و معارف و فرهنگ ایران، اقبال یغمائی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- «وفیات معاصرین: علامه مرحوم محمد قزوینی»، عباس اقبال، یادگار، س ۵، ش ۱۰، خرداد ۱۳۲۸، ص ۴۴-۵۴.
- یادداشتهای دکتر قاسم غنی، به کوشش سیروس غنی، تهران، زوار، ۱۳۶۷.
- یادداشتهای قزوینی، به کوشش ایرج افشار، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳.
- «یادداشتی درباره مقدمه بر تصحیح جدید مثنوی»، محمد افشین وفایی و پژمان فیروزبخش، مطالعات آسیای صغیر، ش ۳، بهار و تابستان ۱۳۹۶.
- یادگار عمر: خاطراتی از سرگذشت، عیسی صدیق، تهران، کتابفروشی دهخدا، ۱۳۵۳، ج ۳.
- یادنامه دکتر خسرو بهرون، محمدرضا بهزادی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۶.
- “An Illuminated Mathnawi al-Ma’navi of Jalaladdin al-Rumi Kept in the National Archive of the Turkish Republic of Northern Cyprus”, Banu Mahir & Netice Yildiz, *14th International Congress of Turkish Art (ICTA) Paris*, College de France, 19th-21st September 2011, Paris: College de France, 2013, pp. 475-481.
- Die Wunder der Schöpfung: Handschriften der Bayerischen Staatsbibliothek aus dem islamischen Kulturkreis / The Wonders of Creation: Manuscripts of the Bavarian State Library From the Islamic World* (2010). [Ausstellung 16. September bis 5. Dezember 2010], ed. Helga Rebhan, Wiesbaden: Harrassowitz.
- Qur’āns of the Mamlūks*, David James, London, Alexandria Press in assoc. with Thames and Hudson, 1988.
- “The 1373 Maṣnavī of Tāj Al-Dīn Shaykh Ḥusayn Bey”, Cailah Jackson, *Journal of the Royal Asiatic Society* 31, no. 2 (2021): 195-217.
- Nouvelles des Manuscrits du Moyen-Orient*, 8/2 (1999).



۵۴۱

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱. رسیدهای امانت کتاب از کتابخانه ملی ایران به خط محمد قزوینی، ۴ آذر ۱۳۲۰ و ۱۳ مهر ۱۳۲۲ ش، آرشیو ملی ایران، سند ش ۲۳۲/۳۵۰۹.

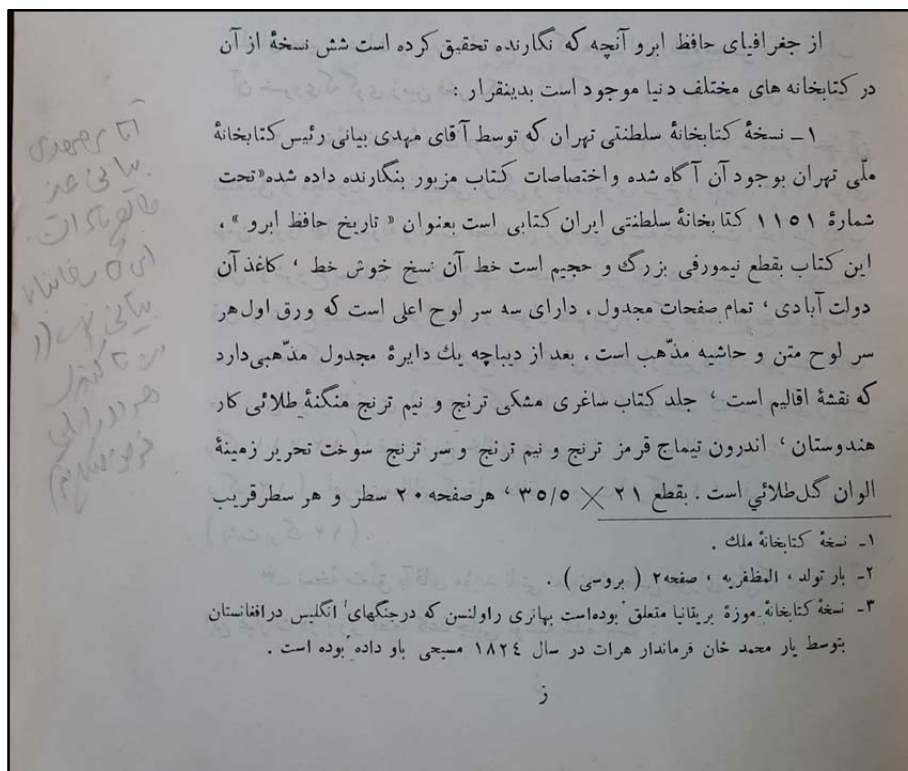


۵۴۲

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳



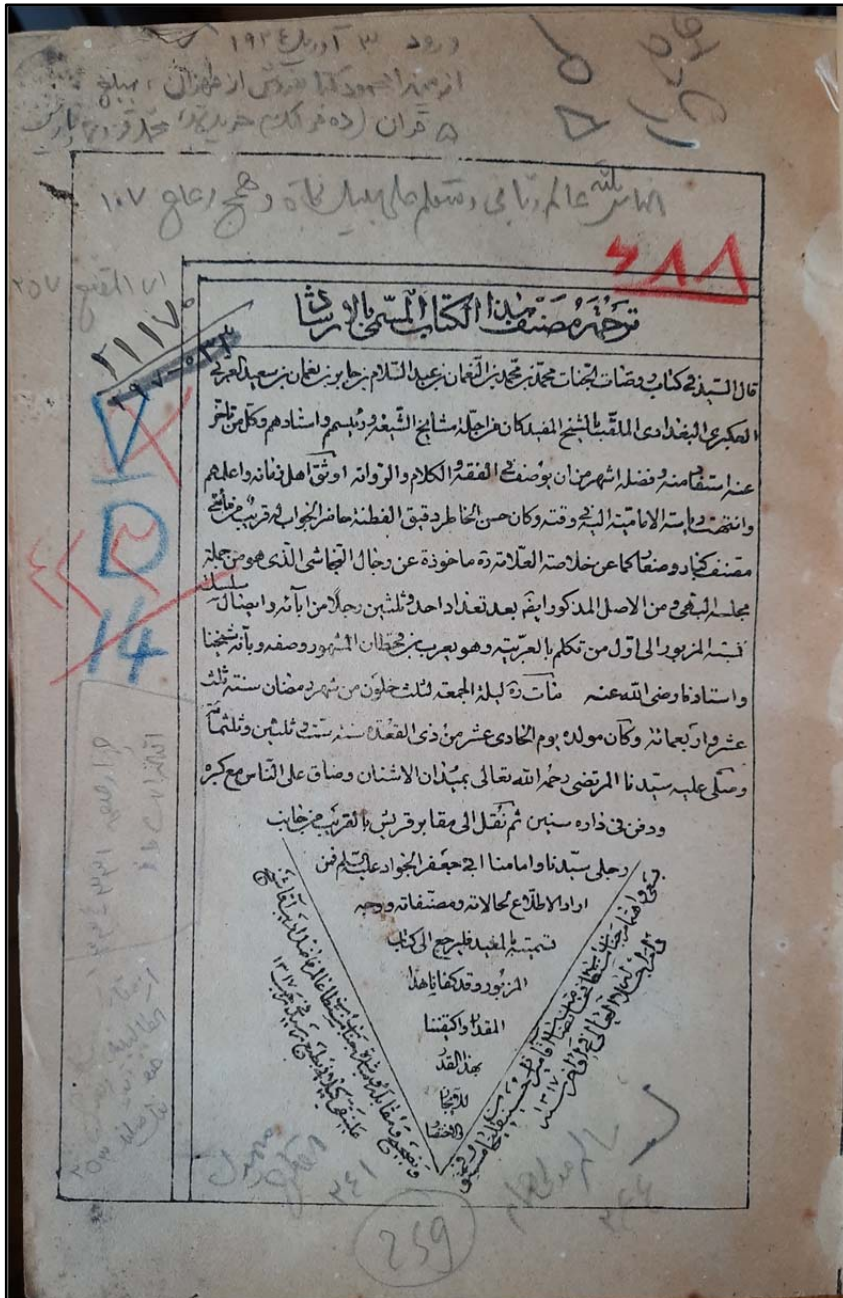
۵۴۳

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

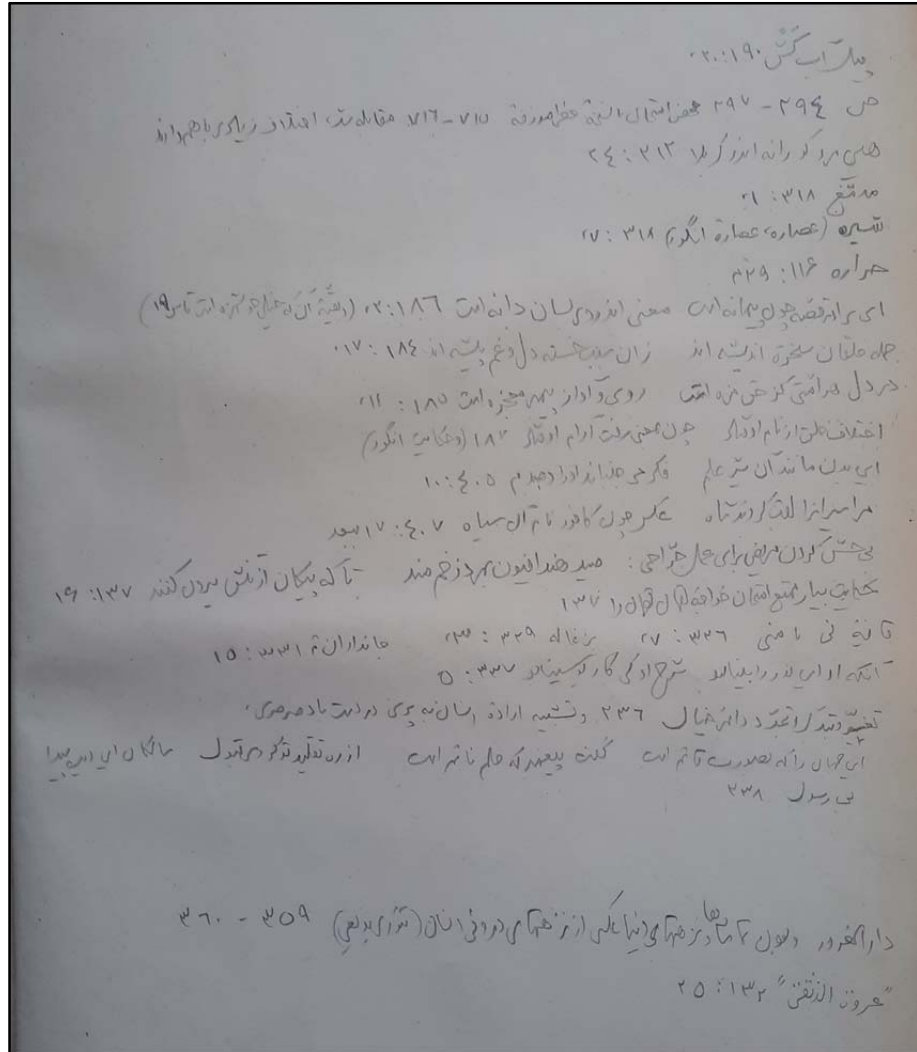
تصویر ۳. یادداشت قزوینی درباره مهدی بیانی در حاشیه کتاب ذیل جامع التواریخ حافظ ابرو (چاپ ۱۳۱۷ش)، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.



۵۴۴

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۴. یادداشت خریداری کتاب الارشاد شیخ مفید (چاپ ۱۳۱۷ق) از میرزا محمود کتابفروش از تهران در ۳ آوریل ۱۹۲۴م به قیمت پنج قران (ده فرانک) به خط قزوینی، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.



۵۴۵

آینه پژوهش | ۲۵۵
 سال ۳۵ | شماره ۱
 فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۵. یادداشت قزوینی در برگ آغاز مثنوی (چاپ علاءالدوله، تهران، ۱۲۹۹ق) درباره مقابله بخشهایی از آن با نسخه مورخ ۷۱۶-۷۱۵ق خودش، کتابخانه دانشکده ادبیات دانشگاه تهران.

المجلد الثالث

۲۱۴

عز کائنات برین دوغین بود	بند کرده و آنکه در بندیش	په شباهه ادمه بالاکند	چون کلا لوشد کرانها کند
آنکه عشق میز در درد	بویخنده و میانی درین کوی	لیک کوشد کوشد کوشد	لیک کوشد کوشد کوشد
جواب مرد عاشق غازی از وضیف کند کانا			
کدامی صخره را چیدید	بند کرده و آنکه در بندیش	سخن شد شد من از بند	عشق باشتانند و اندیش
آنکه عشق میز در درد	بویخنده و میانی درین کوی	قوی که نهیم آنکه نر کوی	تشنه نام خون خورشید تن
عاشق غازی از غریب	مرد عشق از خود یکدیگر	ادب صد جان در داند	طرح صد یونک هم در داند
هر کجا ایستاده تنها	از بی جوان عشق امثالها	کبریز خون آن در دشت	پای کوی بان جهان پر از شام بود
آن دردم مرده من زنده گشت	چون هم ازین ندر با گشت	افلاک و انفلوکی با شامان	از عشق قتل گشته تا قیامت
باز کسی که از عشق	عشق با خود دستان با کرد	بوی آن در کجور از پیش	ازین با همه جمله جان شیو
در کبر درین آمد و خصا	کوش شو و الله اعلم بالحق	چون که عاشق تو به کرد	کوی تار از کبر در کرد
کجه آن عاشق بخار مرید	زید در مرغی با ستار مرغ	عاشقان زنده و نه چو تن	دخود در صفتشان زنی
نمانده نعره تکلیفشان	مرد ناعز و نغز بارش	در سنان آنوی صبح و لوله	ز یاد از اندام با صلبه
سلسله این قوم جفته کلا	سلسله در دستان او	مشله کسر بس کوی	کوی کوی که خود در کینها
که مطلع و ما را مرید	در بین ز کجا را مرید	ز کجا در هر صفتی	ز آنکه در هر صفتی
دیگوار در دهنها با لغ	چون بخاری و نه هر دو کار	آن بخاری غصه دانند	چشم بخوردش به پیش
هر که در دهنها با لغ	نوز داشته بخوریم سکه	بها جان چو شده کاشه	باشد تر از بار افتر ناله
در دهن از پیغمبران	زیر موج بیایم بر دماغ	ز آنکه در راهی مستند	ولنجان از راهی دانند
باز در موج پیشان جوان	باز در موج پیشان جوان	کرم صد جهان شد تا اول	کرم صد جهان شد تا اول
رُفَنها کز آن عاشق بسوی بخار			
دونها آن عاشق با لغ	دلبران وی بخار کوی	ریک آمیخته با چو نیر	لبخون پیش او چو نیر
آن با پیشان کوی	بوق داد از نده ایچو کلا	در همه فدا نشد انا لبش	انبار از این دانه مایش
انچو عقل از بود	لیک اندر عقل از بود	بد معجز از انچه لاله	ساز معجز در دین مایش
چون حواس آن بخار را بدید	در سواد غم با خود بود	ساختی از ناد بیرون در داز	عقل او پرید در دستان
بر سر و در کلا بدید	از کلا عشق او غافل بود	او کستان از ناز دیده بود	غارت عشقش خود بر بود

مثنوی معنوی

کتابخانه علامه محمد قزوینی

تصویر ۶

۲۱۴

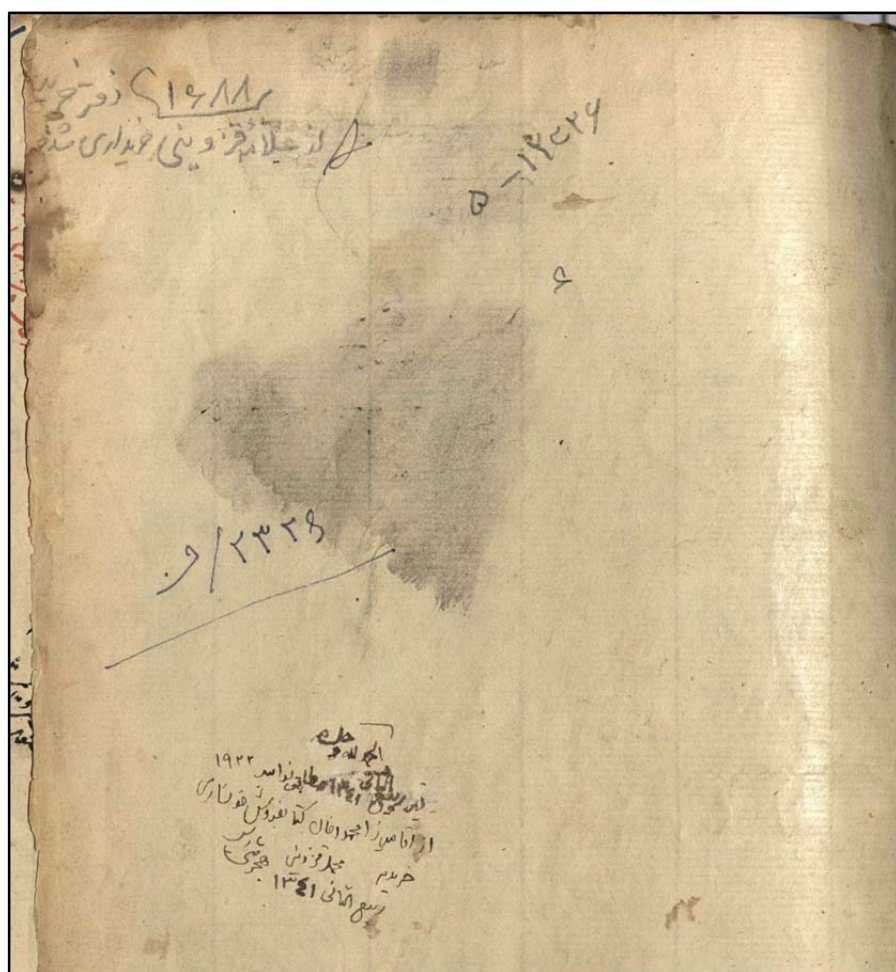
۵۴۶

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۶. همان کتاب، ص ۲۹۴. یادداشتهای مقابله بخشی از دفتر سوم با نسخه به خط قزوینی.



۵۴۷

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۷. مثنوی، کتابخانه ملی ایران، ش ۱۲۳۲۶، برگ الحاقی آغاز، یادداشت خرید نسخه در ربیع الثاني ۱۳۴۱ ق / نوامبر ۱۹۲۲ م از میرزا محمود کتابفروش خونساری به خط قزوینی.



۵۴۸

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۸. همان نسخه، گ ۱ر، صفحه تمام تذهیب آغاز نسخه (متعلق به زمان کتابت) شامل بخشی از مقدمه دفتر اول، بالای صفحه یادداشت مهدی بیانی درباره خرید نسخه از قزوینی برای کتابخانه ملی ایران.



۵۴۹

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

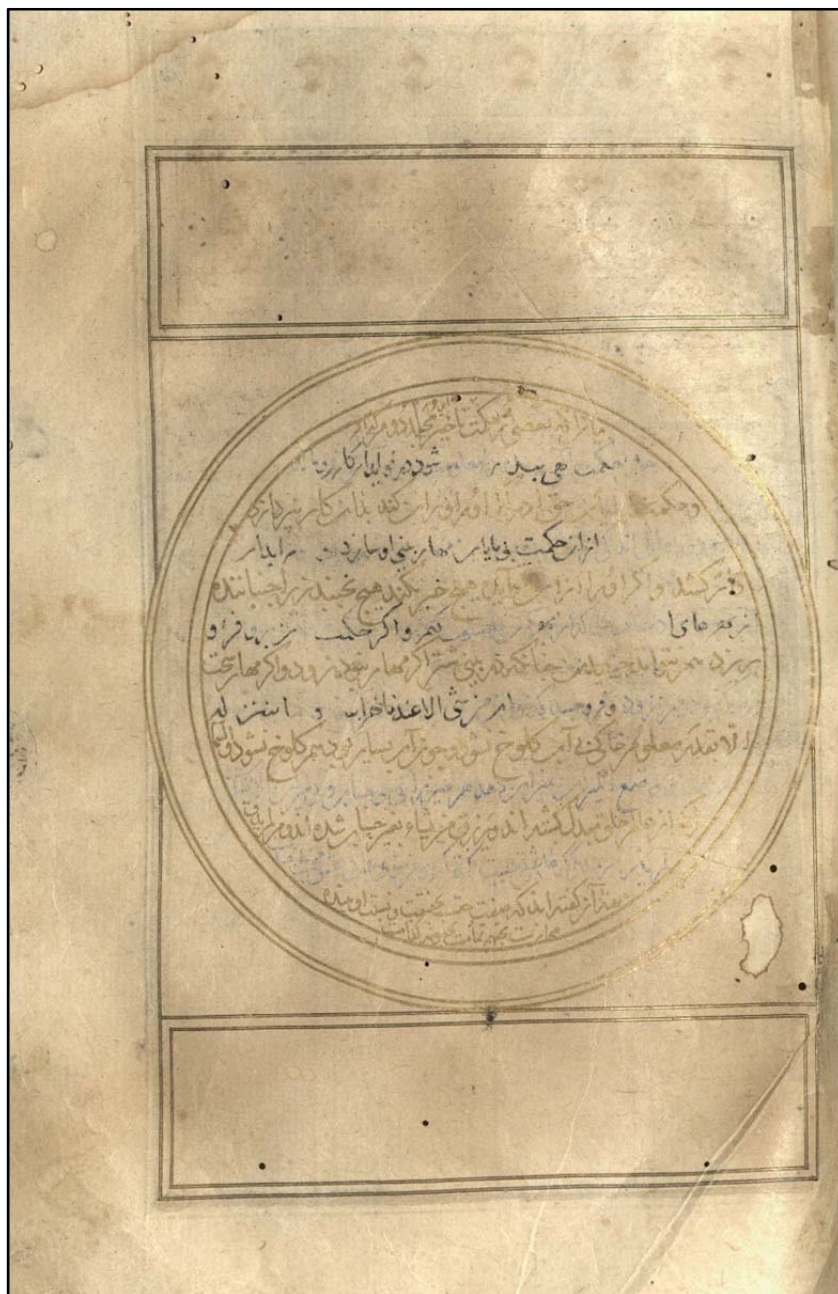
تصویر ۹. همان نسخه، گ ۱پ، صفحه آغاز دفتر اول، در حاشیه مهر مراجعه و تفتیش نسخه در وزارت معارف و اجازه خروج آن از ایران در ۱۳۴۰ق.



۵۵۰

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱۰. همان نسخه، گ ۴۲، انجامه پایان دفتر اول، ۷۱۵ ق.



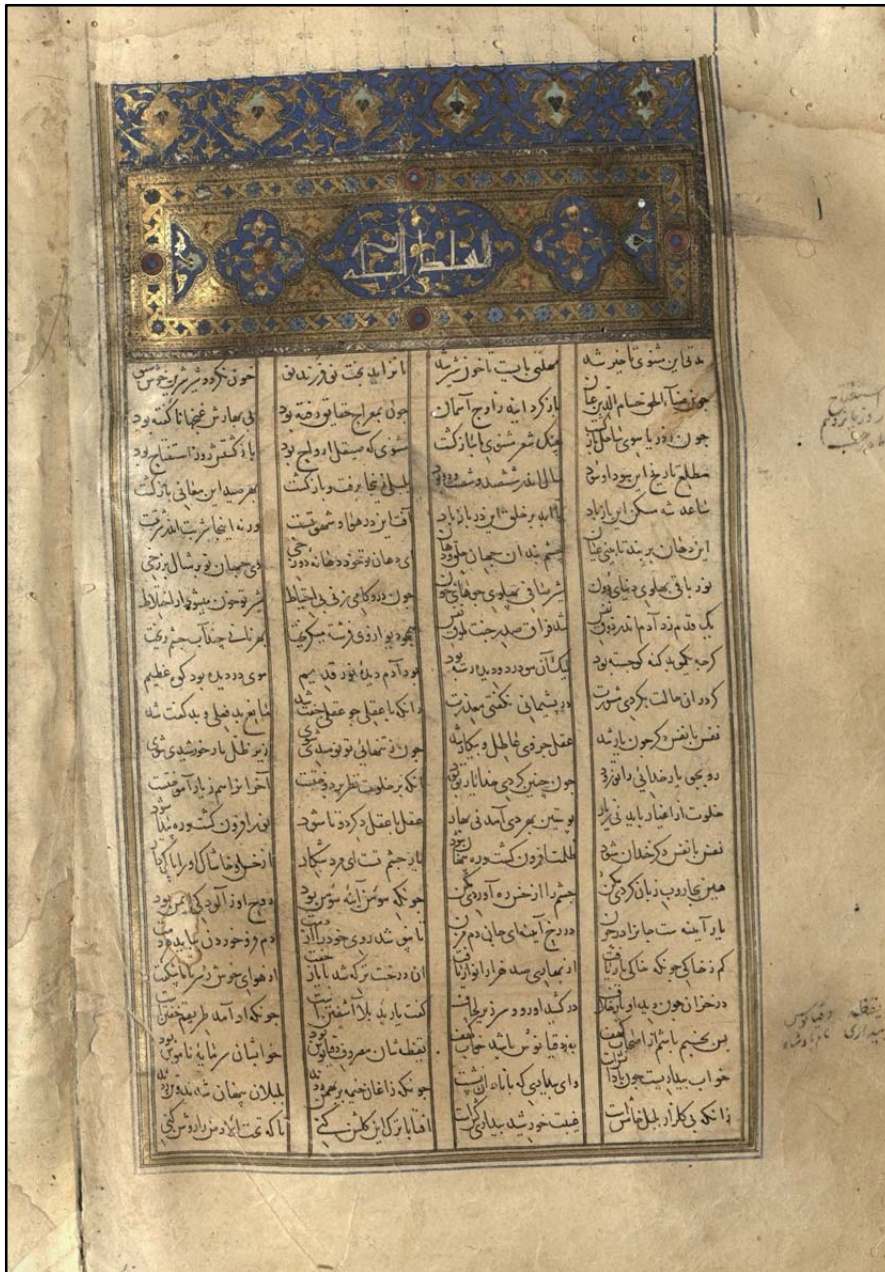
۵۵۱

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱۱. همان نسخه، گ ۴۳، مقدمه دفتر دوم که تزئینات آن ناقم باقیمانده است.

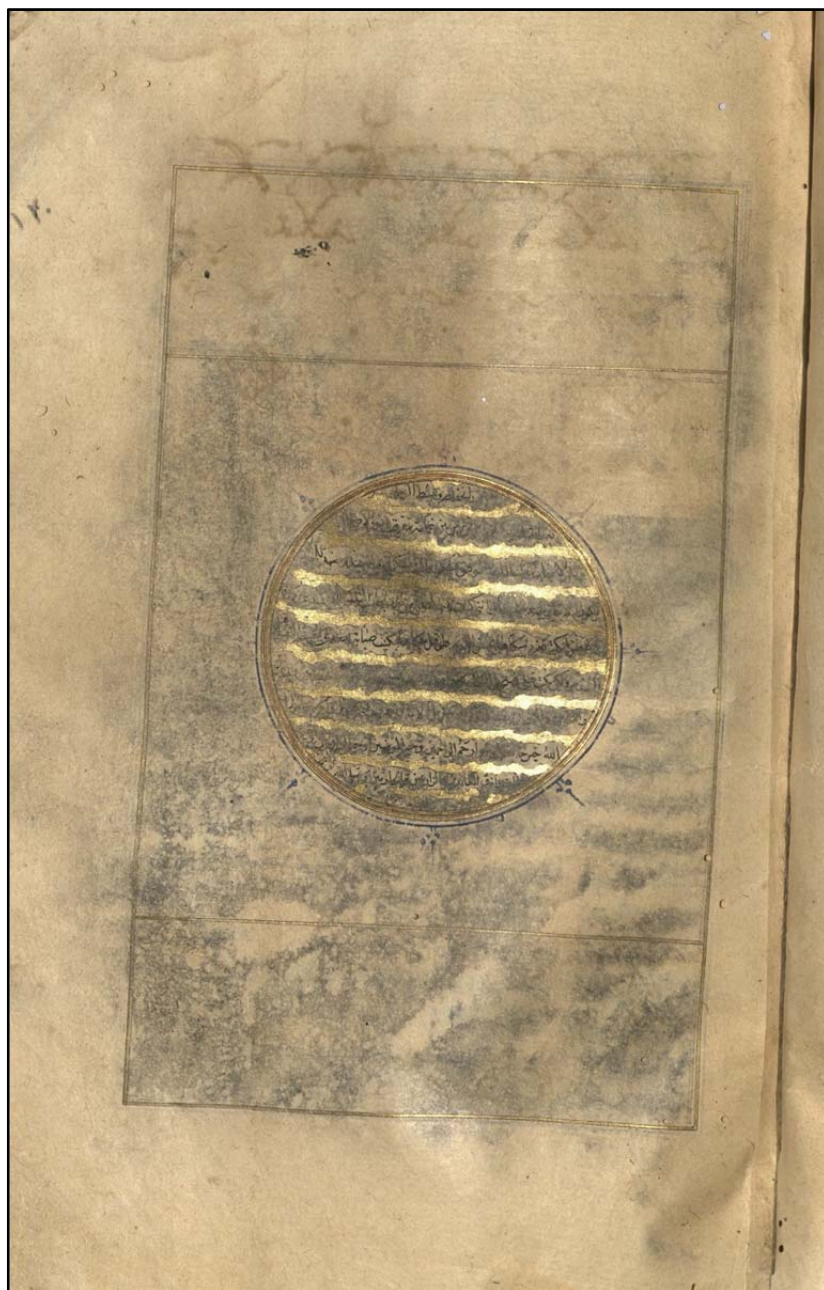


۵۵۲

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱۲. همان نسخه، گ ۴۳، آغاز دفتر دوم.



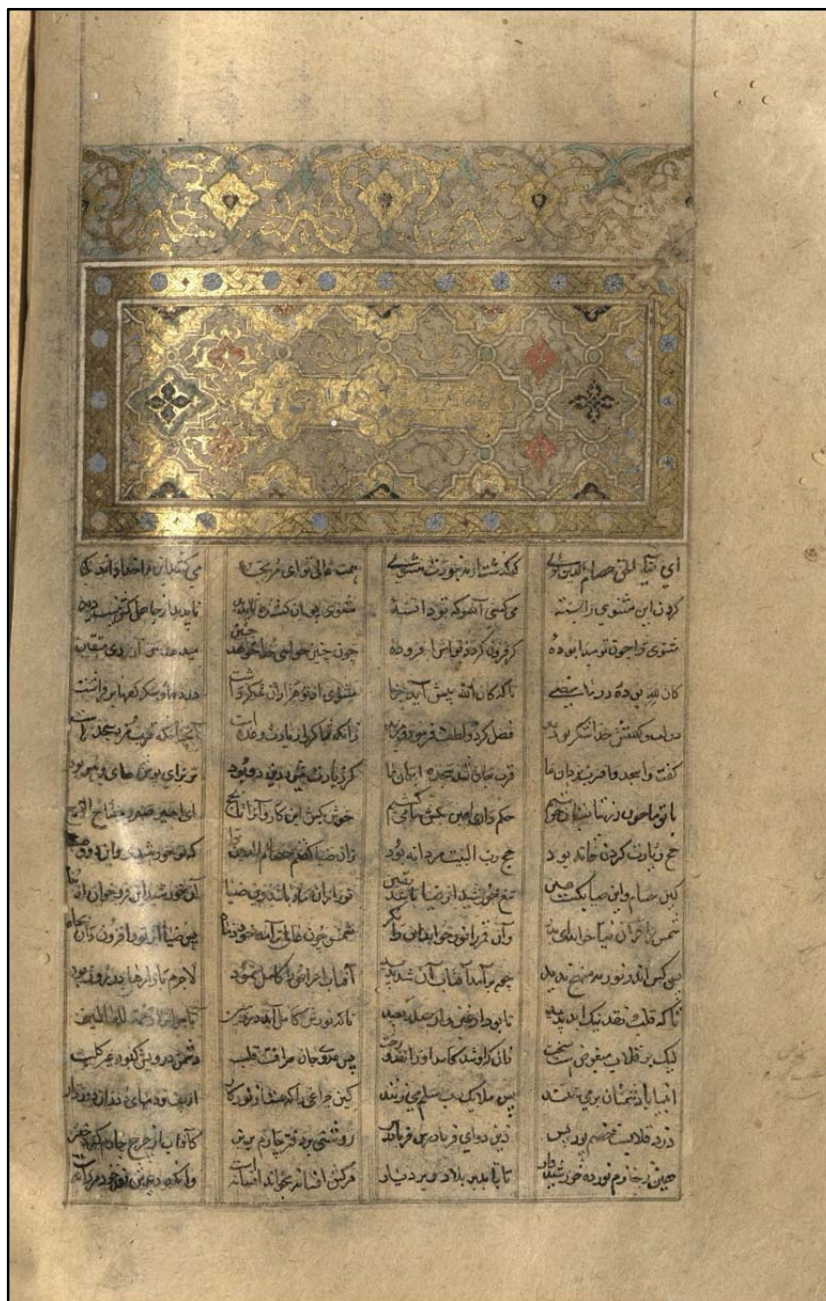


۵۵۴

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳



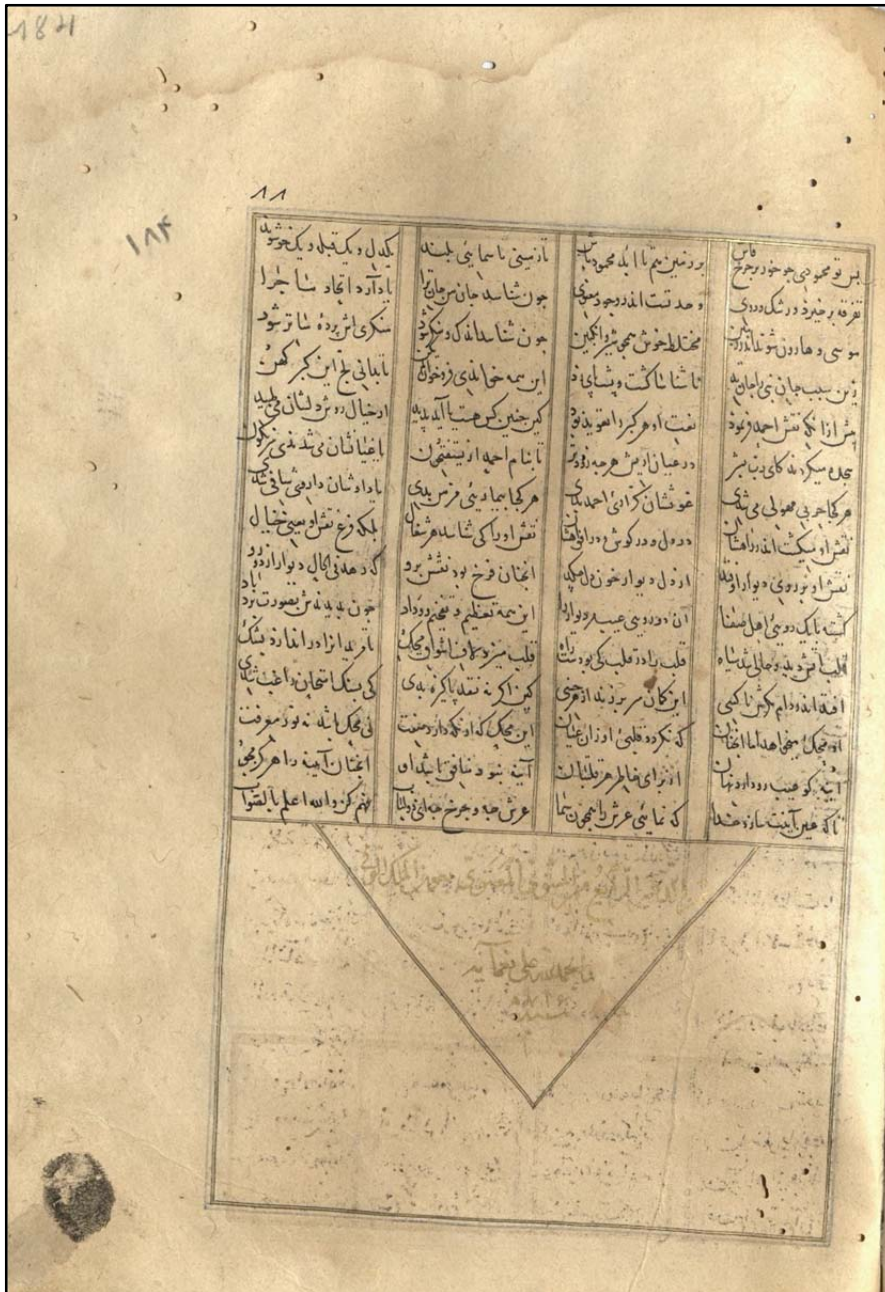
۵۵۵

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱۵. همان نسخه، گ ۱۴۰ پ، آغاز دفتر چهارم، تزئینات و کتابت از قرن یازدهم.



۵۵۶

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱۶. همان نسخه، گ ۱۸۴، انجمنه پایان دفتر چهارم، ۷۱۶ ق.

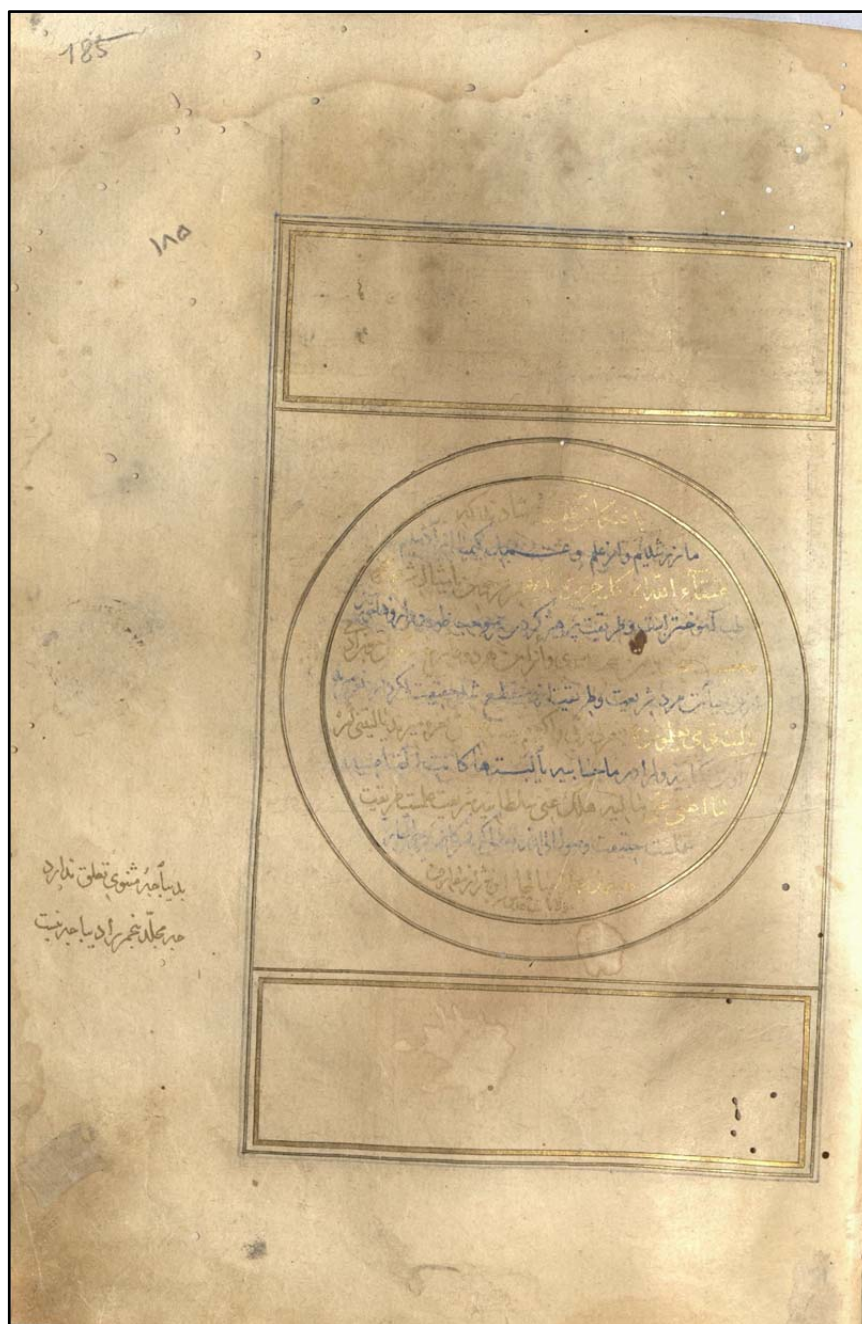


۵۵۷

آینه پژوهش | ۲۵۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

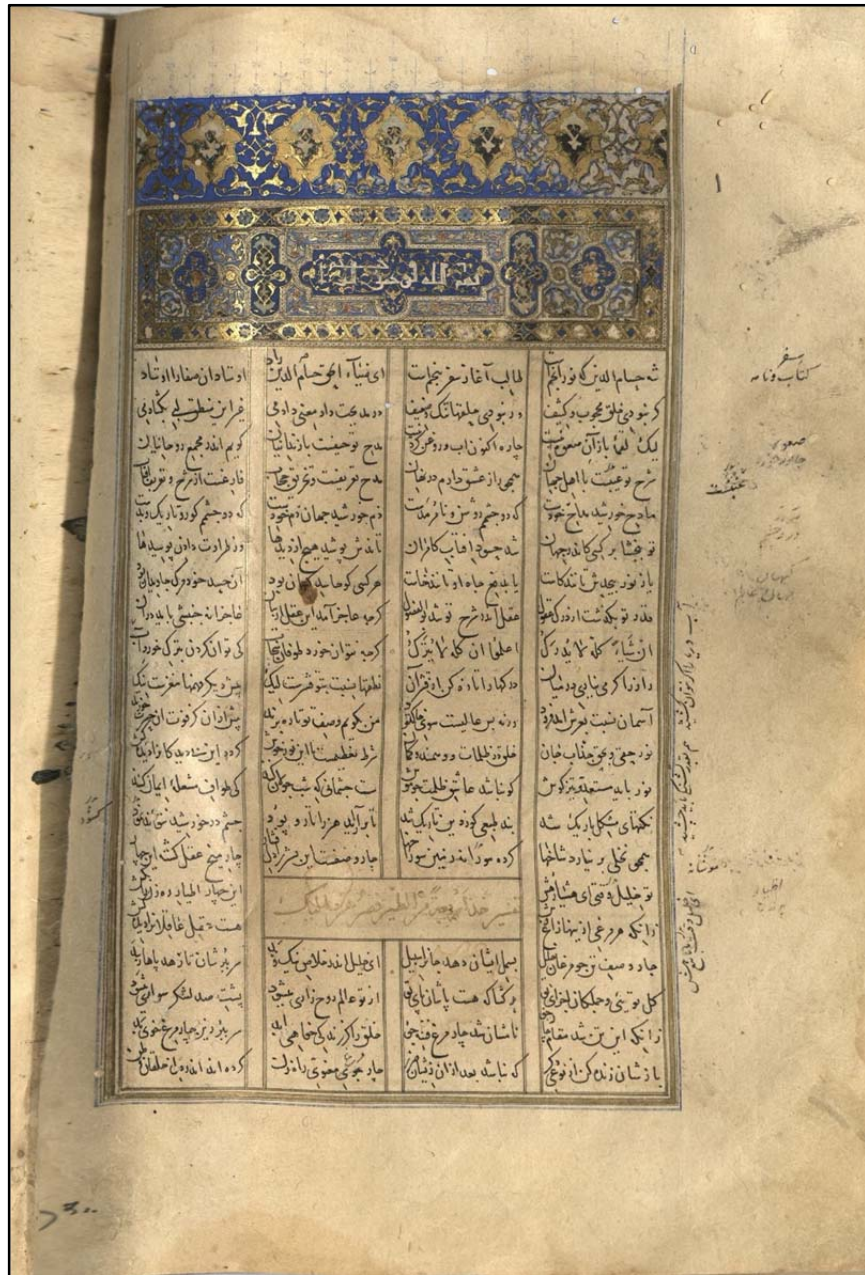


۵۵۸

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

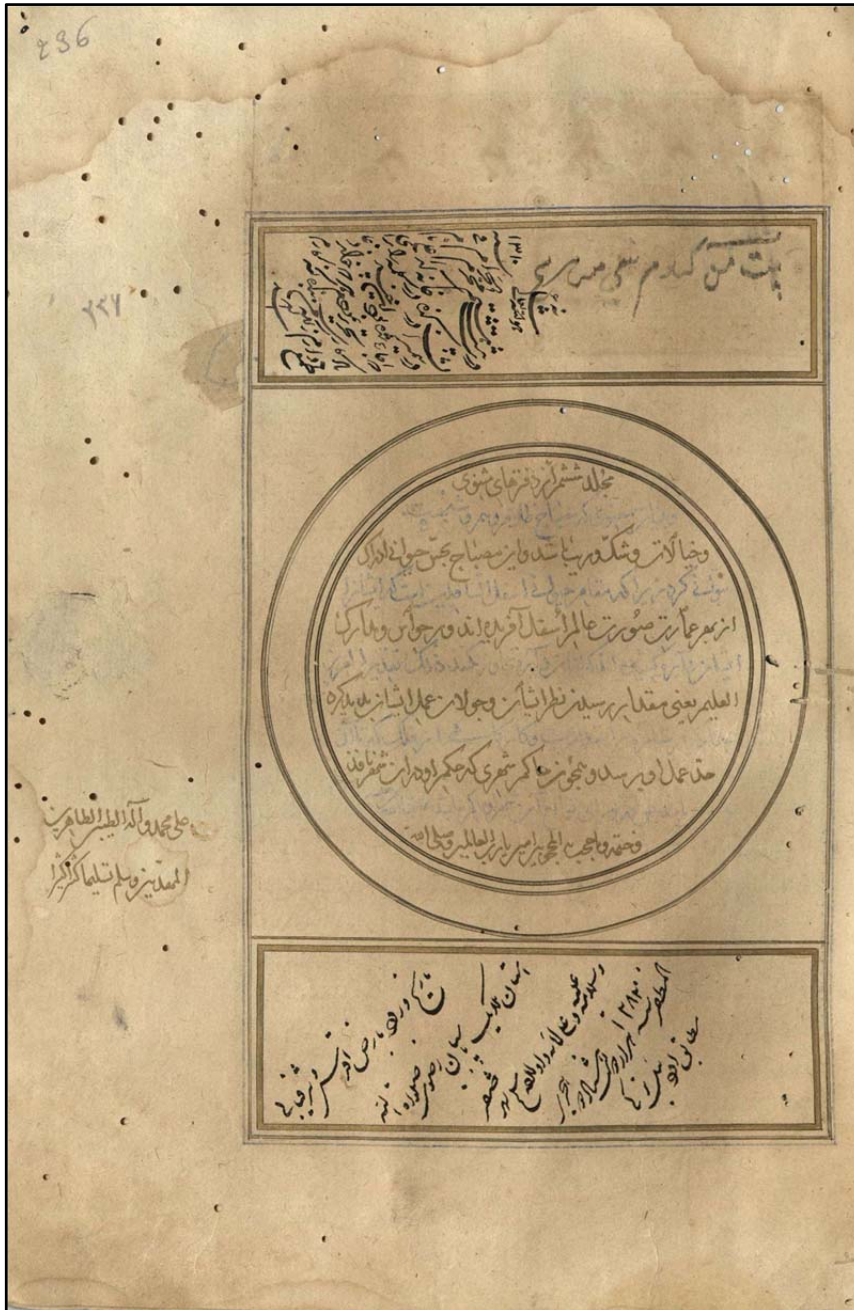
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳



۵۵۹

آینه پژوهش | ۲۵۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۱۹. همان نسخه، گ ۱۸۵ پ، آغاز دفتر پنجم.

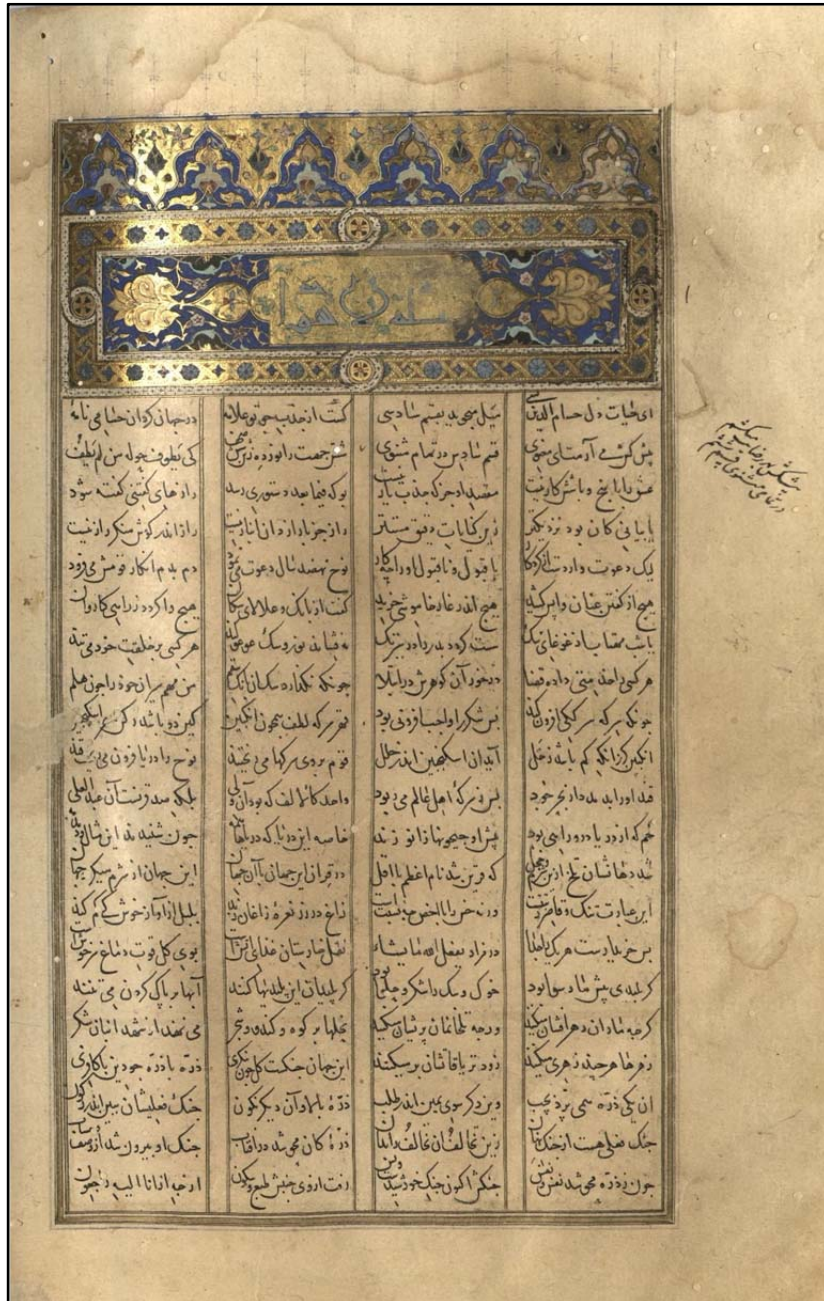


۵۶۰

آینه پژوهش | ۲۰۵

سال ۳۵ | شماره ۱

فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳



تصویر ۲۱. همان نسخه، گ ۲۳۶ پ، آغاز دفتر ششم.



۵۶۲

آینه پژوهش | ۲۰۵
سال ۳۵ | شماره ۱
فروردین و اردیبهشت ۱۴۰۳

تصویر ۲۲. همان نسخه، گ ۲۹۱ پ، برگ آخر نسخه نونویس از قرن دوازدهم.